

# نبرد خلق

شماره ۳۰۸  
دوره چهارم سال بیست و ششم  
اول اسفند ۱۳۸۹

کارگران همه ی  
کشورها  
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی .....

## فروریختن ستونهای نظام

مهدی سامع

«شناخت دقیق چگونگی سازماندهی و شکل گیری خیزش ۲۵ بهمن برای فعالان سیاسی و اجتماعی و به ویژه برای کسانی که موتور محرک حماسه ۲۵ بهمن بودند بسیار با اهمیت است.»

صفحه ۲

## در سوگ ماموستا شیخ عزالدین حسینی



با تاسف بسیار شبانگاه پنجشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۸۹، ماموستا شیخ عزالدین حسینی درگذشت. ماموستا شیخ عزالدین حسینی مبارزی برجسته و یک رهبر سیاسی و مذهبی بود که به ویژه در دوران رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه از حقوق دمکراتیک مردم ایران و به ویژه مردم کوردستان دفاع قاطع می کرد. ماموستا شیخ عزالدین حسینی همواره با مردم و در کنار مردم بود و از دمکراسی و حکومت غیر دینی جانبداری می کرد.

از طرف خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت ماموستا شیخ عزالدین حسینی را به خانواده و دوستان این مرد بزرگوار و به مردم ایران و به ویژه به مردم کوردستان تسلیت می گویم.

مهدی سامع

جمعه ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۱ فوریه ۲۰۱۱

## ویژه سیاهکل ....

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
به مناسبت چهلمین سالگرد حماسه و

رستاخیز سیاهکل

گزارش برگزاری مراسم ۱۹ بهمن، یادمان

چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

رستاخیز سیاهکل و درسهای امروز آن

از صفحه ۱۴ تا ۲۱

چهل برف نو بر جنگل سبز نشسته و چهل مهتاب نقره ای یلدا بر آن رنگ پاشیده، جای پاهای گرم اما هنوز مانده است.

هرم جانهای شیدا، راه دشوار و دراز، از سیاهکل تا به رهایی را روی هر سبزه خرد، کنار درختهای ایستاده و مغرور، نقشی سرخ بسته است. راه پیدا و خونین است، بی نشان از سعی چهل داس کولاک و چهل شولای سفید تدفین.

گام اول صفایی، کلام آخر تاریخ طغیان آزادی و عدالت بین البرز و هرمز بود؛ آرزوهای بزرگ و انسانی که آرمان گرایان این مرز و بوم آنها را زیستند و می زیند و عین واقعیت امروز و اکنون شان است.

قطعه ای به یاد سیاهکل  
نوشته منصور امان برای رادیو پیشگام

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از  
جنگ سرد (۹)

## آموزشهای نقش آفرینان نبرد مصر (۱)

لیلا جدیدی

صفحه ۱۰

سرمقاله ....

## ۲۵ بهمن، یک واقعیت در شکل، یک واقعیت در مضمون

منصور امان

«فشار فزاینده پایین برای کسب خواسته های خود، تحولات را به سمت چپ می راند و جریانهای مدافع این مطالبات را جایگزین نیروهای میانه باز، مُردد و ناپیگیر می سازد؛ امری که سازش در بالا را دُشوار تر و به انحراف کشیده شدن جنبش در پایین را نا ممکن تر می سازد.»

صفحه ۳



## دیکتاتوری ولایت فقیه، جهنم واقعی کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

## خاورمیانه

## در توفان توده ها

جعفر پویه

صفحه ۷

## شبح مبارزه ضد دیکتاتوری این بار علیه حاکمیت المالکی

آناهیتا اردوان

صفحه ۱۲

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## یادداشت سیاسی ....

### فروریختن ستونهای نظام

#### مهدی سامع

پروسه ساده و یک معادله یک مجهولی نبوده و فقط با خیزشها، جنبشها و قیامهای خیابانی هم تعریف نمی شود. مجموعه ای از حرکات اعتراضی به اضافه وجود شکاف در حاکمیت و ناتوانی قدرت سیاسی در اعمال اتوریته به شکل سابق و ایجاد روانشناسی تغییر در انبوه مردم از مهمترین علایم چنین بحرانی است.

پس از قیام ۶ دی سال پیش (روز عاشورا) ما شاهد تظاهرات و خیزشهای خیابانی گسترده نبودیم. طی این مدت گرچه حرکتها اعتراضی بسیار به شمول صدها حرکت اعتراضی کارگری و دانشجویی صورت گرفت، اما نبود یک اعتراض خیابانی گسترده این نظر را تقویت می کرد که گویی حاکمیت موفق به مهار حرکتها شده است و بر شکاف درون هرم قدرت غلبه کرده است. سازمان ما هیچگاه این نظر را تأیید نکرد و همواره بر این امر پافشاری می کرد که بحران غیرقانونی همچنان ادامه دارد و تعادل بین جنبش و نیروهای سرکوبگر، تعادلی ناپایدار است که هر لحظه آبستن رویدادهای مهم است. ما بر این باور بودیم که امکان سازش و مصالحه در درون هرم قدرت وجود ندارد و به ویژه بر این امر پافشاری می کردیم که سیاست «بی دنده و ترمز» که از جانب محمود احمدی نژاد مطرح شد و سید علی خامنه ای آن را «ریل گذاری جدید» تعریف کرد، یک انتخاب از سر نادانی و محاسبه غلط نبوده، بلکه یک سیاست راهبردی آگاهانه برای حفظ امنیت رژیم است. آقای خامنه ای به خوبی می داند که هزینه عقب نشینی برای ولایت ننگین اش بسیار بیشتر از هزینه ایستادگی بر سر مواضع قلدرمَنشانه است.

۳\_ شناخت دقیق چگونگی سازماندهی و شکل گیری خیزش ۲۵ بهمن برای فعالان سیاسی و اجتماعی و به ویژه برای کسانی که موتور محرک حماسه ۲۵ بهمن بودند بسیار با اهمیت است. ارزیابی تائکونونی نشان می دهد که سازماندهی شبکه ای با ابزار اینترنت و فضای مجازی نقش اصلی را در شروع و شکل گیری کانونهای اولیه این حرکت داشته است. شبکه های گسترده جوانان که از طریق امکانات اینترنت به هم مربوط شده اند، در شرایط مشخص روز ۲۵ بهمن توانستند به عنوان «خط شکن»، کانونهای اولیه تظاهرات را شکل دهند و همین امر که سرکوبگران قادر به درهم شکستن این نیروی

۱\_ آن چه در روز دوشنبه ۲۵ بهمن در بیش از ده شهر ایران اتفاق افتاد یک قیام توده ای بود. قیام کنندگان با شعارهای خود راس هرم قدرت و در نتیجه کل ساختار سیاسی را به چالش کشیدند. شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مبارک، بن علی، نوبت سیدعلی»، «مرگ بر خامنه ای» عمومی ترین شعار شرکت کنندگان در خیزش ۲۵ بهمن بود. واقعیت این است که ساختار قدرت سیاسی به طور کامل مَسْرُوب به راس هرم قدرت است و استبداد مذهبی با ولایت فقیه معنی می دهد. ساختار حقوقی جمهوری اسلامی با قانون اساسی تعریف می شود و در این ساختار حقوقی ولی فقیه نقش بلامنازع دارد. ساختار واقعی و عملی حاکمیت ایران نیز به موجودیت نهاد ولایت فقیه و وقتی شعار عمومی و همگانی در قیام ۲۵ بهمن راس هرم قدرت را نشانه می گیرد، این به معنی آن است که توده های ملیونی قیام کننده خواستار «سرنگون کردن» نظام واقعی و حقوقی حاکم بر ایران هستند. بدیهی است که کلماتی همچون «سرنگون کردن»، «برچیدن»، «عبور کردن از» و «برانداختن» رژیم وقتی بخواهد در سطح خیابان و در ابعاد ملیونی مطرح شود به همان گونه مطرح خواهد شد که در روز ۲۵ بهمن بیان شد. این درست است که آقایان موسوی و کروبی که برای ۲۵ بهمن دعوت به تظاهرات کرده بودند با شعارهای ساختارشکنانه مخالف هستند و هدف آنها «اجرای بدون تنازل قانون اساسی» است. اما حقیقت مهمتری وجود دارد که همه و متحمل طرفداران تغییر در درون رژیم باید بدان توجه داشته و بدانند که در شرایط بحران غیرقانونی، جنبش خیابانی منطق و حرف خود را دارد که با «فشار از پائین» و «مذاکره در بالا» فقط در شرایط تطابق دارد که هدف مذاکره در بالا، دیکته شرایط به زیر کشیدن دیکتاتور باشد. این واقعیت را تجربه نزدیک انقلابها در تونس و مصر هم نشان داد.

۲\_ خیزش روز ۲۵ بهمن نشان داد که بحران غیرقانونی که جرقه آن در شامگاه روز ۱۳ خرداد سال ۱۳۸۸ به وسیله محمود احمدی نژاد در مناظره با میرحسین موسوی زده شد، همچنان ادامه دارد. شکل گیری و انکشاف این بحران و یا مهار و خاتمه آن یک

امرش دستور داده تا به هرگونه رذالت و جنایتی مبادرت ورزند. شهید دزدی صنعت جدیدی در این رژیم نیست. آن چه جدید است شکستن مرزهای وقاحت است که این بار مدال آن به شکنجه گر معروف، حسین شریعتمداری رسید.

در این رابطه حرفهای یک سرکرده پلیس، اسماعیل احمدی مقدم شنیدنی است که شهادت زنده یاد صانع ژاله را با سالگرد دستگیری عبدالله اوجالان مرتبط دانسته است.

تظاهرات ابلهانه، مسخره و در عین حال از سر پریشانی مجلس نشینان هم دیدنی بود. آنها که در خیابان شکست خوردند و شاهد عمق و وسعت جنبش مردم بودند، در حیاط خلوت خود کف بر دهن آورند تا استیصال نظام را بهتر به نمایش بگذارند. روز چهارشنبه ۲۷ بهمن روزنامه ابتکار که لایحه رویدادهای خیابان و مجلس را به خوبی رصد کرده نسبت به افزایش شکافهای در درون نظام هشدار داد و نوشت: «تعمیق این شکاف و فروریختن ستونهای نظام به آوارشدن سقف بر سر همگان منتهی می شود.»

همین هشدار نشان می دهد که مساله اصلی برای خامنه ای و ولایتش مساله مرگ و زندگی است. آقای خامنه ای که طی یک سال گذشته بارها برای نابودی «میکروبوها» روضه خوانی کرده بود، با دریافت گزارشات و فیلمهای قیام ۲۵ بهمن به خوبی دریافت که پایه های تخت سلطنت مطلقه اش بیش از آن که قبلاً تصور می کرد سست است. او تاکنون سکوت کرده تا سکتارکد جنایتکاران تحت امرش را بررسی مجدد کند. اما پُر واضح است که او می داند عَرَبیده کشی در مجلس گوش به فرمان و شهید دزدی و به صحنه آوردن بُریدگانی همچون ناطق نوری دزدی از دَردهای بی درمان او را مُدَاوا نمی کند. وراجیه های روز چهارشنبه ۲۷ بهمن خامنه ای در ستایش از انقلاب مصر که آن را اسلامی توصیف کرد، بیش از آن که حاکی از تسلط و اقتدار وی باشد، نشان دهنده ترس ناشی از دریافت دقیق پیام ۲۵ بهمن بود.

به گمان من پیام قیام کنندگان ۲۵ بهمن را ولی فقیه نظام بهتر و دقیق تر از دیگران به شمول جریانهای سیاسی و زنان و مردانی که حماسه ۲۵ بهمن را آفریدند و قدرتهای جهانی دریافته است. این درک ناشی از درایت و تیز هوشی او نیست. این فقط و فقط ناشی از آن است که او ضربه های مداوم بر خود و ولایتش را حس کرده است. این دستاورد را باید با ایستادگی بر شعار «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و مرگ بر اصل ولایت فقیه» به نیروی مادی عظیم تر تبدیل کرد.

پیشتر نشدند، سبب آن شد که مردم آماده در خیابان به شکل انبوه در حرکت شرکت کنند. بدیهی است که سازماندهی شبکه ای با هیچ شکل سازماندهی دیگر نه در رقابت قرار دارد و نه در تقابل. تجربه تونس و مصر هم نشان داد که این گونه سازماندهی در شرایط دیکتاتوری کارآمد است. البته با شکل گیری علنی جنبش و به خصوص تداوم آن اشکال دیگر سازماندهی امکان بروز و گسترش پیدا می کنند. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و به ویژه بخش امنیتی سپاه پاسداران به نقش مهم شبکه جهانی اینترنت به خوبی پی برده و برای خنثی کردن این شبکه ها با اختصاص بودجه کلان و به خدمت گرفتن متخصصان ورزیده به طور شبانه روز به کار مداوم مشغول هستند. وظیفه بخش «جنگ سایبری» سپاه مهار و خنثی کردن تلاش نیروهای جنبش در شبکه جهانی اینترنت است. اما میدان مانور این تلاش نامحدود نیست. کنترل ملیونها نامه الکترونیکی و هزاران شبکه ارتباطی مستقیم کار ساده ای نیست. نهادهای امنیتی می توانند ارتباطات تعدادی از افراد مشخص را کنترل و یا رمز آدرس الکترونیکی آنان را در اختیار بگیرند. اما وقتی موضوع در ابعاد میلیونی روی میز طراحان امنیتی رژیم قرار گیرد، راه حل کنترل موثر غیر ممکن می شود. بیست و چند سال پیش نهادهای امنیتی رژیم درصدد بودند تا استفاده از ویدئو را غیرممکن کنند. آنها در این کار شکست خوردند و امروز صحبت از کنترل ویدئو به جوک گفتنی شبیه است. سالها پیش نهادهای امنیتی و انتظامی رژیم با انواع و اقسام طرحها به جنگ گیرنده های ماهواره رفتند و حاصلی جز شکست نصیبشان نشد. در مورد جنگ سایبری هم تا همین جا نتیجه ای جز شکست نداشته اند. جنبش ضد فیلترینگ طی یکی دو سال اخیر به سرعت رشد کرده و برای رژیم راهی جز پائین آوردن سرعت اینترنت که آن هم برای مدت محدود عملی است نمانده است. بنابراین استفاده از شبکه جهانی اینترنت به مثابه یک ابزار برای همه اشکال سازماندهی و به ویژه سازماندهی شبکه ای لازم و ضروریست و فعالان این جنبش می توانند با بالا بردن تجربیات خود و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر، خسارهای ناشی از کنترل نهادهای امنیتی رژیم را کاهش دهند.

۴\_ واکنش رژیم پس از ۲۵ بهمن نشان داد که ضربه وارد شده به راس نظام توانسته کل نظام را به لرزه درآورد. مقام معظم رهبری و مرجع خودخوانده شیعیان جهان تا این لحظه (شنبه ۳۰ بهمن) از هرگونه اظهار نظر خوداری کرده و با فرو خوردن خشم خود، به ارادال و اوباش تحت

## سرمقاله ....

## ۲۵ بهمن، یک واقعیت در شکل، یک واقعیت در مضمون

منصور امان

خیزش ۲۵ بهمن یک واقعیت در شکل و یک واقعیت مهم تر در مضمون را آشکار کرد. جدیدترین تحرک علنی و گسترده جنبش اجتماعی که تقریباً مُصادف با آخرین صف آرای توده ای آن در ۲۲ بهمن سال گذشته نمود یافت، به نیروی ناپیدایی که زیر پوست تحولات در حرکت است، دوباره چهره بخشید و آن را بر مرکز رویدادها نشانید. پیامدهای این امر نخست از زاویه نگاه اجتماعی و افقهای آن و سپس تأثیراتی که بر حکومت خواهد گذاشت، توجه پذیر است. از سوی دیگر، مفهوم سیاسی ۲۵ آبان، صف بندپهایی که به وجود آورد و آرایشهای تشکیلاتی و برنامه ای جدیدی که از این پس در هر دوی سوی میدان نبرد شکل خواهد گرفت و خیزش مزبور نیروی محرکه آن به حساب می آید، زاویه دیگر و بنیادی تری از آن است که دقت ویژه ای را می طلبد.

## شکست استراتژی ثبات

کوشش پُر هزینه و همه جانبه ی حکومت برای جا انداختن ادعای چیرگی بر بحران و سرکوب جنبش اعتراضی فقط با طنین افکندن اولین شعارها در تهران، شیراز یا اصفهان علیه آن نبود که بر باد رفت. پیش از آن، فقط درخواست مجوز برای تظاهرات از سوی آقایان موسوی و کروبی کافی بود تا باند ولایت به گونه دسته جمعی از گاری فتح پایین بیاید و در گودالهای همیشگی تهدید، وحشت پراکنی و دستگیری کوشندگان سنگر بگیرد. گارد دفاعی "نظام" هراسان شده، هیچ تناسبی با نمایش یکساله ی پایکوبی آن بر "جنازه فتنه" نداشت اما چنین می نمود که این پیچ و تاب ساختار شکن برای آن در لحظه مساله اصلی به حساب نمی آید. سرکردگان سپاه پاسداران، مهره های امنیتی وزارت کشور و سردسته های اوباش، عرق ریزان بر سر هر بوق رسانه ای، روزمرگی سیاستهای استراتژیکی که "نظام" را می بایست ثبات می بخشید را به آواز در می آوردند تا به جامعه مُتمرد بگویند که راه حلی برای به تسلیم کشاندن آن ندارند و فرج خود را از این بام به آن بام می جویند.

هیچ کس بیشتر از گرداننده اصلی بساط، به مسین بودن آنچه که به عنوان سکه طلا می فروخت، باور نداشت. آقای خامنه ای که در پس پرده به گونه بی نتیجه ای تلاش می کرد خلاء قدرت در پایین را با گرفتن حمایت از بالا مُوازن کند و به این

منظور بین قَم و تهران، "خاص بی بصیرت" و "خودی" های بی رضایت در رفت و آمد بود، در هر فرصتی زخم چرکین خود را در برابر چشم همگان با حمله به "فتنه" و فحاشی به جامعه بانداژ می کرد. او، تحریک شده از جانب آنچه که به گونه عینی با آن دست به گریبان بود، پی در پی واقعیت مُوازی که سر هم می کرد را نعلین مال و همراه آن، جنگ روانی و ضد اطلاعاتی ای که همه ی ظرفیت تبلیغاتی "نظام" را در خدمت آن گذاشته بود را به مضحکه تبدیل می کرد.

## تأثیرات ۲۵ بهمن در "بالا"

۲۵ بهمن، لاک نازک این سیاست کلان را تراشید و نه فقط بی برنامه گی دستگاه تدبیرکننده آن بلکه، بی آیندگی پنهان شده در پس آن را نیز عُریان ساخت. تأثیر این ضربه مهیب، در درجه نخست بخشهای مُدیریت و اجرایی دو ابزار سرکوب امنیتی - قضایی و جنگ روانی را در بر خواهد گرفت و تردید نسبت به کارایی این سیاست از یک سو و آینده خود از سوی دیگر را در میان آنها نشر می دهد. در مرتبه بعد، بدنه ی حکومت و لایه های اجتماعی پیرامون آن آماج قرار خواهند گرفت. اینان که بخشی به دلایل اقتصادی و بخشی از سر توهمات ایدولوژیک در خدمت مُستقیم "نظام" قرار دارند یا سیاهی لشکر فصلی آن به شمار می روند، زیر فشار ناهمگونی تعریف رووسایشان از وضعیت موجود با تجربه عملی خود، دُچار فرسایش و انفعال شده و بدین وسیله به نیروی اعتمادناپذیری در کشاکشهای جدی تبدیل می شوند.

به موازات این، بُن بست سیاستهای کلان باند ولی فقیه، شکاف موجود در آن را زُرَفش می بخشد و جدال در جریان را به پهنه بنیادی تری می کشاند که در آن فراکسیونهای رقیب با گزینه های رادیکال تر خود پا به میدان می گذارند و بدین سبب، نزاع را به مرحله تعیین کننده ای که انتهای آن فقط یک مخرج می تواند داشته باشد، فرامی کشند. در نتیجه تحول مزبور، ولی فقیه رژیم از دو سو زیر فشار قرار خواهد گرفت، ابتدا از جانب راست سستی که با استناد به ادامه ی بحران و موقعیت شکننده "نظام"، وی را برای برداشتن دست حمایت خود از پُشت فراکسیون نظامی - امنیتی دولت به کنج می راند و سپس از سوی فراکسیون یادشده که تپانچه یکدست سازی "رهبر" را بر

سینه ی خود او گذاشته و بی ثباتی موجود را حُجتی برای گرداندن پیچ انقباض به سمت بالا - چه در برخورد به مُعادلات درونی باند ولایت و چه در صحنه اصلی جدال (جامعه) - می گیرد.

## شفاف سازی دوستان دغلاکار

از نظر ایجابی، دامنه روانشناختی خیزش ۲۵ بهمن از این نیز فراتر می رود و در نقش ماده جهش دهنده به فاکتورهایی عمل می کند که خیزشهای ۸۸ بر پایه آنها شکل گرفت و به پیش رانده شد. با به میدان آمدن گسترده جنبش در این روز، راه برای ورود بخشی از جامعه که شرکت مُستقیم آن در مبارزه با حکومت تنها پس از تخمین زنیهای پی در پی صورت می گیرد، هموار می گردد. ۲۵ بهمن روند درک تدریجی این بخش از مسایل ناشی از بحران اجتماعی را شتاب می بخشد و آن را به ماده بالفعل درمی آورد.

به همین گونه، خیزش ۲۵ بهمن اعتماد به نفس نیروهای پیشتاز جنبش و باور آنها به نیروی اهرمی که در دست دارند را افزایش می دهد. هر حرکت بی واسطه مبارزاتی که جامعه از یک سو و حکمرانان بر آن را از سوی دیگر به گونه مشاهده پذیر به تلاطم بیافکنند، اعتماد به موثر بودن کنش خود و امکان عینی جابجایی شرایط موجود را در آنها تقویت می کند.

خیزش اخیر بخشی از اهمیت خود را از این نقطه کسب می کند که تمام تبلیغات مایوس کننده و اِگهیهای تسلیتی که در طول ۱۲ ماه گذشته بر سر جنبش اجتماعی ریخته شد را به یک ضربت تکانده و زیر پا انداخت. جنبش نشان داد که مطالبات آن عمیق تر و نیاز به تحقق آن مُبرم تر از همه ی فلسفه بافیهای پرت و درازگوییهای بی مایه ای است که بی درنگ پس از برخوردن به اولین مانع عینی پدیدار شدند تا نیروی عظیم تغییر را آماج قرار دهند. تجربی که نیروهای جنبش اجتماعی در برخورد با این کارزار و عناصر به پیش برنده آن کسب کردند، بی تردید نقش مهمی در تسهیل حرکت آنها و شناخت چاله های راه ایفا خواهد کرد.

هرگاه یاس پراکنی و سیاه نمایی تنها به "کارشناسان" خود خوانده انقلاب در داخل و خارج محدود می گردید، شاید فقط در حاشیه جایی برای اشاره می یافت. رویکردهای فصلی و تحلیلهای پُر آب و تابی که مُدت اعتبار آن در نشست بعدی پردازندگان شان با تازه

ترین اخبار پایان می یابد، نه موضوعی تازه و نه چندان قابل اعتنا است. توجه به این امر هنگامی ضرورت می یابد که در نظر گرفته شود، اقدام فردی و سلیقه ای، تنها سرچشمه تخریب روانی جنبش نیست و این امر به خوبی برای تأمین اهداف سیاسی مُعین نیز به کار گرفته می شود. در این رابطه، اصلاح طلبان حکومتی با استراتژی "چانه زنی در بالا و فشار از پایین" و "غیرخودی" های شرمنده با پرچم "عقل سازی حکومت" در ردیف نخست ایستاده اند. برای آنها اعتراضهای مُشکل، وسیله ای برای اخاذی از باند غالب به حساب می آید و از این رو، جنبشی که گرد این اعتراضها شکل می گیرد نیز باید به لحاظ گستره و زُرَفا، کنترل شده و هدایت پذیر باشد. ریشه تمام موعظه های اخلاقی مُبتذل اینان در باب خشونت و تمدن و القای سرخوردگی قشرهای درگیر مبارزه یا رُشد بی تفاوتی، برگ انجیری است که کراهِت عُریان این سیاست و برآشفتگی آن از سر به راه و قابل بهره برداری نبودن خیزشهای مُستقل اجتماعی را پنهان می کند.

۲۵ بهمن شکست این سیاست ریاکارانه و کمانه کردن تیرهای زهرآگین آن به سوی حاملاتش را به نمایش گذاشت و آنها را با پیامدهای ناگوار سیاسی و تشکیلاتی راهکار شان دست به گریبان ساخت. از این زاویه، نقش ۲۵ بهمن در شفاف سازی رویکرد دغلاکارانه این طیف و به سخن درآوردن آن از تریبون واقعی منافع خود، بی همتاست.

## یک ۱۸ تیر دیگر برای اصلاح طلبان

مرور فشرده رویکرد جریانهای و رهبران اصلی طیف مزبور در برابر فراخوان راهپیمایی ۲۵ بهمن گویای صف بندی آشکار علیه پا به میدان گذاشتن دوباره جنبش اجتماعی و بدین وسیله کنارگذاشتن سیاست پُشتیبانی در ظاهر برای حفظ امکان مُعامله زیر میزی روی آن می باشد. این جبهه گیری که کنش جنبش اجتماعی دست زدن به آن را برای اصلاح طلبان حکومتی به اجبار بدل ساخت، طیف یادشده را در همان موقعیتی قرار داد که ۱۸ تیر ۷۸ بر سرش نازل کرده بود. در آن هنگام نیز "اصلاح طلبان" پس از حرکت جدی اعتراضی علیه حکومت و تیز شدن لبه تضاد بین بالا و پایین،

بقیه در صفحه ۴

## دیکتاتوری ولایت فقیه، جهنم واقعی کارگران و مزدبگیران زینت میرهاشمی

روز چهارم بهمن سالگرد کشتار کارگران معدن مس خاتون آباد توسط ماموران دیکتاتوری ولایت فقیه است. در سال ۱۳۸۲، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران همراه با خانواده های خود بعد از یک هفته اعتراض و عدم دریافت حقوق خود، در مسیر راهپیمایی به سمت شهرداری شهر بایک مورد هجوم رگبار مسلسل مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفتند. در این یورش مرگبار چهار کارگر به نامهای ریاحی، جاویدی، مهدوی و مومنی و یک دانش آموز به نام پورامینی توسط ماموران به قتل رسیدند. همچنین تعدادی از راهپیمایان زخمی شدند. به این جنایت تا کنون هیچ رسیدگی نشده است. رژیم با کشتار کارگران زحمتکش و محروم این منطقه، برگی دیگر بر جنایات خود افزود. بدون شک این پرونده همراه با پرونده های جنایت بار دیگر روزی باید رسیدگی شود و عاملان و آمران کشتار کارگران محروم این شهر محاکمه شوند.

احمدی نژاد روز ۵ بهمن در گیلان، ادعا کرد که «همه انبیا و اولیای الهی آرزو داشتند در این دوره زندگی کنند.» البته او معلوم نکرده که چگونه فهمیده آنها آرزو داشتند در دوران گم‌اشنگی او برای ولی فقیه زندگی کنند. وی این بار یک گام از ارتباط خود با امام زمان بالاتر رفته و تمایلات انبیا برای زندگی تحت حاکمیت استبدادی را هم کشف کرده است.

احمدی نژاد که رسالتش حفظ جهنم ولایت فقیه‌ای است، وعده بهشت می دهد و می گوید: «جهنم حایب است که هر کس به فکر خودش است، ما که نمی خواهیم به آنجا برسیم.»

این پاسدار در صحبت‌هایش آشکارا مخالفتش را با توسعه و پیشرفت بیان می کند و «نظام برنامه ریزی و توسعه» را به تقلید از ولی فقیه، مدل غربی اعلام می کند و مدعی می شود که: «اهدافی که ما برای ساختار جامعه داریم منطبق با فرهنگ خودمان است.» که همان فرهنگ دزدی، چپاول و استثمار در همه زمینه ها است.

فقر و بیکاری و رشد ارتجاع محصول فرهنگ نظام ارتجاعی حاکم بر ایران است که احمدی نژاد جزئی از آن است. جمهوری اسلامی بر اساس همه داده های آماری بین المللی و نیز گزارشهای داخلی از جمله فاسدترین حکومتها است. بر اساس گفته یکی از نمایندگان مجلس، «دولت حدود دوازده میلیارد دلار از درآمدهای نفتی را به حساب ذخیره ارزی واریز نکرده است.»

از طرف دیگر علی بنایی عضو کمیسیون برنامه و بودجه فاش کرد که «۱۱ میلیارد دلار از درآمد نفتی کشور به حساب ذخیره ارزی واریز نشده و دلیل دولت نیز برای عدم این کار غیر موجه است.»

جهنمی که احمدی نژاد برای بزرگ کردن آن امام زمان را هم شریک خود کرده با زبان آمار بهتر شناخته می شود. روز ۴ بهمن، رئیس مرکز سلامت محیط کار وزارت بهداشت در گفتگویی با ایسنا، در مورد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا می گوید: «بر اساس اعلام سازمان بهداشت جهانی تا سال ۲۰۱۲ در ایران ۱۰ هزار و ۶۰۰ نفر بر اثر آلودگی هوا دچار مرگ زودرس می شوند که یک سوم آن تعداد مربوط به شهر تهران و یک سوم دیگر مربوط به استانهای درگیر گرد و غبار است.»

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می گوید: «سرانه فضای سبز تهران یک هشتم استاندارد جهانی است.» به نظر می رسد همین دو نمونه برای شناخت طرحهای ویرانگر احمدی نژاد که مدل توسعه را غربی می داند و به دنبال «تحقق جامعه مهدوی» است کافی باشد، با این حال ذکر یک خبر از اسناد منتشر شده توسط ویکی لیکس برای شناخت سیاست احمدی نژادی مفید است. روزنامه ولت در آلمان به نقل از ویکی لیکس می نویسد: سپاه پاسداران بزرگترین فروشنده مواد مخدر در جهان است.

### گسترش فقر

با افزایش قیمت‌های مواد خامهای انرژی و نیز افزایش قیمت مایحتاج اولیه زندگی، وضعیت مردم هر روز بدتر شده است، احمدی نژاد بار دیگر شعارهای عوام فریبانه در رابطه با این طرح داده است. سخن پراکنی وی نشان دهنده هراس رژیم از گسترش اعتراض‌های کارگری و پیوستگی آنان با جنبشهای ضد دیکتاتوری است. وی در مجلس هنگام معرفی وزیر خارجه اش اعلام کرد که «برکات» طرح حذف یارانه ها خود را نشان می دهد. وی همچنین گفت که قیمت‌ها از فروردین ماه کاهش پیدا خواهد کرد. این وعده هم به لیست وعده های دیگرش اضافه خواهد شد.

وزیر کار رژیم از بهبود وضعیت معاشی کارگران در پی اجرایی شدن طرح یارانه ها، حرف زد و لذا افزایش دستمزد کارگران را با توجه به حذف سوبسیدها و بقیه در صفحه ۵

## ۲۵ بهمن، یک واقعیت در شکل، یک واقعیت در مضمون

بقیه از صفحه ۳

هراسان به زیر خیمه ولی فقیه پناه بردند و نقش مباشر "نظام" در سرکوب خیزش را به عهده گرفتند؛ اقدامی که ریزش گسترده بدنه و نیروهای آن و توهم زدایی از فعالترین بخشهای مدافع اصلاحات را در پی داشت.

یک روز پس از اعلام درخواست مجوز راهپیمایی از سوی آقایان موسوی و کروبی (۱۸ بهمن)، جبهه مشارکت، تشکل عمده اصلاح طلبان حکومتی شتابان به صدا درآمد و پس از پناه گرفتن پشت "استقبال از راهپیمایی" در سخن، انجام عملی آن را تنها "در صورت صدور مجوز" توصیه کرد. این در حالی است که هیچکس و از همه بیشتر، صادر کنندگان این بیانیه کمترین تردیدی نداشتند که حکومت تحت هیچ شرایطی برای به خیابان آمدن میلیونها نفر در سراسر کشور علیه خود، فرش قرمز پهن نخواهد کرد. از این رو، مفهوم طرح چنین شرطی از نظر عملی، تعلق به محال کردن تظاهرات و از نظر سیاسی، اعلام رسمی برات خود از آن بود.

تنها چهار روز بعد از آنکه جریان مزبور رویکرد خود علیه تظاهرات را علنی ساخت، بدنه آن (شاخه جوانان مشارکت) با انتشار بیانیه ای، با اعلام شرکت بدون قید و شرط در راهپیمایی و "بودن در کنار مردم"، در برابر این حرکت موضع گرفت.

راه حل یک تشکل اصلاح طلب حکومتی دیگر، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برای اعلام برات، اندکی از دوستان مشارکتی خود نو آورانه تر بود. اینان در آستانه ۲۵ بهمن به یکباره اعلام داشتند که از این پس فقط "در خارج کشور به وظایف خود ادامه می دهند". همزمان، با تشدید صف بندی "بالا" و "پایین" بر سر این موضوع، آقای رفسنجانی نیز در ۲۰ بهمن پا به جلو گذاشت تا بدون بهانه تراشی و توجیه آوردن، علت فرار دسته جمعی "خودی" های از قدرت اخراج شده از راهپیمایی ۲۵ بهمن را به گونه جامع تری توضیح دهد: "ما الان آلترناتیوی برای وضع موجود ندارم. همین را باید حفظ بکنیم. با اصلاحات، با ترمیمهایی که لازم است، انجام بدهیم." "آلترناتیوی" که آقای رفسنجانی دست به نقد پیشنهاد کرد، رفتن "قشر ناراضی" زیر پرچم حکومت و

"شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن" به جای اقدام مستقل در ۲۵ بهمن بود. پس از آشکار گردیدن این امر که صف بندی جدیدی در میان ائتلاف شرکت کننده در نمایش انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفته است، نیروهایی که به گونه عمده خاستگاه سیاسی آنها را تشکیلات انتخاباتی آقای موسوی و نیز بدنه اصلاح طلبی حکومتی تشکیل می دهد، راه اندازی تشکل جدیدی به نام "راه سبز امید" را اعلام کردند. تشکل مزبور در اولین بیانیه خود، از مردم برای شرکت در راهپیمایی ۲۵ بهمن دعوت کرد.

تحولات در میان اصلاح طلبان و منتقدان با شتابی بی پیشینه ادامه می یافت و ۲۵ بهمن پیش از آنکه در رسیده باشد، مرحله جدیدی در آرایش نیروهای این طیف را شکل داده بود. "مجمع مدرسن و محققین حوزه علمیه قم" و "مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، دو تشکل اصلاح طلب دیگری بودند که با اعلام پشتیبانی از تظاهرات و طرح خواست تغییرات بنیادی، مسیر خود را از اصلاح طلبان حکومتی جدا کردند.

قطعیت شکل گیری و جدایی این دو خط را "مجمع روحانیون مبارز"، جریان که تربیون علنی رهبر اصلاح طلبان حکومتی، حجت الاسلام محمد خاتمی به شمار آید، بیان داشت. این تشکل پس از یک نشست اضطراری در شب ۲۴ بهمن، بدون اشاره به راهپیمایی روز بعد که در مرکز تحولات قرار داشت، بیانیه ای انتشار داد که موضوع اصلی آن را "تبریک به ملت‌های مسلمان و عرب" و "به فال نیک گرفتن تقارن پیروزی مردم مصر با یوم الله ۲۲ بهمن" تشکیل می داد.

### برآمد

روند سیاسی خیزش به سوی جلو در حال حرکت و به همراه آن جابه جایی نیروهای بازیگر در صحنه، با تمام شدن در جریان است. فشار فزاینده پایین برای کسب خواسته های خود، تحولات را به سمت چپ می راند و جریانهایی مدافع این مطالبات را جایگزین نیروهای میانه باز، مردم و ناپیگیر می سازد؛ امری که سازش در بالا را دشوار تر و به انحراف کشیده شدن جنبش در پایین را ناممکن تر می سازد.

جنبش اجتماعی، به گونه بنیادی تر و با توان بیشتر، آزادیهایی که اصلاح طلبان حکومتی ادعا می کنند در قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد را طلب می کند و از این رو نیز برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه، برای به یقین بدل ساختن همه فرضها، مبارزه می کند.

## دیکتاتوری ولایت فقیه، جهنم واقعی کارگران و مزدبگیران

بقیه از صفحه ۴  
افزایش قیمت‌ها، نادرست خواند و گفت هیچ افزایشی در این رابطه نخواهد داشت. حذف سوبسیدها اثر خود را بر بهداشت و درمان خواهد گذاشت. رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران اعلام کرد که «بر اساس اعلام معاون درمان وزارت بهداشت هزینه های سلامت در بخش دولتی در سال آینده حداقل ۴۰ درصد افزایش می یابد.» (خبرگزاری دولتی مهر ۲۱ بهمن ۱۳۸۹)

طبیعی است که افزایش درمان در بخش خصوصی بیش از این مقدار خواهد بود. اگر مجموعه افزایش قیمت‌ها از نان روزانه تا درمان و بقیه می‌تواند زندگی که رشد صعودی داشته است در نظر گرفته شود با مقایسه ای ساده میزان درآمد دولت از حذف سوبسیدها با توجه به افزایش قیمت نفت و مقدار ناچیزی که به برخی از اقشار جامعه پرداخت شده که حتی تداوم آن تضمین شده نیست، می بینیم که برنده اصلی این طرح دولت پاسداران و ولی فقیه است و مردم به ویژه طبقه کارگر و مزدبگیران بیشترین صدمه را می بینند. افزایش دستمزد کارگران و مزدبگیران بر اساس نرخ تورم و سبب هزینه زندگی، حق اولیه کارگران است که باید عملی شود. تشکل مستقل کارگری برای تحقق حقوق کارگران، برای امنیت کار، حق کار، حق آزادی بیان، حق اعتصاب و راهپیمایی در ردیف حقوق اولیه کارگران است.

### برخی از مهمترین حرکتهای

#### اعتراضی کارگران و

#### مزدبگیران در بهمن ۱۳۸۹

**سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.**

\*بعد از ظهر روز پنجشنبه ۳۰ دیماه کارگران شهرداری شوشتر در اعتراض به کاهش سطح دستمزد و مزایای خود اعتصاب نموده و از جمع آوری زباله های سطح این شهر خودداری کردند. این دومین اعتصاب کارگران شهرداری شوشتر طی ۲۰ روز گذشته است.

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، پس از این اعتصاب، صبح روز جمعه اول بهمن ماه وضعیت شهر شوشتر به نحوی بود که تمامی زباله های شهری در برابر درب منزل مردم باقی مانده بودند. در نهایت پس از ۱۵ ساعت اعتصاب مقامات رژیم در شهرداری شوشتر اعلام کردند حاضر به تجدیدنظر

در خصوص سطح دستمزدهای کارگران می باشند و این اعتصاب به طور موقت پایان یافت.

\*روز جمعه اول بهمن کارگران خیاباز سنندج به سوی استانداری راهپیمایی کردند اما به دلیل شرایط امنیتی حاکم در مقابل استانداری، مجبور شدند تجمع خود را در برابر مسجد جامع شهر سنندج برگزار نمایند. کارگران در این تجمع مخالفت خود را با دستمزدی که به توافق نمایندگان تحمیلی کارگران (تحمیلی از طرف اداره کار) و نمایندگان کارفرمایان خیاباز، اعلام شده بود ابراز داشتند.

\*روز دوشنبه ۴ بهمن جمعی از کارگران شرکت پارس مثال با تجمع در برابر مجلس رژیم خواستار پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود شدند. به گزارش ایلنا پیش از این ۳۰۰ کارگر کارخانه فوق در تابستان گذشته نیز در اعتراض به اخراج کارگران قراردادی و عدم پرداخت دستمزدهای شان در برابر دفتر احمدی نژاد تجمع کرده بودند.

\*کارگران کارخانه نساجی قائمشهر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها دستمزدهای معوقه خود، از روز شنبه ۹ بهمن تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران معترض خواستار دریافت ۹ ماه دستمزدهای معوقه توسط کارفرمای کارخانه نساجی قائمشهر می باشند. گزارش مذکور حاکی است، به مدت چند روز است کارگران پلاکاردهایی با مضامین اعتراضی بر دیوار و مقابل کارخانه نصب کرده اند.

\*روز شنبه ۹ بهمن ماه جمع کثیری از کارگران کارخانجات نساجی مازندران شامل گونی بافی، نساجی تالار و شماره دو، در مقابل نساجی طبرستان تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایلنا تجمع اعتراضی کارگران نساجی مازندران در اعتراض به خلف وعده مقامات جهت رفع مشکلات آنان از جمله پرداخت ۵ ماه دستمزدهای معوقه، پرداخت دستمزدها، عیدی و پاداش معوقه در این کارخانه صورت گرفت.

روز یکشنبه ۱۰ بهمن ماه برای دومین روز متوالی، کارگران معترض کارخانه نساجی مازندران در مقابل نساجی طبرستان تجمع اعتراضی برپا کردند. حرکت اعتراضی کارگران در روز دوشنبه و برای سومین روز هم ادامه پیدا کرد.

\*روز یکشنبه ۱۰ بهمن، کارگران کارخانه پارس مثال در اعتراض به عدم پرداخت ۱۱ ماه دستمزدهای معوقه خود در مقابل مجلس رژیم، تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران معترض ۱۰ نماینده را از میان خود جهت انجام مذاکرات با مقامات

رژیم و کارفرما تعیین کرده اند. بیش از ۲ ماه است که خط تولید کارخانه پارس مثال بطور کامل متوقف شده است. در این فاصله زمانی، ۱۴۰ کارگر که به صورت قراردادی در این کارخانه مشغول بکار بودند، از کار اخراج شدند.

\*دبیر اجرایی خانه کارگر گلستان از تجمع کارگران نئوپان شمشک در مقابل اداره کل کار و امور اجتماعی استان گلستان خبر داده است.

هادی رضازاده تاکید کرده است که ۳۰۰ کارگر این کارخانه نزدیک به ۲۰ ماه حقوق و مزایای معوقه طلبکار هستند.

به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۱ بهمن، این کارگران ۳ روز پیش نیز در مقابل استانداری گلستان نیز تجمع کرده بودند.

\*بنا به خبر منتشر شده در فیس بوک کارگران و شماری از کارکنان شاغل در نیروگاه برق گرگان (نیروگاه پژو)، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود از روز یکشنبه ۱۰ بهمن تا روز چهارشنبه ۱۳ بهمن اعتصاب کردند. کارگران و کارکنان اعتصابی نیروگاه برق گرگان اعلام کرده اند چنانچه مقامات رژیم اقدام به پرداخت دستمزدهای معوقه آنان نمایند، اعتراضات خود را ادامه خواهند داد.

\*روز سه شنبه ۱۲ بهمن ماه، کارگران لوله سازی خوزستان، در فلکه مقابل ساختمان حراست این شرکت تجمع کرده و خواستار دریافت ۲۰ ماه دستمزدهای معوقه خود شدند. به گزارش آژانس ایران خبر، تجمع اعتراضی کارگران لوله سازی خوزستان در حالی برگزار گردید، که مقامات رژیم تاکنون بارهای وعده پرداخت مطالبات آنان را داده اند و هر با به بهانه های واهی از عملی کردن آنها خودداری کرده اند.

\*ظهر روز شنبه ۱۶ بهمن ماه دهها تن از کارگران پروژه احداث تصفیه خانه آب شرب طیس، در مقابل فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش هراتا، کارگران معترض پروژه احداث تصفیه خانه آب شرب طیس، در تجمع اعتراض خود خواستار دریافت ۷ ماه دستمزدهای معوقه خود از سوی مقامات رژیم شدند. در پی تجمع اعتراضی مذکور رئیس شورای اسلامی شهر، رئیس اداره کار و امور اجتماعی رژیم و فرمانده انتظامی شهرستان طیس، در جمع کارگران معترض حاضر شدند و وعده پیگیری پرداخت هر چه سریعتر دستمزدهای معوقه آنان را دادند.

\*بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز شنبه ۱۶ بهمن ماه کارگران معترض کارخانه لاستیک

سازی کیان تایر، در کنار جاده اسلامشهر دست به تجمع اعتراضی زدند و اقدام به آتش زدن لاستیک در محوطه کارخانه کردند.

به دنبال این اعتراضات از سوی کارگران، فرمانداری اسلامشهر طی تماسی با نماینده های کارگران اعلام کرد روز یکشنبه ۱۷ بهمن ماه فرماندار اسلامشهر به همراه هیئتی از سوی سازمان حمایت از صنایع برای رسیدگی به خواسته های کارگران به کارخانه خواهند آمد.

\*بنا به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا روز شنبه ۱۶ اسفند، شماری از اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران در مقابل دستگاه قضایی رژیم تجمع اعتراضی برپا کردند. معترضان با انتشار نامه ای خطاب به رئیس دستگاه قضایی، خواستار تسریع در رسیدگی به شکایات خود از رژیم در تعاونی مسکن کارگران برق تهران شدند. در این پرونده ۱۰ متهم حضور دارند که مدیرعامل سابق، رئیس سابق هیات مدیره و بازرس سابق شرکت تعاونی مسکن کارگران اداره برق تهران از جمله متهمان آن هستند. در این پرونده حدود ۹ هزار قطعه زمین با شگرد ویژه ای به حدود ۲۵ هزار نفر فروخته شده و اغلب مالباختگان هیچ سند و مدرکی دال بر پرداخت پول در اختیار ندارند. اتهام ده متهم بازداشت شده در این پرونده، شرکت در کلاهبرداری، جعل و انتقال مال غیر است.

\*روز یکشنبه ۱۷ بهمن ماه دهها تن از کارگران معترض کارخانه پوشینه بافت قزوین، در مقابل استانداری قزوین تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران به وعده های پوشالی احمدی نژاد در خصوص حل مشکلات خود اعتراض کردند. تجمع کنندگان خواستار پرداخت ۱۱ ماه دستمزدهای معوقه خود توسط مقامات رژیم و کارفرمای کارخانه پوشینه بافت شدند.

\*بیش از ۲۵۰ کارگر شاغل در کارخانه سازمایه در پاکدشت، روز یکشنبه ۱۷ بهمن، باردیگر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود، در این کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایران کارگر، تجمع کارگران سازمانیه در اعتراض به عملی نشدن توافقات صورت گرفته در جریان مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرما و عدم پرداخت ۱۱ ماه دستمزدهای معوقه، برگزار گردید. لازم به ذکر است تاکنون نیز مقامات رژیم علیرغم اطلاع از وضعیت این کارگران و وعده های خود جهت حل مشکلات آنان، اقدامی جدی به عمل نیاورده اند.

بقیه در صفحه ۶

## برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در بهمن ۱۳۸۹

بقیه در صفحه ۵

\*روز دوشنبه ۱۸ بهمن، کارگران کارخانه کاشی سرامیک کازرون با تجمع مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان، خواستار راه‌اندازی مجدد آن شدند.

به گزارش ایسنا، کارخانه کاشی سرامیک کازرون وابسته به بانک تجارت، از حدود چهار سال قبل تعطیل شده و حدود ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه نیز بیکار شده‌اند.

بانک تجارت که مالک اصلی کارخانه کاشی سرامیک است اعلام آمادگی کرده که با آسانترین راه کارخانه کاشی سرامیک را به سرمایه‌گذار دیگری واگذار کند.

\*روز دوشنبه ۱۸ بهمن، کارگران شهرداری اهواز در مقابل ساختمان شورای شهر اهواز دست به تجمع زدند. به گزارش فارس کارگران شهرداری هر هفته یکی دو بار در مقابل شورای شهر تجمع کرده‌اند و تقاضای پرداخت حقوق معوقه خود را دارند. در مقابل پیمانکاران نه تنها حقوق این کارگران را پرداخت نمی‌کنند، بلکه در صورت اعتراض کارگران آنها را اخراج می‌کنند.

\*به گزارش سایت افق روشن روز سه شنبه ۱۹ بهمن کارگران پوشینه بافت قزوین در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهای معوقه ۱۱ ماهه خود مجدداً دست به تجمع اعتراضی زدند. در جریان این حرکت، کارگران درب شرکت را به نشانه اعتراض بستند و مانع ادامه روال عادی کار شدند. کارگران این شرکت طی روزهای اخیر برای به دست آوردن حق و حقوق خود دائم در اعتراض و تجمع بوده‌اند، اما علیرغم این تاکنون جواب روشنی توسط کارفرما به آنان داده نشده است.

\*کارگران کارخانه قند بردسیر در کرمان با دیگر در حرکتی اعتراضی با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر، خواستار دریافت دستمزدها و مطالبات معوقه خود شدند.

به گزارش روز چهارشنبه ۲۰ بهمن، آژانس ایران خبر، کارگران معترض خواستار دریافت ۱۰ ماه دستمزدهای معوقه خود و راه‌اندازی مجدد این کارخانه که از دو ماه پیش به این طرف تعطیل شده است، می‌باشند.

\*روز یکشنبه ۲۴ بهمن کارخانه قند بردسیر کرمان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و بیمه خود، بار دیگر دست به اعتراض زدند.

به گزارش آژانس ایران خبر، کارگران معترض که مدت ۲۲ ماه است دستمزد دریافت نکرده و از حق بیمه خود نیز محروم مانده‌اند، این بار در برابر اداره کار این شهر تجمع نمودند و یک نماینده از میان خود را برای پیگیری مطالبات خویش به این اداره فرستادند.

\*روز دوشنبه ۲۵ بهمن جمعی از کارگران پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به بیکاری، دست به اعتصاب زدند.

بنا به اطلاع گزارشگران ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا)، کارگران پالایشگاه نفت آبادان در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان در قبال وضعیت معیشت ایشان در مقابل درب پالایشگاه بر روی زمین دراز کشیدند و مانع رفت و آمد به پالایشگاه شدند.

در پی این حرکت اعتراضی مامورین نیروی انتظامی و حراست پالایشگاه سریعاً خود را به محل تجمع رساندند و سعی در متفرق کردن کارگران معترض داشتند.

گفته می‌شود مامورین با دیدن کوتاه نیامدن کارگران اقدام به تهیه فیلم و عکس از آنان نمودند. این تجمع تا ساعت ۱۲ ظهر ادامه داشت.

### باز هم حادثه، باز هم جنایت

جمعی از کارگران ایران خودرو روز چهارشنبه ۶ بهمن ماه با صدور اطلاعیه‌ای تحت عنوان «باز هم حادثه باز هم جنایت» ضمن همدردی با خانواده‌های همکاران جانباخته خود، این روز را عزای عمومی اعلام کردند.

در این اطلاعیه نوشته شده است که؛ در شامگاه سه شنبه ۵ بهمن ماه یک دستگاه کمپرسی حامل بار یکی از پیمانکاران در حال ورود از درب شماره ۹ ایران خودرو بود که بر اثر بریدن ترمز با تعدادی از کارگران برخورد کرد و متأسفانه باعث کشته شدن ۴ نفر به اسامی «ولی الله رحمانی، مصطفی خضری، سعید شفیع خانی و میرحسین» و زخمی شدن ۱۳ کارگر دیگر گردید.

کارگران ایران خودرو ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های جانباختگان، روز چهارشنبه ششم بهمن ماه را عزای عمومی اعلام کردند.

بعد از این حادثه دردناک کارگران کارخانه ایران خودرو دست به اعتراض زدند که در پی آن، بین کارگران و نیروهای حراست درگیری ایجاد می‌شود.

تجمع و تظاهرات کارگران هم در داخل و هم در بیرون کارخانه توسط نیروهای ضدشورش که بلافاصله از تهران، کرج و سایر نقاط به محل کارخانه اعزام شده بودند، سرکوب گردید.

مدیریت ایران خودرو شیفت صبح روز ۶ بهمن ۱۳۸۹ را تعطیل اعلام کرد. سرویسهای حمل و نقل، کارگران را از نیمه راه به خانه‌هایشان بازگرداندند. کارگران شیفت بعد از ظهر، با سرویس به کارخانه

رفتند، اما دست به اعتصاب زدند و تولید را به طور کامل متوقف کردند. مدیریت کارخانه که دریافت کارگران شیفت شب هم همین کار را خواهند کرد، این شیفت را هم تعطیل اعلام کرد. به این ترتیب، آن روز در سه شیفت، هیچ خودرویی در ایران خودرو تولید نشد.

چند روز بعد از این رویداد تاسفبار یکی دیگر از کارگران به نام «سعید به نژاد» که از زخمی‌های حادثه در ایران خودرو بود در بیمارستان جان باخت.

ایلنا طی گزارشی اعلام کرد که ۶ نفر فوت کرده‌اند و ۲ نفر در بیمارستان فوت کردند.

سندیکای کارگران قند مرودشت در پیامی همدردی اعضای این سندیکا را با اعضای خانواده کارگران جانباخته ایران خودرو و مصدومان این واقعه ابراز نمود، و از تمامی اشکال اعتراضی کارگران ایران خودرو اعلام حمایت کرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار پیامی، همدردی خود را با کارگران ایران خودرو و خانواده کارگران جانباخته حادثه اخیر در این کارخانه ابراز داشت.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری با صدور اطلاعیه‌ای جانباختن چهار کارگر شرکت ایران خودرو را به خانواده و همکاران آنان تسلیت گفت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران طی پیامی به کارگران ایران خودرو و خانواده‌های کارگران جان باخته فاجعه دلخراش جان باختن کارگران ایران خودرو اعلام کرد که «همچون شما در اندوه و خشم و انزجاری عمیق فرو رفته ایم.»

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران جان باختن کارگران را به خانواده‌های آنان و کارگران ایران خودرو صمیمانه تسلیت گفته و ضمن اعلام همبستگی با آنان از خواست به حق کارگران ایران خودرو مبنی بر محاکمه و مجازات مسببین این واقعه تاسف بار حمایت کرده است.

سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک نیز در پیامی جداگانه جان‌باختن عده‌ای از کارگران شیفت شب ایران خودرو را پس از اضافه کاری اجباری تسلیت گفته است.

### بیانیه تشکلهای کارگری پیرامون وضعیت دستمزد کارگران

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می‌داریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین شود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکلهای مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اتحادیه آزاد کارگران ایران هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک کانون مدافعان حقوق کارگر انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

بهمن ۱۳۸۹

های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم.

قرار بوده است افزایش هر ساله حداقل دستمزد کارگران متناسب با تورم و سبب هزینه یک خانوار چهار نفره باشد. اما آیا در طول سالهای گذشته چنین چیزی در تعیین حداقل دستمزدها رعایت شده است؟ طبق اظهار نظر کارشناسان اقتصادی در سال گذشته خط فقر نزدیک به یک میلیون تومان بوده است، اما حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته را ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند که با احتساب سایر موارد قانونی مربوط به دستمزدهای کارگران حداکثر دریافتی اکثریت عظیم آنان به ۵۰۰ هزار تومان نیز نمی‌رسد. آیا تعیین چنین دستمزدی با اذعان به خط فقر یک میلیون تومانی جز این است که صراحتاً ما کارگران را محکوم به زندگی در زیر خط فقر کرده‌اند؟ آیا چنین وضعیتی برای تعیین کنندگان حداقل دستمزد و خانواده‌های آنان قابل تحمل است که برای ما کارگران نیز قابل تحمل باشد. آیا واقعا حتی دو میلیون تومان دستمزد هم در شرایط اقتصادی کنونی و با آزاد سازی قیمت‌ها کفاف تامین شرافتمندانه

هزینه یک خانوار چهار نفره را می‌دهد؟ از نظر ما اگر قرار شده است قیمت اکثر کالاها اساسی زندگی چندین برابر بشود ما کارگران نیز حق داریم دستمزدهای خود را به چندین برابر افزایش دهیم. آیا به جز این است که نیروی کار ما کارگران تنها کالایی است که ما از طریق فروش آن به صاحبان سرمایه امراز معاش می‌کنیم؟ آن وقت چرا باید وقتی نوبت تعیین قیمت نیروی کار ما کارگران فرا می‌رسد ما باید نظاره گر باشیم و عده‌ای در شورای عالی کار بدون حضور نماینده‌های واقعی ما، قیمت نیروی کار ما را تعیین بکنند و یک زندگی زیر خط فقر را بر ما و خانواده هایمان تحمیل نمایند.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می‌داریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکلهای مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اتحادیه آزاد کارگران ایران هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک کانون مدافعان حقوق کارگر

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

## خاورمیانه در توفان توده ها

جعفر پویه

جنبش و جوش و خروش مردم در منطقه خاورمیانه چشم جهانیان را خیره کرده است. پس از سالها سکوت گورستانی اکنون این میداين شهرهای بزرگ و مرکزی کشورهای این منطقه است که کانون خبرهاست. جنبش مردم در تونس با یک حرکت پیش بینی نشده و سریع، رژیم بن علی را مات کرد. بیرون راندن رهبر مادام العمر تونس از کشور چنان سریع اتفاق افتاد که امکان هر نوع واکنشی را از جانب نیروهای ناظر بر منطقه و حامی او سلب کرد. هنوز اخبار تونس در سطر خبرهای روز جهان قرار داشت که توفانی عظیم تر از قاهره برخاست. تناقض گویی رووسای قدرتهای مدعی رهبری جهان، وضعیت را پیچیده تر از آنی کرد که به نظر می رسید. اما جنبش برآمده از بطن جامعه، توفنده تر از آنی بود که با ایما و اشاره این و آن و یا توپ و تشر گردن کلفتهای میاندار عرصه جهانی از میدان بدر رود. این است که آنان نیز مجبور به شنیدن صدای انقلاب مردم شدند و این برای ما تداعی کننده سالهایی شد که قدرت مردم، خیابانهای شهرهای مختلف کشور را تصاحب کرد و شاهنشاه، سایه خدا با حزب رستاخیزش مجبور به شنیدن صدای انقلاب مردم شد. اما محمد رضا پهلوی نیز همچون همتای خود در قاهره اندکی دیر به این فکر افتاد و بنیاد قدرتش بر باد رفت. در مورد تشابه انقلاب مردم مصر و ایران حرفهای زیادی زده می شود. در این مورد نشانه های فراوانی وجود دارد و تفاوتی هم، اما چگونه دیدن این تشابهات و تفاوتها از دیدگاه هر ناظری نمایانگر نوع نگاهی است که به مقوله انقلاب و جنبش اجتماعی و خواسته های توده های دخالتر در آن دارد.

### تفاوت و تشابه انقلاب در مصر و ایران

در تقدم و تاخر موج تغییر کنونی در منطقه حرفهای بسیاری زده می شود. بسیاری، آغاز کننده را ایرانیهای به خیابان آمده در جنبش اجتماعی رنگارنگ شان با توسل به تکنولوژی مدرن و خبرنگار - شهروندانی که اخبار جنبش خود را دست اول به چهار نقطه گیتی مخابره کردند، می دانند. برخی، استقامت و ایستادگی مردم در میدان التحرير قاهره و پافشاری آنان بر خواسته هایشان و حضور در خیابان تا رسیدن به نتیجه را درس بزرگ این اتفاق دانسته که مردم مصر به جهانیان هدیه می کنند.

دستکم این را با یقین می تواند گفت که دستگاه های خبر پراکنی جهانی، درس بزرگی از جنبش مردم ایران آموخت و به همین دلیل در مصر از مردم بیا خواسته عقب نماند. آنان با نصب دوربینهای تلویزیون در میدان التحرير، انتشار خبر را در عمل در اختیار گرفتند تا تحرک نیروهای توده ای و خارج از خواست اربابان شان را بدین وسیله متوقف کنند و این کاری بود که در آن تا اندازه ای موفق شدند. بگذارید اندکی نقب به تاریخ رژیم و سابقه تحرکات منطقه را از چند دهه قبل به پیش چشم آوریم، زیرا این



"انقلاب شاه و ملت" گذشت. شعبان جعفری، معروف به "شعبان بی مخ" و پروین اژدان قزی نیز به عنوان نماد این انقلاب سیاه معرفی و شهره شدند و مدال افتخار کارگزاری آمریکا و انگلیس و تاج بخش را به سینه آویختند. چیزی از این شکست در ایران نگذشته بود که حبیب بورقبیه موفق شد جنبش استقلال طلبانه و ضد استعماری تونس را به ثمر برساند. رژیم سلطنتی تونس منحل شد و جمهوری اعلام گردید. هرچند بیگانگان بیرون رانده شدند و رژیم سلطنتی نیز برچیده شد اما بورقبیه، رئیس جمهور مادام

روزها چنین القا می شود که امواج تغییر به تازگی در منطقه دمیده است و گویی این مردم هیچ سابقه ای در آزادیخواهی و مبارزه برای حقوق اساسی خود نداشته و تا بوده در انقیاد حکومتهای جبار و خونخوار دست نشانده ای بودند که با حکومت موروثی و دایمی امکان تحرک را از آنها سلب کرده بودند. حال این پرسش که مدافع این حکومتها جبار چه کسانی هستند، آنان تا کتون با اتکا به چه قدرتهایی توانستند سرپا بمانند و مردم را به شدیدترین وجه ممکن سرکوب کنند؟ موضوعی است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

### همزمانی تاریخی

دولت ملی دکتر مصدق در سال ۳۲ توسط سیا و اینتلجنس سرویس به دنیا "کمونیست" معرفی شد و به همین علت کودتا علیه آن را توجیه کردند و آن را برانداختند. ملی کردن صنعت نفت در ایران می توانست ضربه ای کاری به منافع انگلیس و آمریکا وارد کند و کشور ایران را در ادامه راه انقلاب مشروطه موفق گرداند اما اینگونه نشد. کودتای ۲۸ مرداد موفق شد دولت ملی را براندازد و بر خود نام

پس ما هم می توانیم. با همین ایده، او کانال سوئز را ملی اعلام کرد و پس از آن خیابانی را نیز در قاهره به نام مصدق کرد تا ستایش خود از او را بلندتر بیان کند.

از عجایب است، پس از سرنگونی دولت ملی در ایران، تونس و مصر موفق به سرکار آوردن دولتهای ملی گرا می شوند و جشن ملی برپا می کنند. در این روزها نیز در حالی که جنبش اجتماعی مردم ایران در یک هموردی سنگین با گماشتگان ولی فقیه مجبور به عقب نشینی شد و مترصد فرصت ایستاده بود، در تونس و مصر بار دیگر جنبشهای برآمده می توانند موفق شوند و دولتهای سرکوبگر را براندازند. اما آنچه این روزها بیش از همه مهم است و بیشتر به چشم می آید، تفاوتی آشکاری است که در تهران و کشورهای عربی منطقه دیده می شود. مهمتر از همه اینکه هنوز در بین اقشاری از مردم کشورهای تونس و مصر، احزاب اسلام گرا و طرفداران برپایی یک دولت اسلامی مقبولیت دارند اما در ایران، مردم علیه یک رژیم دینی و اسلام گرای استبدادی در ستیز هستند. به زبان دیگر، آنچه می تواند از جانب مردم مصر و تونس به عنوان خواسته مطرح شود، در ایران قدرت ضد مردم است و تحرکات جنبش علیه آن است. این تفاوت آشکاری است که به عنوان نقطه ای برجسته می توان بر آن انگشت گذاشت، منهای اینکه کنشهای اجتماعی می تواند مشابهتهای بسیاری داشته باشد که درس آموزی جنبشها از یکدیگر و به کارگیری درست تجربه ها گواه واضحی بر این مدعاست.

از مقایسه جنبش تونس با جنبشهای تاریخی و کنونی به عمد در می گذرم و به مقایسه حداقلی بین جنبش تاریخی و حال مصر و ایران می پردازم. دلیل آنهم این است که کشور کوچک تونس در حاشیه اتفاقات قرار دارد، در حالی که مصر همچون ایران در موقعیتی قرار دارد که هر تغییری در آن می تواند معادلات منطقه را برهم زند. همسایگی با اسرائیل، در اختیار داشتن کانال سوئز، دسترسی به دریای آزاد و نقش الگو داشتن برای مردم بسیاری از کشورهای منطقه به دلیل سابقه تاریخی، می تواند موقعیت ویژه ای برای مصر بیافریند که تونس از آن بی بهره است. همچنانکه ایران در منطقه سوق الجیشی و ژئوپولیتیکی خود می تواند نقش آفرین در بسیاری از اتفاقات پیرامون خود باشد.

بقیه در صفحه ۸

## خاورمیانه در توفان توده ها

بقیه از صفحه ۷

### جنبش اجتماعی، یک برآمد دو

#### نتیجه

جنبش اجتماعی مردم ایران که جنبش رنگین کمان نام گرفته است، علیه یک تقلب بزرگ انتخاباتی شکل گرفت و به سرعت با فرموله کردن خواسته های خود در قالب شعارهای مطرح شده، وارد فازی شد که استبداد حاکم و کلیت آنرا به زیر سوال کشید. مطالبات معوق قیام ۵۷ در دستور قرار گرفت و همه تلاش و اراده مردم حاضر در خیابانها بر آن بود تا از پس استبداد حاکمی که لباس دین برتن کرده، برآید و حقانیت خود را به اثبات رساند. رژیم که سابقه سالها سرکوب و نابود سازی امواج اعتراضی را اندوخته بود، سعی کرد تا دیوار آهنین خود را بلندتر کرده تا اخبار این تحرکات کمتر به بیرون درز کند. بسیاری از گوشه‌ها در جهان نیز نیازی به شنیدن این خبرها نداشتند زیرا سالهاست که معامله های پنهان و زد و بندهای پشت پرده را بر بازی روی میز ترجیح می دهند. خبرنگارانی که برای پوشش یک انتخابات مهندسی شده در کشور بودند، بیرون رانده شدند. اینترنت قطع، تلفنهای همراه از کار افتاد و پارازیتهایی که مدتها در زبانبار بودن آنها بحث و گفتگو شده بود، با شدت به کار افتادند تا همه راههای ارتباطی را مسدود کنند. اما تلاش جوانان فرهیخته و کارآمد که به کارگیری تکنولوژی مدرن را به خوبی آموخته بودند، همراه با ابتکار عملهایی مثال زدن، سد استبداد را شکافت و اخبار مستقیم این تحرکات به دورترین نقطه جهان فرستاده شد. شبکه های خبری جهانی در مقابل این ابتکار عمل درمانده شد و مجبور گردیدند تا همین تولیدات خالصانه را که بهترین روایت کنش اجتماعی مردم است، مبنای خبر و تحلیل قرار دهند. زبانهایی که تا قبل از آن سرکوبی و قتل و کشتار مردم را مساله ای داخلی قلمداد می کردند و بر آن چشم می پوشیدند، در مقابل مردمی که نظاره گر تقلای جنبش اجتماعی بودند نتوانستند ساکت بمانند و هرچند رقیق و کم جان اما مجبور به موضعگیری و حمایت نصفه نیمه شدند. این یعنی، اثبات حقانیت جنبش خود از سوی جوانان و مردمی که در خیابانها تا پای جان برای گزارش کنشگری خود می ایستند و اخباری را مخابره می کنند که استبداد حاکم برای جلوگیری از پخش آن همه امکانات، حتی زد و بندهای پشت پرده بین المللی خود را به کار گرفته بود.

اولین درس جنبش اجتماعی مردم ایران این بود که با وجود توانمندی استبداد حاکم و حامیان بین المللی اش می توان سد سانسور را شکافت و خبر عزم و اراده مردم برای آزادیخواهی و تغییر وضعیت به غایت ضد انسانی حاکم را به گوش دیگران رساند. درسهای بعدی اما برداشتن نقاب از چهره کریه استبدادی بود که خود را مدافع توده های محروم جا می زد و نه تنها مقبول عامه مردم ایران می نامید، بلکه خود را سرمشق و جلودار جنبشهای منطقه و مدافع آنان می دانست. عدم مشروعیت و مقبولیت این استبداد خونریز و تباه گر بر همه جهانیان معلوم گشت و جنبش اجتماعی مردم ایران، چشمهای بسیاری را به حقایق پوشانده شده از دید آنان، بینا کرد. این یکی از بزرگترین خدمتهایی است که جنبش رنگین کمان به مردم جهان، به ویژه مردم منطقه کرد تا در دام پنهان شده توسط رژیم و مدافعان پیدا و پنهان آن نیفتند و همچون عراق، دستخوش یک کشاکش به شدت ضد انسانی و نابودی سازی روشنفکران و سرجنیانان و کنشگران سیاسی و اجتماعی خود نشوند.



توانستند با عزم و اراده خود، دیکتاتور حاکم را به زیر کشند. تا اینجا کار، انقلاب سیاسی توانسته است بخشی از وظیفه خود را به درستی انجام دهد اما همه موضوع این نیست زیرا به زیر کشیدن حسنی مبارک که یک دیکتاتوری موروثی را نمایندگی می کرد، پایان کار به حساب نمی آید، آنچه به جای آن خواهد آمد مهم است. اگر مردم نتوانند به آنچه می خواستند برسند، می توان اینگونه گفت که زحمات آنان بی نتیجه مانده و کار تمام نشده است. اما آنچه درسهای جنبش در ایران بود، در مصر به درستی به کار گرفته نشد و به همین دلیل بیم آن می رود که حاصل کار همان نباشد که مردم منتظرش هستند.

### درسهایی که گرفته نشد

اگر جنبش اجتماعی مردم ایران روایت مستقیم و بی واسطه ای از خواسته ها و شعارهای خود به جهان مخابره کرد اما در مصر نصب دوربینهای تلویزیونی در میدان التحریر و خلاصه کردن همه چیز در آنجا را می توان یکی از ضعفهای بزرگ آن دانست. بگذارید اندکی به عقب تر برویم و سیر

کنند و مکان مناسبی برای نمایشی که انگار کارگردانی شده، برپا می کنند. دوربینهای تلویزیونی در چارگوشه میدان نصب می شود و شب و روز گزارشات مستقیم از آنجا می فرستند. مصر و جنبش مردم برای خواسته های خود در میدان التحریر خلاصه می شود. حالا دیگر کسی از اعتصابهای وسیع کارگری صحبت نمی کند، کسی از مطالبات کارگران راه آهن، کارگران کارخانه های تولیدی، کارگران بخش خدمات، کارکنان بانکها، مطالبات زنان و تشکلهای آنها و حتا پلیس اعتصابی مصر که در تنگنای معیشت دست از کار کشیده و حاضر نیست تا در خیابانها به روی مردم چماق کشی کند، صحبت نمی شود. همه حرفها خلاصه شده به رفتن مبارک، برکناری و روی کار آمدن عمر سلیمان، معاون رییس جمهور و نماینده مبارک که سالیانی دراز ریاست سازمان مخوف امنیتی مصر را بر عهده داشته است، شورای نظامیان مصر و عدم دخالت آنان در سرکوب و ...

در این میان، حال و روز سیاستمداران آمریکایی گویای اوضاعی است که در مصر در جریان است. یکی خواهان ابقای مبارک می شود، دیگری خواهان رفتن مبارک است، بعدی در مذمت جنبش مردم و خواسته های آنان حرف می زند و آن یکی برعکس از آنان حمایت می کند و خواهان به دست گرفتن اوضاع توسط ارتش می شود. تکلیف مبارک که معلوم نیست باید برود یا بماند از همه ناچور تر است. کار به جایی می رسد که او می گوید "ما با اشاره کسی نیامده ایم که با حرف آنان برویم" اما او خود بهتر می داند که اوضاع خراب تر از آنی است که کسی تصورش را بکند. پس از به میدان آمدن البرادعی و مذاکره او با اخوان المسلمین، تصمیم به مذاکره با ژنرال عمر سلیمان گرفته می شود. ژنرالهای ارتش نیز در این میان حضور دارند. تکلیف مبارک روشن است، او باید برود اما چه کسی خواهد آمد، اینجا تصمیم گیری می شود. این همان ضعف بزرگ جنبش مردم مصر است. جمعیت گرد آورده شده در میدان التحریر با دغ و دایره، با عود و موسیقی، روز می گذارند، مردم در سایه تانکهای ارتش خمیازه می کشند و دوربینهای تلویزیونی خوراکی تبلیغاتی به اقصا نقاط جهان می فرستد. کسی از کارگران اعتصابی چیزی نمی پرسد، از کارمندان دست از کار کشیده خبری مخابره نمی کند. کسی نمی داند آنان به چه دلیل دست از کار کشیده اند و اعتصاب کرده اند. این کارگران، این کارمندان و بی چیزهایی که کمرشان در زیر بار گرانی و تورم خرد شده، این توده فقیری که برای دستمزد بیشتر و حداقل امکاناتی که یک زندگی

بقیه در صفحه ۹

جریانات را کمی جزئی تر نگاه کنیم. جوانان و مردم مصر به میدان آمدند و علیه بیکاری و مشکلات اقتصادی، جنبش خود را سامان دادند. درگیری و کشاکش مردم با حکومت آغاز شده و هر روز بالاتر می رفت که البرادعی، رقیب مبارک برای رسیدن به حکومت پا به عرصه می گذارد. او از خارج کشور به مصر می آید و می گوید به درخواست مردم حاضر است تا رهبری جنبش آنان را به دست گیرد. حال چه کسی چنین درخواستی را از او کرده، بماند!

چند روزی پس از این ادعا، حزب غیر قانونی اخوان المسلمین نیز وارد معرکه می شود. چه در پس پرده گذشته، مشخص نیست اما آنها می گویند از البرادعی حمایت می کنند و حاضرند تا همراه او وارد عمل شوند. از این به بعد جمعیت در خیابانها روز به روز بیشتر می شود. خواست برکناری مبارک مطرح می شود و سعی می شود جمعیت را وارد میدان التحریر قاهره

این جنبش در حالی که تاوان سنگینی برای این روشنگری پرداخت اما هرگز حاضر به ترک میدان نشد. هرچند به دلیل سرکوبهای گسترده و به کارگیری شکنجه، زندان و کهریزک و تجاوز و قتل و اعدام و ... وادار به عقب نشینی شد، اما آنچنان که میدان داران ولایت فقیه و حکومت مطلقه و استبدادی با عریبه های کر کننده، مرگ آنرا اعلام می کردند، نمرد و همچون کابوسی برای حکومت عمل می کرد. در این بیش از یکسال، جنبش به بازنگری داخل خود پرداخت، بسیاری از ضعفها را برطرف کرد، نتایج کار را برآورد نمود و در انتظار فرصتی مناسب، با بردباری همه مصایب را تحمل کرد.

اما آنچه در مصر گذشت از گونه ای دیگر بود. بعد از رویدادهای تونس، امواج برآمده از آن در مصر توفان پیا کرد. مردمی که آرام آرام پا به میدان گذاشتند، تا رسیدن به نتیجه مطلوب حاضر به عقب نشینی نشدند. آنها



## خاورمیانه در توفان توده ها

بقیه از صفحه ۸

شرافتمندانه را ممکن کند، وارد عمل شد. اما اکنون نمایش بزرگ در میدان التحریر در جریان است، چشمها همه به آنجا دوخته شده و همه خواسته ها نیز در رفتن مبارک خلاصه می شود. این وضعیت، ناخودآگاه ما را به یاد فتح بغداد و برگزاری نمایش مضحک به زیر کشیدن مجسمه صدام می اندازد. کسی از ارتش نابودگری که خاک یک کشور را برای جلوگیری و تصرف اسلحه کشتار جمعی به توبره کشیده، چیزی نمی پرسد. همه، مجسمه صدام را در میدان مرکزی بغداد تماشا می کنند که به زیر کشیده می شود. اما آن دورترها، تن های مردم زیر زنجیر تانکها له می شود، زیرساختهای اقتصادی عراق نابود می گردد، بمبهای از اورانیوم ضعیف شده خانه های مردم را به تلی از خاک تبدیل می کند، کشته ها روی هم تلنبار می شوند و دستگیر شدگان در زندان ابوگریب به چهار میخ کشیده می شوند، بازار قتل و کشتار و شکنجه داغ است اما همه اینها مهم نیست. فتح بغداد از دوربین تلویزیونها با مجسمه ای فلزی یکی می شود تا یک شو مضحک و تهوع آور به خورد مردم داده شود.

میدان التحریر و نمایش آن نیز چیزی بیش از این نمایش مضحک نیست. مردمی که برای رسیدن به حقوق خود به خیابان آمده اند، اسباب نمایش تلویزیونی در میدان التحریر می شوند تا شورای نظامی با عمر سلیمان و البرادعی و اخوان المسلمین به نتیجه برسند. هنوز از نتیجه کار کسی چیزی نمی داند که شورای نظامیانی که قدرت را به دست گرفته، علیه اعتصابیون اعلامیه صادر می کند. از آن خواسته می شود تا به اعتصاب خود پایان دهند. آنها ادعا دارند که این اعتصاب به امنیت ملی ضربه می زند. نظامیان از زبان مردم، اعتصابیون را مورد خطاب قرار می دهند و می گویند: "از نظر مردم نجیب مصر این اعتصابات در شرایط حساس کنونی نتایج منفی به بار می آورد."

خیال آمریکاییها وقتی راحت می شود که شورای نظامیان قدرت را به دست می گیرد. حال دیگر اگر مبارک برود، کسی نگران نیست. حقوق ارتش مصر را سالهاست که دولت آمریکا پرداخت می کند. بخش اعظم کمک بلاعوض آمریکا به مصر برای همین ارتش هزینه شده است، دست پرورده آمریکاست و تجهیز شده آنان. معلوم است که در چنین شرایط برآورده کننده نیاز است. مگر دولت سکولار عراق را

برنینداختند و دولتی اسلامی بر سر کار نیاوردند؟ چه تضمینی وجود دارد که با اخوان المسلمین ساخت و پاخت نکنند؟ محمد البرادعی کجای این معادلات قرار داشت که پا برهنه به وسط معرکه پرتاب شد؟ چرا کسی از کارگران صنایع فولاد و نساجی، از کارکنان پست و بنادر سوال نمی کند که چه می خواهند؟ چرا کسی گوشش شنوای خواستهای کارگران صنایع دولتی نفت و گاز نیست؟ چه کسی خواسته های آنان را نمایندگی می کند؟ چرا خبر این اعتصابات بیشتر کار نمی شود و انعکاس شایسته ندارد؟ چرا اوضاع معیشتی میلیونها مصری که تحت هجوم نو - لیبرالیسم افسار گسیخته به وضعیت اسفناکی رسیده، مورد توجه دوربینهای تلویزیونها نیست اما میدان التحریر و ساز و ضرب تجمع کنندگان، استراحت آنان در لای زنجیر تانکها - که حال دیگر نیاز شده تا این اندازه بی ضرر نمایش داده شوند - دایم پخش می شود؟

این ضعف جنبش اجتماعی نیست که اجازه داده تا بساطی در میدان التحریر

شورای نظامیان اعلام بی طرفی می کند. خمینی اعلام کرد انقلاب پیروز شده، مردم به خانه هایشان بروند. از کارگران و کارمندان می خواهند به سرکار خود باز گردند. پس از دیدارهای متعدد با کارگران اعتصابی شرکت نفت، آنان را تهدید می کنند در صورتی که به سرکار باز نگردند، با آنها برخورد خواهد شد (هرچند بعدها این برخوردها انجام گرفت و به شدت هم انجام گرفت). شیوه و عملکردی که این روزها در مصر در جریان است، خطراتی را زنده می کند که باید درسهای بزرگی به ما بدهد. باید چشم و گوش ما را بیشتر باز کند. باید یادآوری کند که اگر بار دیگر دوربینهای تلویزیونها در همانجایی که باید کار گذاشته شود و انحصار خبر در دست کسانی قرار گیرد که با آن مهندسی افکار عمومی را سامان - جهت دهی می کنند، باید شهروند - خبرنگار دست به کار شود و نگذارد تا

خواسته های کارگرانی که برای لقمه ای نان دست از کار کشیده و با همه توان، همه سختیها را به جان خریده تا



انقلاب را به این مرحله برسانند، در هیاهوی کسانی که در برابر دوربین به خواب خرگوشی در لای زنجیرهای تانکها می پردازند، گم شود. باید صدای اصلی انقلاب و جنبش را از جایی پژواک داد که حضور دارد، نه جایی که طراحی شده تا جهت اتفاقات را آنگونه که خود می خواهند مخابره کنند.

تلاش می شود انقلاب مردم مصر را در همان حد سیاسی و تعویض دولت مبارک خلاصه کنند. آنان می خواهند رفتن مبارک را همه خواست انقلابیون بنامند. توده های فقیری که برای لقمه ای نان و دستمزد بیشتر دست به اعتصاب زده اند و در میانه کارزار حضور دارند، به ظاهر هیچ کجای این هیاهو محاسبه نشده اند. اگر ارتش اعلام حکومت نظامی کند و اعتصاب را غیرقانونی، آنوقت تازه فرصتی است که

نقاب از چهره دغلکاران برانداخت و خواست انانی که برای نان و دستمزد بیشتر که کفاف یک زندگی شرافتمندانه را بدهد، به راس مطالبات کشانده شود. اصلاح قانون اساسی باید توسط نمایندگان همین مردم انجام شود. مجلسی که این کار را انجام می دهد، باید راهکار این اتفاق باشد. نظامیانی که نان خور دیگران بوده و هستند، امنیتیهایی که دست شان به خون مردم آلوده است، زد و بند چیهایی که به طور حرفه ای شغل شان پادویی و بندو بست و کارچاق کنی برای بیگانگان است را باید به دور ریخت. باید نمایندگان مردم بروند و دست به اصلاح قانون بزنند. باید از سد نظامیان عبور کرد و این موضوع را به آنان حالی نمود. و گرنه هیچ چیزی دست گیر توده فقیری که از این انقلاب انتظارها داشت، نمی شود.

با کمی اغماض در ایران نیز کشاکش در جایی است که می رود تا با رژیم خودکامه تعیین تکلیف کند. دور قبل که بسیاری چشمان خود را بستند و خواسته مردم معترض و سرکوب آنان توسط رژیم را مساله ای داخلی دانستند. اما این بار مردم تصمیم دارند که به طور اساسی مشکل خود را با رژیم حل و فصل کنند. دور جدیدی از هموردی در جریان است و دو طرف در حال برآورد یکدیگر هستند. چگونگی تعیین تکلیف و نوع آن در روزهای آینده بیشتر مشخص خواهد شد.

باد تغییر در سرتاسر خاورمیانه در حال وزیدن است. باید به هوش بود و با دیدی باز به آن توجه کرد. هر گونه اشتباهی ممکن است به قیمت بسیار بزرگی تمام شود. همانگونه که ما در ایران نگران آخر و عاقبت انقلاب مردم مصر و نتایج آن هستیم، مردم دیگر نقاط دنیا نیز چشم به ما و مبارزه ما با رژیم جمهوری اسلامی دارند. هرچند ما سعی خواهیم کرد تا همراهی و پشتیبانی آنان را از جنبش خود برانگیزیم اما تعیین تکلیف در خیابانهای کشور و توسط جوانانی انجام می گیرد که شیفته آزادی هستند و به این نتیجه رسیده اند که هیچ کسی بهتر از خودشان نمی تواند شیوه و طریق مبارزه و هموردی با رژیم سفاک ولایت فقیه را تشخیص دهد. انقلاب مصر تا هم اکنون هم به ما درس هوشیاری و استقامت می دهد، هرچند خود برای ادامه کار نیازمند تدبیر بیشتر است.



## آموزشهای نقش آفرینان نبرد مصر (۱)

بقیه از صفحه ۱۰  
تظاهرات ۲۵ ژانویه، این دو اتحادیه مستقل و نمایندگان چندین منطقه صنعتی مانند "المحله" در "دلنا" و "حلوان سایت" در قاهره در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کردند که اقدام به تشکیل "فدراسیون اتحادیه کارگری مستقل" کرده اند.  
پروفسور "بنین" در این باره می گوید: "پس از تشکیل فدراسیون سراسری مستقل، در بلاگ فارین پالسی (مجله سیاست خارجی) نوشته، این یک اقدام انقلابی است زیرا حرکتی غیر قانونی می باشد. حرکت مزبور کارگران را تشویق می کند به استقلال فراسوی قوانین حکومتی بیاندیشند. اما در آن هنگام انتظار نداشتم که این اقدام به قیامی این چنین انقلابی و با چنین انسجامی بیانجامد."

### ۲- سازمان دهندگان

"اگرچه در رسانه های غربی، به ویژه رسانه های آمریکا، انقلاب مصر، انقلاب فیس بومی معرفی شد و با اینکه اطلاعات اینترنتی تاثیر مهمی داشت اما مهمتر آن بود که انقلابیون جوان مصری بدین درک رسیده بودند که باید با شجاعت فردی چشمگیر خود در آن لحظات حساس از روشهای سازماندهی سنتی نیز استفاده کنند." (نشریه "کارگران سوسیالیست"، بنیانگذاری رسال ۱۹۷۷ و از انتشارات "سازمان سوسیالیستی بین المللی" International Socialist Organization)

سازمان دهندگان تظاهرات، روشهای سنتی سازماندهی را آنچنان با ابتکارات مدرن خود درهم می آمیختند که بنا به گفته بسیاری، ناظران انگشت به دهان می ماندند. در این باره روزنامه "وال استریت ژورنال" در مقاله ای به نوشته "چارلز لوینسون" و "مارگارت کوکر" با عنوان "مصریها رموز خیزشهای خود را به اشتراک می گذارند" می نویسند: "تسخیر مناطق اطراف مجلس توسط مصریها از آغاز با داشتن ابتکاری جانانه در آستین آغاز شد. در اولین مرحله، آنها نخست فراخوان تظاهرات در اطراف ساختمان تلویزیون را دادند. سپس همچنان که ارتش در مکانهای حساس مستقر می شد، به طور عادی و به آرامی به طرف مجلس حرکت کردند. فعالان جوان با این حرکت به نیروهای امنیتی رو دست زدند. روز ۲۵ ژانویه، اولین روز تظاهرات، سازمان دهندگان حقه دیگری در آستین داشتند. آنها تظاهرات را به محله ای فقیر نشین در غرب قاهره و در کوچه های تو در تو و گل آلود کشاندند؛

تظاهراتی که در ظاهر خود به خودی به نظر می آمد. آنها با اینکار نیروهای امنیتی را کاملاً غافلگیر کردند زیرا پیش از آنکه نیروهای سرکوب بتوانند خود را به محل برسانند، تظاهرات گسترش پیدا کرده بود.  
"وائل غونیم"، یکی از رهبران تظاهرکنندگان پس از آزادی از زندان و ملاقات با وزیر کشور گفت: "وزیر کشور به من گفت، هیچکس نمی توانست بفهمد چگونه این نقشه کشیده و عملی شد، بنابراین احتمال را بر این گذاشتیم که از خارج هدایت می شده است."

### \* شرح ابتکار بزرگ

صفحه فیس بوک با نام شناسایی "خالد سعید"، جوانی که چندین ماه پیش تا پای مرگ مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفته بود، محل گردمایی فعالان اعلام شده بود.  
صفحه مزبور به دو زبان عربی و انگلیسی انتشار می یافت که هر یک از آنها، اداره کننده خود را داشت. آقای "غانم" از دبیران اجرایی گوگل یکی از اداره کنندگان صفحه بود اما نام دیگر اداره کنندگان هنوز منتشر نشده است.  
با قیام در تونس، "کمال"، یک عضو شاخه جوانان "محمد البرادعی" و یارانش به نیروی جدیدی برای جذب دست یافته بودند. وی می گوید: "درست لحظه ای که شنیدیم بن علی فرار کرده، گفتیم باید شروع کنیم." آنها روز ۲۵ ژانویه را که روز تعطیل دولتی به مناسبت روز پلیس که منفور مردم است را انتخاب می کنند و این سوال را به زبان عربی بین مردم بردند: "فکر می کنید در روز پلیس چه هدیه ای خوب است به پلیس بدهیم؟"

"کمال" می گوید: "ما برای دو هفته هر روز دوبار در اطاق کوچکی در خانه یکی از سازمان دهندگان جمع می شدیم و برنامه ریزی می کردیم تا بتوانیم نیروهای امنیتی را گمراه کنیم." این گروه با نمایندگان ۶ گروه از جوانان دیگر که به احزاب سیاسی، فعالان حقوق کارگری و اخوان المسلمین وصل بودند، مناطقی را برای تظاهرات انتخاب می کردند که محلهای شلوغ و پرجمعیت بودند. از جمله، مسجدها و محله های کارگری اطراف قاهره. آنها بر این باور بودند که تعداد زیاد تظاهرکنندگان می تواند دست نیروهای امنیتی را ببندد و سبب شود افراد بیشتری نیز به آنها بپیوندند. برای اطمینان خاطر از اینکه این عده تنها کسانی نباشند که اعلام تظاهرات کرده اند، گروه های با نفوذ، منابع خودشان را در اختیار این روز گذاشتند. ۲۰ منطقه برای برگزاری تظاهرات انتخاب شد. آنها سپس محلهای تظاهرات را در اینترنت اعلام کردند و گفتند تظاهرات در ساعت ۲ شروع می

شود. اما ۲۰ منطقه ای که سازمان دهندگان به طور علنی برای تظاهرات اعلام کرده بودند، همه ی موضوع نبود. "کمال" موضوع محل بیست و یکم که کسی از آن اطلاع نداشت را نیز توضیح می دهد. او و رفقایاش سه روز به خانه نرفتند و از تلفنهای دیگران برای ارتباط استفاده کردند. برنامه ریزان می دانستند برای اینکه انقلاب پیروز شود، باید مردم تهدیدت و زحمتکشان در آن شرکت کنند، از این رو آنها تصمیم گرفتند تظاهرات را در محله های فقیر نشین که دسترسی به اینترنت ندارند، آغاز کنند و بین مردم اعلامیه پخش کنند. آنها این احساس که انقلاب در شرف رخ دادن است را به میان مردم بردند.

سازمان دهندگان تظاهرات، مسیر راهپیمایی را بارها با سرعت آهسته و سرعت تند پیمودند تا دریابند با چه شتابی حرکت کنند که حلقه های مختلف به موقع به هم وصل شوند. در این هنگام ۴ گروه فرمانده از بین کمیته های سازمانده انتخاب شد. سازمان دهندگان به هسته های ۱۰ نفری تقسیم شدند که در هر هسته تنها یک نفر از محل قرار بیست و یکم مطلع بود. این مقر فاش نشده، روبروی یک قنادی در محله ای فقیر نشین بود که محل مناسبی برای تجمع به نظر می رسید.

پروهای پلیس در ۲۰ ژانویه، تجمع کردند. در این هنگام، هر هسته، گروه های کوچک حدود ۳۰۰ نفری را به سوی شیرینی فروشی برد. عدم وجود نیروهای امنیتی با وجود حضور جمعیت تظاهرکننده سبب شد مردم محله با موجهای صدنفری هجوم آورده و به تظاهرات بپیوندند. خیابانها و کوچه ها بسته شد. یک کارگر شیرینی فروشی می گوید، در مقابل چشم آنها جمعیت به هزاران نفر رسید.

قرار ساعت ۲ بعد از ظهر در "میدان تحریر" بود. تظاهرات در ساعت ۱ و ۱۵ دقیقه به طرف این میدان به راه افتاد و تا پلیس بخواهد متوجه قضیه شود، فقط توانست تعداد کمی نیرو به میدان بیاورد ولی شمار جمعیت چندین برابر آنها بود. دیگر تظاهر کنندگان که اطراف مسجد گردهم آمده و در محاصره پلیس بودند اما نتوانستند خود را به "میدان تحریر" برسانند.  
این اولین باری بود که مصریها چنین تظاهراتی را در کوچه و خیابانهای خود دیده بودند. نتیجه آن، سرازیر شدن هزاران نفر و پیوستن آنها به تظاهرات بود.

### ۳- نویسندگان و هنرمندان

نویسندگان و هنرمندان مصری از همان آغاز اعتراضها در کنار مردم قرار گرفتند و همراه آنان در تظاهرات علیه

حکومت شرکت کردند. تشکل سراسری نویسندگان کشور به نام "اتحاد کتاب مصر" یکی از نخستین نهادهای فرهنگی بود که با اعتراضهای مردمی همصدا شد و در بیانیه ای از "جنبش خشم" حمایت کرد. در این باره "علی امینی نجفی"، پژوهشگر مسایل فرهنگی می گوید: "احمد صبری، نعیم صبری و علاء الاسوانی از نویسندگان مشهوری هستند که در تمام اکتیوهای اعتراضی شرکت داشته و در خیابان و میدان تحریر در کنار مردم بوده اند."

"احمد فواد نجم"، شاعر چپ‌گرای مصر که از زمان جمال عبدالناصر و انور السادات چندین بار به زندان افتاده و به خاطر اشعار مترقی و مبارزه‌جویانه اش در سراسر جهان عرب شهرت دارد، در گفت‌وگویی با تلویزیون عربی "الجزیره" گفت: "مبارک، رییس باند است نه رییس جمهور!"

نعیم صبری، رمان‌نویس برجسته مصری نیز به خبرنگاران گفت: "در گذشته مردم مصر با فریادهای خود در جنبش "کفایه" با متانت و آرامش به حسنی مبارک گفتند که بهتر است به زبان خوش قدرت را رها کند. او گوش نکرد و حالا باید راه فرار را در پیش گیرد."

علاء الاسوانی، نویسنده سرشناس مصری در گفت‌وگویی با روزنامه آلمانی تاگس‌اشپیگل (۳۱ ژانویه) از اهداف "جنبش خشم" دفاع کرد و گفت: "جوانان مصر خود را درمانده و بی‌آینده می‌بینند و این را به علت تسلط فساد و اختناق بر میهن خود می‌دانند. آنها دیگر از حاکمیت وحشت‌نازندان و به برکنار کردن آن مصمم هستند."

نویسنده رمان "عمارت یعقوبیان" همچنین می‌گوید: "در غرب، افکار عمومی با مردم مصر است اما بعضی از دولتهای غربی ترجیح می‌دهند با دولتهای فاسد سروکار داشته باشند تا با دولتهای ملی و مستقل."  
"عمر شریف"، نامی‌ترین هنرپیشه مصر در پهنه بین‌المللی نیز به منتقدان حسنی مبارک پیوسته و از او خواست تا از قدرت کناره‌گیری کند. به نظر "عمر شریف": "مبارک نتوانست مشکلات مصر را حل کند و سی سال حکومت همراه با فساد و قلدری کافی است."  
این هنرپیشه ۷۸ ساله که در قاهره زندگی می‌کند، در انتقاد از شکاف طبقاتی در کشورش به رادیو فرانسه گفت: "یک صدم جمعیت مصر درآمد افسانه‌ای دارد، درحالی‌که اکثریت بزرگ مردم گرسنه هستند."  
در شماره بعدی نشریه "نبرد خلق" به دیگر نقش آفرینان نبرد مصر و تجربیات آنها خواهیم پرداخت.

## شیخ مبارزه ضد دیکتاتوری این بار علیه حاکمیت المالکی آناهیتا اردوان

فریادهای عدالت طلبانه مردم در کشورهای تونس، مصر و دیگر کشورهای عربی بی شک تأثیر بسزایی در روند مبارزات مردم کل منطقه علیه سیستمهای دیکتاتوری دارد. جهان بار دیگر شاهد آن گردید که اگر خلقهای ستم کشیده عزم جزم کنند و به صورت متحد وارد میدان شوند، هیچ قدرتی قادر نیست در مقابل آنان مقاومت کند. عطش رسیدن به رهایی و عزم بنای ساختار سیاسی - اقتصادی عادلانه برای مردمی که حاضرند تا پای جان در این مسیر فداکاری کنند، نه تنها پیکر قصر نشینان مستبد بلکه، ستون اندیشه هایی که مترصدند انفعال را با این ادعای پوچ که تاریخ انقلابها به سر رسیده تیوریزه کنند را نیز به لرزه در آورد.

در حالی که قیام مردمی در تونس، مصر و یمن توجه جهانیان و به همراه آن بنگاههای خبرپرانی را به خود جلب کرده بود، مردم کشور عراق نیز به طور سازمان یافته تر و مصمم تری به میدان آمدند تا فساد دولتی که نوری مالکی مقام اول اجرایی آن را به عهده دارد، به چالش کشند. به دلیل توطئه های نوری المالکی در راستای تأمین منافع ولایت فقیه در تهران، با این که زمان به نسبت درازی از تشکیل دولت جدید عراق می گذرد، نه تنها وزرای کابینه آن هنوز تکمیل نشده اند، بلکه مهمترین توافق یعنی، تشکیل و تعیین مفاد شورای ملی سیاستهای استراتژیک هنوز موق ماند است. اندکی پیش، مجلس عراق به یکی از اعضای "العراقیه" به عنوان وزیر نیرو که وزارتخانه ای مهم است، رای اعتماد داد. وزارت امور شهرداری و کارهای عمرانی به "اتحاد ملی" و وزارت بازرگانی به یک شخصیت کرد عراقی محول گردید. به این ترتیب، در حال حاضر اعضای کابینه نوری المالکی از ۲۴ شخصیت شیعه، ۱۱ سیاستمدار سنی و ۷ شخصیت کرد تشکیل شده است اما هنوز وزرای وزارتخانه های مهمی مانند دفاع و برنامه ریزی و چند پست وزیر مشاور تعیین نشده و توسط نوری المالکی شخصاً اداره می شود.

در همین رابطه به گزارش تلویزیون "الحره"، "صالح المطلق" که پست یکی از معاونان نخست وزیری را در دست دارد، عنوان می دارد که صبر "العراقیه" به دلیل عدم معرفی وزرای امنیتی و پر نکردن وزارتخانه های خالی و عدم تشکیل شورای ملی سیاستهای استراتژیک در حال لبریز شدن است. او می افزاید؛ قبل از

تشکیل دولت، گفتگوهایی بین سران فراکسیونهای سیاسی وجود داشت و بر سر مجموعه ای از موضوعات توافق حاصل شد که از جمله آنها شورای ملی سیاستهای استراتژیک بوده و این موضوع بسیار مهمی است چرا که این نهاد، اهرم کنترل ارگانهای اجرایی در دولت خواهد بود و در صورتی که هر طرحی در آن به اکثریت ۸۰ درصد آرا دست پیدا نکند، اجرای آن برای نهادهای دولتی ممنوع خواهد بود. "العراقیه" معتقد است که منصب ریاست شورای ملی سیاستهای استراتژیک از ثقل بالایی برخوردار است که می بایست در پارلمان بر سر آن رای گیری شود، همان طور که بر سر نخست وزیر و معاونین نخست وزیر و وزرا و ریس جمهور رای گیری شد، یعنی این جایگاه کم اهمیت تر از مناصب مزبور نیست و از این رو باید از تأیید پارلمان برخوردار شود تا از این راه از قدرت و تأثیر بیشتری در اتخاذ تصمیمات برخوردار گردد.

دکتر "ایاد علاوی"، رئیس "العراقیه"، ائتلاف برنده انتخابات پارلمانی عراق در یک مصاحبه تلویزیونی در مورد اجرا نشدن توافقات پیرامون تشکیل دولت مشارکت ملی هشدار داد و گفت: "قبل از تشکیل دولت به گفتگوها روی آوردیم و از حق خود برای تشکیل دولت، به دلایلی که بخشی از آن داخلی و بخش دیگر خارجی بود، کوتاه آمدیم. اما برای مشارکت ملی در تصمیم گیری سیاسی، پایه هایی را قرار دادیم و بر سر آنها توافق شد ولی برخی طرفها در "لیست اتحاد ملی" - مشخصاً در "حزب الدعوه" و "دولت قانون" - شروع به شانه خالی کردن از این تعهدات کردند. از جمله توافقاتی که صورت گرفت، این بود که نخست وزیر این نام داشته باشد. افزوده بر آن، بر سر موضوع توازن سیاسی در استخدامها و تجدید نظر در استخدامهای سابق که بر خلاف قانون صورت گرفته بود، توافق صورت گرفت. از جمله، انتصابات مربوط به مشاوران و معاونین وزارتخانه ها و فرماندهان لشکرها و غیره و طبعاً یکی از این توافقات هم تأسیس شورای ملی سیاستهای استراتژیک بود که هیچ کدام به واقعیت نپیوسته اند.

دکتر ایاد علاوی که با تلویزیون "الرشید" مصاحبه می کرد، افزود: "شورای ملی سیاستهای استراتژیک چیزی است که مورد تأیید تمام طرفها بدون استثنا قرار گرفته است. ممکن است که در تشکیل این شورا گرد یک یا دو موضوع اختلافی

وجود داشته باشد ولی از سوی همه و نیز نوری المالکی، به عنوان یکی از ابزارهای اصلی جهت تثبیت مبانی مشارکت ملی مورد تأیید قرار گرفته ولی این توافقات تاکنون نقض شده است. در تخصیص وزارتخانه ها و مناصب سهمیه "العراقیه" که به امضا رسیده بود، به ما پستهای معاون نخست وزیر در امور اقتصادی، وزیر دفاع، و وزیر برق و نیز وزرای دیگری اختصاص داده شد ولی اکنون می گویند برای وزارت دفاع، آسامی مطرح می کنیم و متعلق به "العراقیه" نیست.

تداوم اعمال نفوذ مستبدانه نوری المالکی در حذف نیروهای لایبیک و ملی در پروسه مشارکت در ساختار سیاسی با وجود قول و قرارهای قبل از تشکیل دولت و به موازات آن تشدید سرکوب و فساد اداری، حاصلی جز تشدید فقر، بیکاری و تکدی گری برای ملتی که دهه های متمادی از جنگ و اشغال رنج می برد، نداشته است. وزیر حقوق بشر عراق به تازگی اعلام کرده است که عراق با پنج میلیون کودک یتیم، بیشترین شمار کودکان بدون سرپرست در جهان عرب را دارد. این در حالی ست که تشکیل یک دولت ملی و با ثبات که نه به منافع حکومت اوباشان در منطقه بلکه، تنها به منافع ملی عراق بیانید، قادر است وضعیتی به وجود آورد که ملت عراق بتواند بر تضادها، برآمد حمله نیروهای امپریالیستی، جنگهای قومی و فرقه ای و تأثیر سوو اشغال کشور چیره گردد.

با آغاز به بیرون پرت شدن مهره های مستبدی همچون مبارک و بن علی از سیستمهای دیکتاتوری شان و تحت تأثیر تداوم اعتراضات پرشور خیابانی ملتهای این کشور، نه تنها شعله خشم ملت عبور عراق بیش از پیش شعله ور گردید، بلکه نوری المالکی، مهره وابسته به رژیم ولایت فقیه را نیز به عقب نشاند. عزم فرهیختگان، جوانان و زنان در شهرهای بزرگ مصر و تونس در تغییر شیوه ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکمیتهای خودکامه، به عنوان زنگ خطری نه تنها در گوش ولایت فقیه بلکه، مهره وابسته به آن، نوری المالکی نیز طنین افکند. گرچه این رژیمها با ایجاد شرایط رعب و وحشت، حذف و تصفیه مخالفان و سرکوب نمی توانند خللی در اراده مردمی که به پا خواسته اند تا حقوق پایمال شده خود را طلب کنند، وارد سازند ولی نوری المالکی که تا دیروز حاضر نبود لحظه ای شمشیر از نیام کشیده خود علیه نیروهای

مترقی، لایبیک و ملی را زمین بگذارد، حسابگرانه عنوان کرد که گرچه قانون اساسی عراق مانع نخست وزیری در دور سوم، چهارم و یا پنجم نمی شود اما او شخصاً تصمیم گرفته است که دیگر پس از این دور، نخست وزیر نشود!

البته مسایل در جهان به سرعت برق در حال تغییر است و معلوم نیست که المالکی قادر باشد با توجه به تشدید اعتراضات کارگری، کارمندان و زنان عراقی که به میدان آمده اند تا مانند سرکوب شدگان مصری و تونسی تکلیف خود را با حاکمان نالایق و مستبد یکسره کنند، حتی این دوره از نخست وزیری را نیز به پایان برساند. در همین رابطه روزنامه "لس انجلس تایمز" نوشت: "عوغای تغییر سیاسی در سراسر جهان عرب به عراق رسیده است."

شهرها و استانهای مختلف عراق در روزهای اخیر شاهد اعتراضهای پر شماری به سیاستهای نوری المالکی و درگیری مردم با ماموران دولتی بوده است. در همین رابطه، روزنامه نگاران در میدان مرکزی بغداد تحصن کردند و خواستار برکناری دولت نوری مالکی شدند. صدها نفر از مردم منطقه "الامانه" و بخشهایی از "شهرک صدر" در بغداد با برگزاری یک تظاهرات، با نامزد المالکی برای اشغال پست معاونت ریاست جمهوری مخالفت کردند. به گزارش "تلویزیون الشریقه"، تظاهرات دیگری توسط مردم در همین استان برگزار شده است که خواستار گماردن افراد صالح در قدرت بودند. کارگران وزارت برق عراق در "میدان فردوسی" تحصن کردند و خواستار کار ثابت شدند. تظاهراتی نیز در شهر "فلوجه" علیه فساد دولت نوری المالکی برپا شده است. صدها تن از بیکاران در استان "قادسیه" در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و پارتی بازی در استخدامها، تظاهرات کردند که ایجاد کار مناسب را وظیفه دولت می دانستند. مردم "قادسیه" نیز به خیابانها آمدند و ابراز داشتند تا رسیدن به آزادی دست از اعتراض بر نخواهند داشت. یکی از شرکت کنندگان در تظاهرات "الهاشمیه" اعلام داشت: "کاری با شما می کنیم که با حسنی مبارک کردند."

دهها تن از کارکنان برق، پزشکان، فرهنگیان و کارگران در بخشهای مختلف عراق دست به اعتراض زدند و خواستار رسیدگی به مشکلات معیشتی خود شدند.

ساکنان استانهای "الانبار"، "بابل"،

بقیه در صفحه ۱۳



منطقه، به خطر افتاده است. دستگاه فاسد حکومت المالکی و ولایت فقیه اش از این مساله مستثنی نیستند. تشدید اختناق و کشتن نیروهای سرکوب به خیابانها جهت قتل عام مردم، تلاش بیهوده نظامهای فاسد برای به تعویق افکندن سرازیر شدن خود به زباله دان تاریخ است؛ حکومتهایی که تا دیروز از

حاصل استثمار و تاراج دسترنج مردم زحمتکش، کاخهای طلائی می ساختند.

اتحاد عمل مردم ستم دیده از تونس تا مصر در رویارویی و مبارزه با دیکتاتوری از مرز ترس و وحشت عبور کرده است و می رود تا منطقه را از وجود رژیمهای مستبد بزاید. کشور عراق نیز با توجه به این شرایط سرنوشت ساز، در موقعیت حساسی قرار گرفته

است. تداوم مبارزات مردم این کشور برای دگرگون ساختن ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، با رهایی از چنگ گرایشی که از بند ناف ولایت فقیه تغذیه می کند، رابطه ای تنگاتنگ دارد. اتحاد عمل

نیروهای گوناگون اجتماعی عراقی نه تنها زنگ خطر را برای نوری المالکی و سیاست توسعه طلبانه رژیم ولایت فقیه به صدا در آورده است، بلکه در صورت تداوم آگاهانه قادر است حلقه را بر گردن منافع امپریالیستی نیز تنگ سازد. مردم عراق در طول مبارزات تاریخی خود علیه حاکمان خودکامه و اشغالگران، تجربه های زیادی کسب کرده اند. در صورت ادامه مبارزه و اتحاد عمل و حمایت نیروهای ملی، مترقی و لاییک، آنها قادرند تاثیر به سزایی بر سرنوشت خود بگذارند و در این مسیر از یوغ بردگی حامیان سرمایه و ارتجاع حاکم بر تهران نیز

رهایی یابند.

## شیخ مبارزه ضد دیکتاتوری این بار علیه حاکمیت المالکی

بقیه از صفحه ۱۲

"دیوانیه"، "نجف"، "مناطق شعله" و "حسینییه" بغداد، شهرهای "سماوه"، "العماره"، "بدره"، "ناصریه"، ساکنان "کوت" و "نینوا"، ادبا و فرهنگیان شهر "بصره"، کارگران نفت "کرکوک"، کارمندان شرکت تولید مواد غذایی در بغداد و ... به خیابانها آمدند تا انزجار خود علیه سیاستهای دولت نوری المالکی را ابراز کنند.

به گزارش تلویزیون "السومریه"، مردم "نینوا" با برپایی تظاهراتی علیه سیاستهای نوری المالکی شعار می دادند: "سرتگون باد نظام المالکی و عوامل او!"

در واکنش به امواج اعتراضیه، نیروهای المالکی به تظاهرکنندگان در شهر "کوت" در استان "واسط" حمله کرده و به گزارش تلویزیون "الشرقیه"، سی نفر را مجروح و سه نفر را به قتل رساندند. این گزارش اضافه می کند که هزار نفر مردم در مقابل مقر استانداری و شورای استان دست به تحصن زدند. شلیک گلوله ماموران دولتی به سوی تحصن کنندگان باعث شد که آنان به استانداری حمله کنند و آن را به محاصره خود در آوردند که این مساله باعث فرار استاندار و عده ای از ماموران دولتی گردید.

با فرار حسنی مبارک از مصر و فروپاشی دستگاه استبدادی بن علی در تونس و خیزشهای انبوه مردم تحت ستم در کشورهای دیگر، هستی نظامهای استبدادی

## بار دیگر تسخیر خیابانها توسط دلاوران جنبش رنگین کمان بیشماران

### زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۲۶ بهمن علیرغم تهدیدهای سرکوبگرانه و دستگیری فعالان سیاسی و اجتماعی طی هفته اخیر، بار دیگر روز دوشنبه ۲۵ بهمن، تاریخ سازان جنبش مردمی به خیابان آمدند و با شعارهای «مبارک، بن علی، نوبت سید علی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» و ... تنفر خود از رژیم ولایت فقیه اعلام کردند و ندای آزادیخواهی خود را به گوش جهانیان رساندند.

در حالی که پایوران رژیم از ولی فقیه تا فرمانبران او، مردم را بارها تهدید کردند که خیابان حضور پیدا نکنند و اعلام کرده بودند که اگر کسی این روز دست به تظاهرات بزند، دشمن نظام و انقلاب محسوب می شود، اما انبوه مردم که به خیابان آمدند با شعارهایشان نشان دادند که منقد رژیم نیستند، بلکه انکار کننده کل نظام هستند.

حضور سنگین نیروهای بسیجی، پاسدار، انتظامی و لباس شخصیها، و در مقابل حضور مردم در خیابان بار دیگر نشان داد که ادعای خامنه ای مبنی بر این که بارها گفته چشم فتنه را کور کرده نتوانسته موجب ترس مردم شود و این ولی فقیه و انصارش هستند که از مردم می ترسند و چنین مجیز خیابانها را اشغال می کنند تا مبادا از انکارکنندگانشان پر شود.

تظاهرات مردم در شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، رشت و ... به ویژه در شرایط بعد از انقلاب مصر، پوشالی بودن شعارهای توخالی خامنه ای را در دفاع از مردم مصر و تونس به جهانیان نشان داد.

محمد رضا نقدی رئیس سازمان بسیج مستضعفین رژیم، در رابطه با حوادث مصر و سرکوب مردم توسط طرفداران مبارک در لباس غیر نظامی، از «شبه سازی بسیج ایران» برای سرکوب مردم مصر توسط رژیم مبارک انتقاد کرده و می گوید لباس شخصیهای مصر آدمهای فاسد و قدرت طلب و خائن بودند اما پشتوانه لباس شخصیهای رژیم ایران، که آنان را «بسیجی» توصیف کرده «خدا و اسلام» است. البته این سخنان را هم مصریها مضحک می دانند که لباس شخصیهای طرفدار مبارک را می شناسند و هم ایرانیها که بسیجیها و پاسداران و لباس شخصی را خوب می شناسند. استفاده از افراد مزدور غیر نظامی از شیوه های معمول همه دیکتاتورهاست.

قیام روز دوشنبه ۲۵ بهمن در تهران و شهرهای دیگر با ابعاد گسترده آن و با شعارهایش بار دیگر نشان داد که بحران غیرقانونی (بحران انقلابی) ادامه دارد و مردم به دنبال تغییر هستند و راس نظام را هدف قرار داده اند.

## جنبش اجتماعی رو به جلو، حکومت در حال چرخش به دور خود

### منصور امان

فراسوی خبر اول اسفند جامعه مُعترض ایران در تب و تاب وارد آوردن ضربه دیگری به حکومت، به تلاطم درآمده است. موج پایان نیافتنی و پُر شور اعلام شرکت در تظاهرات امروز و پُشتیبانی از آن، آرزوها و عزم مُبارزه برای دست یافتن به آن را نزد مردمی مانیفسته می کند که امروز بیش از هر هنگام دیگر به قدرت و نفس بلند خود باور دارند. جنبش اجتماعی رو به جلو در حال حرکت است؛ این را فقط خواستهای صریح و بدون سووتفاهمی که در ۲۵ بهمن فریاد زد، ثابت نمی کند. اراده مُخالفان و مُعترضان به از سر گرفتن مُبارزه از همانجا که در این روز به انجام رساندند، آگاهی آنها به این حقیقت را بر پرچم یک اسفند نوشته است.

در مقابل، حکومت نه فقط نتوانسته پس از یک دوره رویارویی با جنبش و در حالی که تمام استعداد وحشیگری و بربریت اش را علیه آن به کار گرفته، مواضع خود را تحکیم بخشد، بلکه زیر فشار خردکننده از پایین در تمام طول این دوره در حال واگذاری سنگرهای بیشتر و از دست دادن مواضع حساس تری در بالاترین رده ها و نیز بدنه ی خود بوده است. تدارکات گسترده برای اعتراضهای امروز نشان می دهد که چگونه جست و خیز مسخره و اغلب چندش آور حکومت در چند روز گذشته، به نتایج کاملاً باژگونی ختم شده و عقده گشایی گلاهِ مخملیهای دهان دریده بر سر این بازار و آن چارسوق، به جای خالی کردن کود از مُدعیان، آنها را انبوه انبوه برای کوبیدن مُشت بر پوزه شان به خیابانها دعوت کرده است.

نگاهی به اقدام رسوا و نفرت انگیز گُماشتگان آقای خامنه ای در سرقت هُویت و پیکر دو جان باخته راه آزادی در خیزش روز دوشنبه، این گمانه را تقویت می کند که بیشترین ضربه ۲۵ بهمن را کیجگاه "نظام" دریافت کرده است. ساختن ذرُوع در باره موضوعی با دامنه اجتماعی وسیع و ناتوانی از سر پا نگه داشتن آن حتی برای چند ساعت، بهترین نشانه از خونسردی و درایت حکومتی نیست که زیر حملات بی امان مُخالفانش قرار دارد و به مُتعادل جلوه گر شدن نزد آنها نیاز حیاتی دارد.

نتیجه مادی تاکتیک آدمکُشانی که به جسد قربانیان شان هم دست درازی می کنند، برانگیختن هر چه بیشتر توده ها علیه حکومت در کردستان و به راه انداختن سیل همبستگی در سراسر کشور با خانواده جانباختگان و جنبشی که صانع ژاله و مُحمد مُختاری بدان تعلق داشتند، بود.

جایی که رژیم ولایت فقیه در آن بسر می برد، روی چرخه ی بی انتهای است که بر مدارهای سرکوب، ذرُوعگویی و دون مایگی آن در حال چرخش به گرد خویش است تا در هر گردش تازه، ضربات مُحکم تری از نیروی بازدارنده اش دریافت کند.

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سياهکل

های شهدا و زندانیان سیاسی، همبستگی خود را با آنان اعلام می کنیم  
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در چهلمین سالگرد رستاخیز سياهکل برخی از مهمترین دیدگاههای خود را به اطلاع مردم ایران و فعالان جنبش کمونیستی و جنبش رنگین کمان بیشماران می رساند.

### برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران

سازمان ما خود را جبهه نیروهای کار تعریف می کند و برای سوسیالیسم و تحقق شعار «از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش» مبارزه می کند.

از نظر ما همان گونه که در منشور سازمان قید شده «یک نظام سوسیالیستی، نظامی دموکراتیک، پلورالیستی، سکولاریستی (جدایی دولت از مذهب و ایدئولوژی) و مبتنی بر دخالت مستقیم مردم در امور خودشان و شناسایی حق تعیین سرنوشت مردم است. سازمان مخالف هرگونه سوسیالیسم غیر دموکراتیک، مخالف تلفیق حزب کمونیست با دولت، مخالف هرگونه سوسیالیسم سرکوبگرانه، اراده گرایانه و خودکامه، مخالف هرگونه دخالت در زندگی خصوصی افراد جامعه و مخالف سوسیالیسم متکی بر کیش شخصیت است. دیدگاهها و اندیشه های رهبران و تئوریسینهای برجسته جنبش جهانی کمونیستی و از جمله مارکس، انگلس، لنین و... برای سازمان نه یک «شریعت جامد»، بلکه «رهنمود عمل» است. از این جهت ما هرگونه ساده اندیشی، کپی برداری، دکماتیسم، شریعت سازی، مطلق گرایی و تاجر را که بزرگترین مانع تکامل اندیشه های ترقیخواهانه و انقلابی است، رد می کنیم. اندیشه و تئوریهای ما باید انسان را مرکز توجه قرار داده و هماهنگ با دستاوردهای علمی باشد. سازمان به این امر واقف است که در اندیشه و تئوری اش ناچاراً محدودیتها، ناتوانیها، چالشها، ضعفها و تنگناهایی وجود دارد که تنها در تلاش برای تطابق با پیشرفت عینی جامعه و توجه اکید به دستاوردهای علمی و فنی بشریت می تواند بر آنها غلبه نماید. سازمان اعتقاد ندارد که برای تمام مسائل یک جواب حاضر و آماده دارد و بنابراین در اندیشه و تئوری، مدافع مدار، تسامح، نقد،

بیخه در صفحه ۱۵

بیهوده نیست که با گذشت ۴۰ سال از قیام سياهکل قلم به مردان خامنه ای با مشتت اراجیف سخیف و رذیلانه، حمله و هجوم به اصطلاح نظری به جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای پیش از قیام بهمین را در دستور کار خود گذاشته اند.

جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۱۳۴۹ تا قیام بهمین ۱۳۵۷، زیر شدیدترین ضربات ساواک شاه بود و با وجود فقدان تمامی رهبران خود توانست به پایدارترین سازمان سیاسی کشور تبدیل شود. در این پیکار بی امان، مردم ایران با زنان و مردانی آشنا شدند که صادقانه به عمل انقلابی برای تغییر شرایط روی آوردند و حاضر بودند هزینه عملی شدن تئوریهای خود را بپردازند.

این جنبش باوجود بعضی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودها، به یک سازمان نیرومند با پایگاه گسترده اجتماعی و به یکی از قدرتمندترین سازمانهای کمونیستی در خاورمیانه تبدیل شد. در اولین گردهمایی علنی آن در ۱۹ بهمین سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران، بیش از صد هزار تن شرکت کردند و در پی آن در گردهمایی و راهپیمایی روز ۲۱ بهمین سال ۱۳۵۷ بیش از ۲۰۰ هزار نفر شرکت کردند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز چهل و یکمین سال حیات خود یاد و خاطره همه ی زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که طی چهل سال گذشته در پیکارهای بی امان در پای چوبه های دار و در رزمهای خیابانی، در راه هدفهای جنبش نوین کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

**ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم.** یاد و خاطره تمامی کسانی که در قیامهای پرشکوه و حماسی سال ۸۸ به شهادت رسیدند و زیر شکنجه جلاخان و یا در پای چوبه های اعدام جان باختند را گرامی می داریم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با ستایش از مقاومت زندانیان سیاسی به زنان و مردان دلیری که در زندانهای ولایت ننگین خامنه ای و در زیر شکنجه های وحشیانه برای آزادی پایداری می کنند درود می فرستد. ما با ستایش از مقاومت و پایداری خانواده

همان سال به جوخه های اعدام سپرده شدند.

اما این واکنش عجولانه که با هدف قدرت نمایی صورت گرفت، رویاهای دیکتاتوری برای تثبیت «جزیره آرامش» را به کابوس ماندگار تبدیل کرد.

**اسدالله علم در خاطراتش از قول محمد رضا شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند»** (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

حماسه سياهکل همچنین موجب برانگیختن کینه و نفرت روح الله خمینی که پس از ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۱ به گوشه ای خزیده بود گردید. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید. نظیر حوادث ترکیه و حادثه سياهکل...» موضع خمینی آن قدر ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز» ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سياهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

در حالی که شاه و شیخ در مقابل نیروی جدیدی که پرچم آزادی و ترقی را در دست داشت صف آرای کردند، آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سعادت مردم ایران می طپید، به حمایت از جنبش نوین فدایی برخاستند.

جنبش دانشجویی و بخش وسیعی از جامعه فرهنگی و هنری ایران در صف مقدم پشتیبانان این حرکت پرشور و پر امید قرار گرفتند. اکثریت بزرگی از مدافعان رهایی و سوسیالیسم خود را با نام و مرام چریکهای فدایی خلق تعریف می کردند و با ادامه مبارزه گروهها و محافل بسیاری در سراسر کشور پیرامون جنبش پیشتاز فدایی به مثابه پرچمدار جنبش کمونیستی ایران، شکل گرفت.

چهل سال پیش در ۱۹ بهمین سال ۱۳۴۹ یک گروه ۹ نفره از پارتیزانهای فدایی به فرماندهی رفیق علی اکبر صفایی فراهانی، با حمله به پاسگاه ژاندارمری شهرک سياهکل در استان کیلان، یکی از شیوا ترین حماسه های جنبش آزادیبخش مردم ایران را آفریدند. حماسه آفرینان رستاخیز سياهکل پس از سالها کار تدارکاتی پرچم جنبش نوین کمونیستی ایران را برافراشتند و طی ۷ سال نبرد بی امان با شگفت انگیزترین فداکاریها و جسورانه ترین پیکارها، قدرت مطلقه دیکتاتوری شاه را به سُخره گرفتند و با عمل انقلابی، مرزهای حقیقی بین مردم و دشمن را ترسیم کردند.

آنها با تعمق و ژرف نگری در نظرات اندیشه پردازان جنبش کارگری و کمونیستی و با تجزیه و تحلیل رویدادهای سالهای دهه ۶۰ میلادی در گوشه و کنار جهان و با غلبه بر اپورتونیزم و دکماتیسم به این نتیجه رسیدند که باید بر قدرت مطلق دیکتاتوری ضربه وارد کرد تا در تداوم مبارزه، توده ها بر ضعف مطلق خود غلبه کنند. رزمندگان سياهکل با آگاهی به دیدگاه فرصت طلبان گزافه گو که برای بی عملی خود به هزاران بهانه و توجیه تئوریک متوسل می شدند بر این اعتقاد بودند که مارکسیسم شریعت جامد نیست، رهنمود عمل است و برای مداخله در فرایند تحولات جامعه باید تئوری با عمل محک زده شود و برای هر مداخله جدی باید آماده پرداختن هزینه و پذیرش ریسک بود. آنها آگاهانه در راهی دشوار پای گذاشتند و این راه را با پیکارهای خونین و با قبول هزینه های سنگین کوتاه کردند.

رژیم شاه در واکنش به عملیات سياهکل که قدرت مطلقه اش را به چالش کشیده بود، با بسیج نیروهای ویژه نظامی از زمین و هوا به سرکوب گسترده روی آورد. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی طی درگیریهای پس از ۱۹ بهمین به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصلیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی مسچی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی و هوشنگ نیروی در بیدادگاه های نظامی به اعدام محکوم و در روز ۲۶ اسفند

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۱۴ پژوهش و بررسی دقیق عمل اجتماعی به مثابه محک تئوری می باشد... سازمان مدافع پیگیر مدرنیسم بوده و باید همواره خود را با انقلاب علمی و فنی پایان قرن بیستم هماهنگ کند. ما علیه هرگونه تبعیت و دنباله روی از نهادهای ارزشها و روشهای سنتی که همواره از توسعه علمی و فنی فاصله می گیرند مبارزه می کنیم.» (مواد ۲، ۳ و ۴ منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، آبان ماه ۱۳۷۶)

ما بر این اعتقادیم که برای غلبه بر پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران در گام اول باید بر «شریعت سازی تئوریک» غلبه کرد. بنانگذاران جنبش پیشین فدایی با اعتقاد به سوسیالیسم به عنوان راه رهایی کارگران و مزدبگیران در گام اول بر هرگونه آیین سازی دکماتیک خط بطلان کشیدند. برای آنها مارکسیسم نه یک شریعت جامد که رهنمود عمل بود و از همین نگاه بود که با دم حزب سازی، در تئوری و عمل مرزبندی قاطع کردند. همچنان که در گذشته اعلام کرده ایم، به گمان ما، حل بحران پراکندگی در جنبش کمونیستی ایران و شکل گیری یک قطب کمونیستی در جنبش رهاییبخش مردم ایران که بتواند با ژرف نگری و توجه به شرایط عینی کنونی نقش مداخله گر داشته باشد، در گرو تکیه به مضمون و توجه به درون مایه جنبشی است که از سياهکل آغاز شد. بدون تردید این تکیه و توجه بدون بررسی نارساییها، انحرافها، خطاها و کمبودهایی که چریکهای فدایی خلق در سالهای پس از حماسه سياهکل تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ داشتند، ره به جایی نخواهد برد. نیروهای ارتجاعی و دشمنان آزادی، صلح و سوسیالیسم با عریده جوئی مضمونکننده و با شیوه های معرکه گیران و رمالها دم از نابودی چپ و بی بدیل بودن لیبرالیسم عنان گسیخته جدید می زنند تا نظام دینی حاکم بر کشور ما را بی بدیل جلوه دهند. واقعیت این است که در شرایط حساس و پیچیده پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ که یک رژیم مذهبی با جنبش توده ای به قدرت رسید، سازمان ما به علت فقدان یک خط مشی درست و در فقدان رهبران هوشیار، صادق و انقلابی و به علت مناسبات ضد دمکراتیک درون تشکیلات که منجر به انشعابهای گوناگون شد، نتوانست نقش یک سازمان پیشرو، جدی و مداخله گر را اجرا کند. این ضعفهای اساسی نه به علت خط مشی سازمان در سالهای پیش از انقلاب بهمن که به

علت عدم توانایی در تطابق با شرایط در حال تحول بود. درس آموزی از تجربه گذشته جنبش پیشین فدایی و درک شرایط جدید در ایران و در سطح جهان تنها راهی است که می تواند جنبش کمونیستی ایران را در جایگاه واقعی خود قرار دهد. ما از تمامی فعالان جنبش کمونیستی ایران که برای استقلال، آزادی، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم مبارزه می کنند و از همه ی پیروان جنبش پیشین فدایی دعوت می کنیم که برای گسترش و تقویت نقش کمونیستهای ایران در انقلاب دموکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران متحد و متشکل شوند. منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، پیشنهاد ما به همه ی کمونیستهای ایران برای اتحاد و همبستگی است.

### نخستین گام تحقق انقلاب دمکراتیک

مردم ایران از آستانه انقلاب مشروطیت تا کنون برای دمکراتیزه کردن حیات جامعه و مشارکت مستقیم در سرنوشت خود سر برافراشته اند. بیش از صد سال است که زنان و مردان ایران زمین با جنبشهای سترگ خویش برای تحقق آزادی مبارزه می کنند. واقعیت این است که بدون تحقق دمکراسی و مشارکت مستقیم توده ها در سرنوشت خود، کمونیستها نمی توانند به هدف نهایی خود دست پیدا کنند. بی توجهی به دمکراتیزه کردن حیات سیاسی و از آن بدتر به سخره گرفتن دمکراسی خواهی و سازمانیابی طبقاتی در یک جامعه دمکراتیک خسرانهای زیادی به جنبش کمونیستی ایران وارد کرده است. در شرایط کنونی و با وجود حاکمیت استبداد دینی این نیاز به مراتب بیش از گذشته خود را نشان می دهد. منافع کارگران و مزدبگیران ایران ایجاب می کند که همسو و همراه با دیگر نیروهای اجتماعی برای تحقق یک انقلاب دمکراتیک بکوشند. نیروهای کار بیش از همه از دمکراتیزه شدن حیات سیاسی جامعه سود می برند. دیدگاهی که با شعار «سوسیالیسم اکنون» تحقق حداقل خواسته های دمکراتیک مردم را به تحقق سوسیالیسم موکول می کند، دیدگاهی عمیقاً انحرافی است. مدافعان این دیدگاه از حذف نیروهای غیر کارگری در جنبش آزادیخواهی مردم ایران شروع می کنند و به حذف نیروهای کار می رسند. تردیدی نیست که مناسبات اقتصادی در جامعه ایران، مناسبات سرمایه داری در یک کشور پیرامونی است. اقتصاد ایران بر اساس مناسبات سرمایه داری به شیوه های گوناگون با واقعیت نمی تواند واقعیت دیگر جامعه

ایران را انکار کند: حاکمیت در ایران بر اساس استبداد مذهبی و بر پایه ولایت مطلقه فقیه است. این شکل از حاکمیت قرون وسطایی نه فقط با کارگران و مزدبگیران، که با کل جامعه در ستیز است. قیامهای رنگین کمان بیشماران در سال ۱۳۸۸، نیاز طیف گوناگونی از نیروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران برای دمکراتیزه کردن حیات سیاسی را به همه نشان داد. ما با توجه به واقعیت عینی جامعه ایران، انقلاب دمکراتیک را نخستین گام برای تحقق خواسته های عادلانه کارگران و مزدبگیران ایران می دانیم و در شرایط کنونی برای سرنوشت رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق یک جمهوری مستقل، دمکراتیک و غیر دینی (انقلاب سیاسی دمکراتیک) تلاش می کنیم. رژیم ولایت فقیه باید سرنوشت خود را با مردم ایران در یک انتخاب آزاد بتواند با ایجاد مجلس موسسان، قانون اساسی جدید را تدوین و تصویب کند. شرط اولیه تحقق یک انتخابات آزاد چنین است:

آزادی فعالیت سیاسی، آزادی بدون حد و مرز بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی هرگونه سانسور، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و لغو شکنجه و اعدام، رفع تمامی اشکال تبعیض جنسیتی از زنان و برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، برخورداری اقوام و ملیتهای ساکن ایران از حقوق مساوی و بدون تبعیض در همه ی پهنه های دولتی، اجتماعی، لغو هرگونه تبعیض مذهبی، به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب، حق سازمانیابی و ایجاد تشکلهای مستقل نیروهای کار.

### شرایط کنونی، ادامه بحران غیرقانونی (بحران انقلابی)

کشور ما در یکی از حساسترین و بحرانیترین لحظات تاریخ خود قرار دارد. رژیم حاکم بار این بحران را بر دوش مردم ستمدیده کشور ما گذاشته است. در حالی که طی ۳۲ سال گذشته ما شاهد کشتارهای هولناک و پیگردهای بربرمنشانه که مایه ننگ بشریت است بوده ایم، در دو سال گذشته سرکوبی و جنایت ابعاد گسترده تری پیدا کرده است. ولی فقیه نظام با انتصاب پاسدار احمدی نژاد از طریق انتخابات قلابی و نمایشی، جنگی آشکار علیه مردم ایران را ساماندهی کرده است. نقشه خامنه ای آن گونه که خود بیان می کند «ریل گذاری جدید» در جمهوری اسلامی و نظامی-امنیتی کردن هرچه بیشتر تمامی ارکان قدرت است. ولی فقیه این سیاست را از ۶ سال پیش با حذف شرکای قبلی خود آغاز و برای

حفاظت از امنیت ولایتش و در مقابله با بحران داخلی و جهانی به سیاست انقباض هرچه بیشتر متوسل شد. ولی فقیه نظام برای جلوگیری از سرنوشتی، میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی و تروریسم در خاورمیانه و آشوبگری در عراق، فلسطین، لبنان و... می کند. اعلام جنگ ولایت خامنه ای با مردم ایران و جامعه جهانی در سال گذشته ابعاد جدیدی پیدا کرده است.

دولت نظامی امنیتی احمدی نژاد به نیابت از ولی فقیه با اعلام جنگ علنی با مردم ایران و با مداخله آشوبگرانه در بحران خاورمیانه، زندگی مردم را به تباهی کشیده است. رژیم، میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه می کند و این در شرایطی است که سطح زندگی کارگران، مزدبگیران و توده های مردم ایران روز به روز به فقرا می رود.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۸ خامنه ای در صدد بود تا در یک انتخابات به مهندسی شده ی به ظاهر رقابتی و در اساس نمایشی با برگماری مجدد گماشته اش همگان را وادار کند که در مقابل ولایتش سر تسلیم فرود آورند. اما مردم ایران که در ۱۳ خرداد ۱۳۸۸ شاهد مناظره تلویزیونی میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد بودند به شکاف در درون هرم قدرت پی بردند. نامه سرگشاده هاشمی رفسنجانی به این شکاف وضوح بیشتری داد و بحران غیرقانونی و یا بحران انقلابی پس از مناظره ۱۳ خرداد کلیلد خورد. پس از اجرای انتخابات نمایشی و اجرای تقلب بزرگ، با جرقه اطلاق جادوگری «تجمیع آراء»، جامعه منفجر و در میان ناباوری فرصت طلبان و مماشات گران داخلی و بین المللی، خشم انباشت شده مردم ایران با زنجیره ای از خیزشها و قیامها سر ریز کرد. حرکت مردم تضاد درون هرم قدرت را شدت بیشتری بخشید و جنبش رنگین کمان بیشماران، ولایت خامنه ای را به کشتی به گل نشستنی ای تبدیل کرد. شرایطی به وجود آمد که بالابینها نمی توانند همچون گذشته حکومت کنند و مردم دیگر نمی خواهند به شکل سابق زندگی کنند که نتیجه آن شکل گیری روانشناسی تغییر در مردم است.

مردم پایه های استبداد مذهبی و سلطنت مطلقه خامنه ای را به لرزه درآوردند و با فریاد «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای» اقتدار ولی فقیه را به سخره گرفتند. یکبار دیگر ثابت شد که گرانیگاه تحول و قانون اصلی ستیز در جامعه ما بین مردم و قدرت حاکم است. قیامهای

بقیه در صفحه ۱۶

## بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بقیه از صفحه ۱۵



مردم برخلاف دیدگاه سازشکاران و فرصت طلبان که با کلی گوییهای فضل فروشانه، کانون هر تغییر و تحولی را در درون نظام ولایت فقیه جستجو می کنند و ظرفیت انفجاری جامعه را با عوامفریبی و یا خودفریبی به هیچ می گیرند، نشان داد که نه رژیم ولایت فقیه ظرفیت تحول پذیری از درون دارد و نه مردم ایران به لاف و گزافهای کسانی که از سرحقارت و یا به علت نادانی به درونمایه اساسی جامعه توجه ندارند، اهمیت می دهند.

نشده است گفت: «فتنه هنوز تمام نشده است... دشمن هر روز طراحیهای پیچیدهتری برای براندازی جمهوری اسلامی انجام می دهد.» (عصر ایران ۲۵ دی ۱۳۸۹)

علی اکبر ولایتی در مقام مشاور امور بین المللی ولی فقیه می گوید: «به نظر بنده این فتنه بعد از یک سال هنوز تمام نشده است.» (سایت آفتاب، سه شنبه ۷ دی ۱۳۸۹)

تعالد ناپایدار بین مردم و نیروهای سرکوبگر و فقدان قیامهای گسترده خیابانی دلیلی برای پایان یافتن بحران غیر قانونی نیست. مبارزه برای رهایی ادامه می یابد و رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران به دست مردم ایران برخواهد افتاد.

### کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان و روشنفکران!

ما ضمن محکوم کردن احکام اعدام به ویژه در ماههای اخیر شتاب بیشتری گرفته، خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران هستیم. ما خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی و ملاقات با زندانیان سیاسی هستیم.

ما خواستار آن هستیم که حقوق زنان و مردان ساکن در شهر اشرف بی درنگ از جانب دولت عراق به رسمیت شناخته شود. در مبارزه برای تثبیت حقوق مجاهدان شهر اشرف ما در کنار همه ی تلاشگران و فعالان حقوق بشر قرار داریم.

ما از مبارزه به حق کارگران، مزدبگیران و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض به سطح زندگی و معیشت مردم را گسترش بی سابقه داده، حمایت می کنیم. ما از خواست کارگران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و

در حالی که استبداد مذهبی نتوانسته برای تامین اولیه ترین نیازهای مردم ایران چاره اندیشی کند، طرح ضد مردمی حذف یارانه ها توسط دولت احمدی نژاد به اجرا گذاشته شده و اجرای این طرح ظرفیت انفجاری در جامعه را افزایش داده است.

نه بالائینها توانستند بر شکاف درونی خود غلبه کنند و نه پائینها خموده و تسلیم شدند. توده ها هنوز در تب و تاب تغییر هستند و ولی فقیه و کارگزارانش به طور مداوم از خطر «فتنه» دم می زنند.

غلامحسین الهام، مشاور حقوقی احمدی نژاد می گوید: «نباید ظرفیتی که برای کوبیدن فتنه ایجاد شده است جمع شود، چرا که با بایگانی و فراموش کردن آنها تجربهها فراموش شده و فتنه جدید شکل خواهد گرفت.» (سایت پارلمان نیوز ۱۸ دی ۱۳۸۹)

محمدنبی حبیبی، دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی با بیان این که فتنه هنوز تمام

نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران حمایت می کنیم. ما از کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، از سازمان جهانی کار، از همه ی سندیکاها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهیم که از مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری حمایت و پشتیبانی کرده و رژیم حاکم بر ایران را به خاطر نقض قوانین مربوط به حقوق کار و دستگیری فعالان کارگری محکوم کنند.

ما از مبارزه زنان ایران برای لغو تبعیض جنسی و از مبارزه ملیتهای ساکن ایران برای رفع تبعیض ملی و از مبارزه اقلیتهای مذهبی برای لغو تبعیض مذهبی حمایت و پشتیبانی می کنیم.

امروز دیگر همگان می دانند که ادعای مستقل شدن در انرژی و دستیابی به تکنولوژی اتمی بهانه ای برای دستیابی به سلاح اتمی است. ما خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات رژیم ایران در زمینه اتمی می باشیم. گرچه سازمان ما بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی است اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دمکراتیک و با توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه در این زمینه باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.

خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم ولایت فقیه و استقرار یک نظام دمکراتیک در ایران است. این خواست که ما و شورای ملی مقاومت مدافع آن هستیم، نه از طریق جنگ خارجی و دخالتگرانه امپریالیستی محقق می شود و نه از طریق چشم دوختن به درون نظام. تحقق آزادی و حاکمیت ملی و دستیابی مردم ایران به دموکراسی و عدالت و پیشرفت تنها از توسط اراده آزاد و عزم مردم ایران و نیروهای ترقیخواه میسر است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران استفاده از تمامی اشکال مبارزه به

شمول قیام مسلحانه را حق مسلم مردم می داند. ما کارگران، مزدبگیران، کارمندان، معلمان، دانشجویان، دانش آموزان، زنان، جوانان، روشنفکران و نیروهای ترقیخواه ایران را به اتحاد و مبارزه به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری لائیک، دموکراتیک و مستقل فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
۱۵ بهمن ۱۳۸۹ (۴ فوریه ۲۰۱۱)

### سرود انترناسیونال

اوژن پوتیه  
ترجمه: ابوالقاسم لاهوتی  
با آهنگ سروده پیر دژیتیر Pierre Degeyter خوانده می شود

برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگی  
شوریده خاطر ما را برده به جنگ مرگ و زندگی  
باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند  
وانگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هر چیز کردند

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها

برما نبخشند فتح و شادی نه بت، نه شه، نه قهرمان  
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان  
تا ظلم از عالم برویم نعمت خود آریم به کف  
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتیکه آهن گرم است

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها

تنها ما توده جهانی، اردوی بیشمار کار داریم حقوق جهانیانی نه که خونخواران غدار  
غرد وقتی رعد مرگ آور بر رهنان و دژخیمان  
در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها  
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما  
انترناسیونال است نجات انسانها



## گزارش برگزاری مراسم ۱۹ بهمن، یادمان چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

### سخنران سوم رفیق زینت میرهاشمی



او فعالیت خود را در یک خانواده سیاسی آغاز و پس از حماسه سیاهکل در حالی که ۱۴ ساله بود با خانواده زندانیان سیاسی فعالیت می کرد و یک بار هم در همین رابطه دستگیر شد. او از همان ابتدای فعالیت چریکهای فدایی خلق به این جریان گرایش پیدا کرد. در زمستان سال ۱۳۵۳ از طریق رفیق خشایار سنجری در ارتباط با چریکهای فدایی خلق قرار گرفت و از همان زمان آمادگی خود را برای فعالیت مخفی اعلام کرد.

رفیق خشایار پس از مدتی کار اولیه او را به رفیق اعظم روحی آهنگران معرفی کرد و این ارتباط تا ۱۳ تیر سال ۱۳۵۴ که رفیق میرهاشمی دستگیر شد ادامه داشت. وی در بیدادگاه نظامی رژیم شاه به حبس ابد به اضافه ۳۵ سال زندان محکوم شد و در آخرین سری زندانیان سیاسی زن، در ۲۱ دی سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد.

از هنگام آزادی تا قیام مردم در فعالیتهای علنی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شرکت فعال داشت و پس از انقلاب بهمن نیر به مبارزه خود برای آزادی و سوسیالیسم ادامه داده است.

رفیق لیلا جدیدی از سخنرانان دعوت کرد تا به ترتیبی که معرفی شده اند، هر یک به مدت ۳۰ دقیقه صحبت کنند. موضوع سخنرانی شرکت کنندگان در پانل به ترتیب «تاثیر حماسه سیاهکل و ادامه آن در مبارزات خارج از کشور»، «رابطه جنبش فدایی با طبقه کارگر در نظر و عمل» و «رستاخیز سیاهکل و درسهای امروز آن» بود. سخنرانان در وقت تعیین شده نظرات خود را بیان کردند.

بقیه در صفحه ۱۸

از جمله فعالیتهای این رفیق چاپ سه شماره نشریه نبرد در سال ۱۳۵۰ و چاپ کتابها و جزوات جنبش فدایی با همکاری باتفاق فعالان جنبش نوین انقلابی در آلمان بود. وی همچنین در کنفرانس بین جهانی دانشجویان و فارغ التحصیلان ایرانی در خارج از کشور نقش فعال و تاثیر گذاری داشت.

رفیق معیری در خرداد سال ۱۳۵۷ همزمان با شکل گیری جنبش توده ای به ایران آمد و در حرکتیهای اجتماعی مردم برای آزادی و عدالت همراه و همگام با جنبش فدایی، به طور فعال شرکت داشت. پس از انقلاب بهمن نیز رفیق امیر معیری به اشکال گوناگون در مبارزه علیه استبداد دینی و برای آزادی و عدالت همراه با جنبش فدایی، به مبارزه خود ابتدا در داخل و سپس در خارج از ایران ادامه داده است.

### سخنران دوم رفیق محمد تقی سید احمدی



وی تا سال ۱۳۴۲ همراه با رفیق امیر پرویز پویان در محافل مذهبی مشهود به فعالیت سیاسی اجتماعی مشغول بود. وی در سال ۱۳۴۶ توسط رفقا امیر پرویز پویان و حمید توکلی و در ارتباط با فعالیتهای سیاسی در مشهد به مارکسیسم و کمونیسم گروید و از همان زمان در شاخه مشهد گروه رفیق مسعود احمدزاده شروع به فعالیت کرد.

رفیق سید احمدی در پائیز سال ۱۳۴۹ به همراه بقیه رفقای شاخه مشهد برای تدارک مبارزه مسلحانه به تهران آمد و تا خرداد سال ۱۳۵۰ در این عرصه فعال بود. در اول خرداد سال ۱۳۵۰ دستگیر و در بیدادگاه اول نظامی همراه با تعدادی دیگر از رفقای فدایی محاکمه و به اعدام محکوم شد. این حکم در بیدادگاه دوم نظامی به زندان ابد تبدیل می شود.

رفیق محمد تقی سید احمدی در دوم بهمن سال ۱۳۵۷ از زندان دیزل آباد کرمانشاه آزاد می شود. از آن زمان تا کنون این رفیق به اشکال گوناگون به مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم و در حمایت از جنبش کارگران ایران ادامه داده است.



پس از آن رفیق لیلا جدیدی سخنرانان برنامه را به پانل دعوت و به معرفی آنان پرداخت.

### سخنران اول رفیق امیر معیری



رفیق معیری، از دوران نوجوانی وارد فعالیت سیاسی شد و در سال ۱۳۴۴ به فعالیت سیاسی ضد رژیم شاه در خارج از کشور پیوست. پس از حماسه سیاهکل او از جمله اولین کسانی بود که از چریکهای فدایی و جنبش مسلحانه حمایت کرد و در این مسیر نقش فعالی در تبلیغات به سود جنبش فدایی داشت.

روز شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۸۹، برابر با ۵ فروردیه ۲۰۱۱ مراسم یادمان چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل در شهر کلن (آلمان) برگزار شد. پیش از شروع برنامه همراه با پخش ترانه سرودهای جنبش پیشتاز فدایی، بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت ۱۹ بهمن، چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل همراه با متن سرود آفتابکاران جنگل و سرود انترناسیونال در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت.

برنامه در ساعت ۴ و نیم بعد از ظهر آغاز شد. در ابتدا رفیق فرنگیس بایقره با خوش آمد گویی از شرکت کنندگان در همایش حماسه سیاهکل در خواست کرد که با یاد و احترام شهدای جنبش فدایی، جنبش آزادیخواهی مردم ایران، قیامهای مردم ایران در سال ۱۳۸۸ و زندانیان سیاسی که طی ماههای اخیر اعدام شده اند یک دقیقه سکوت کنند. پس از آن، یک نمائندک به مناسبت چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل، تدوین شده توسط رفیق جعفر پویه، پخش شد. سپس رفیق آناهیتا اردوان یکی از سروده های خود در مورد زنان فدایی را خواند.

## بخشی از پوشش خبری مراسم چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل



تصویر بالا انعکاس مراسم رستاخیز سیاهکل در سایت  
مقاومت از جناح چپ حزب کمونیستی ایتالیا

### گزارش سیمای آزادی و سایت همبستگی ملی از مراسم کلن در آدرس زیر

[http://hambastegimeli.com/index.php?option=com\\_content&view=article&id=18156:2011-02-08-08-05-03&catid=21:2010-01-17-21-49-36&sms\\_ss=facebook&at\\_xt=4d516976ad4a12df,1](http://hambastegimeli.com/index.php?option=com_content&view=article&id=18156:2011-02-08-08-05-03&catid=21:2010-01-17-21-49-36&sms_ss=facebook&at_xt=4d516976ad4a12df,1)

### گزارش خانم شهلا بهاردوست از برنامه سالگرد رستاخیز سیاهکل در آدرسهای زیر

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=13705>  
<http://www.akhbar-rooz.com/printfriendly.jsp?essayId=35507&news=true>

### عکسهای خانم اختر قاسمی از مراسم

چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در آدرس زیر  
<http://news.gooya.com/didaniha/archives/2011/02/117327.php>



### انعکاس گزارش دبیرخانه سازمان در سایت «یاریکورد»

<http://yarikurd.com/?p=2655>

### برنامه چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در سیمای آزادی در آدرس زیر

<http://www.iranntv.com/node/5236>

## گزارش برگزاری مراسم ۱۹ بهمن، یادمان چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۱۷  
پس از آن ۳۰ دقیقه استراحت اعلام و از  
حضار با چای، قهوه و شیرینی پذیرایی شد.  
در قسمت دوم برنامه، ابتدا رفیق فریدون  
رمضانی از کارگاه هنر ایران دو سرود به  
زبان فارسی و آذری اجرا کرد و رفیق  
فرنگیس باقره یک شعر کوتاه به زبان  
آذری از سروده های فدایی شهید رفیق علی  
رضا نابدل را خواند.



قبل از شروع گفتگو و تبادل نظر با حضار،  
رفیق مارکو ورو جو، عضو کمیته مرکزی و  
دفتر سیاسی حزب احیای کمونیستی (ایتالیا)  
طی سخنان کوتاه که توسط رفیق لیلا  
جدیدی به فارسی ترجمه می شد، همبستگی  
خود را با مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری  
و با سازمان چریکهای فدایی خلق ایران اعلام کرد.  
رفیق لیلا جدیدی همچنین پیام «نهضت آزادیخواه دموکراتیک ایران (ندا)» و



ترجمه پیام رفیق جو هیگنز، از حزب سوسیالیست ایرلند و نماینده دولین در  
پارلمان اروپا را به اطلاع حضار رساند، سپس سخنرانان را به پانل دعوت کرده و  
گفتگو، تبادل نظر، پرسش و پاسخ شروع شد. در این بخش از برنامه که حدود دو  
ساعت ادامه داشت، تعداد زیادی از حضار به طرح نقطه نظرات خود و یا طرح  
پرسش از سخنرانان پرداختند. سخنرانان نیز به سوالات پاسخ دادند.  
همایش چهلمین سالگرد رستاخیز و حماسه سیاهکل با سرود انترناسیونال  
با اجرای رفیق فریدون رضانی و همراهی حضار به پایان رسید.



سپس حضار به صرف شام دعوت شدند تا دقایق بیشتری را در کنار هم در این روز  
به یادماندن بگذرانیم.

قابل ذکر است که از تمامی این برنامه فیلمبرداری شده و در آینده منتشر خواهد  
شد.

دبیرخانه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۸۹ (۶ فوریه ۲۰۱۱)

### کلیپ برای چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل توسط رفیق جعفر پویه

<http://www.youtube.com/watch?v=CK2KD3GOIWg>

## رستاخیز سیاهکل و درسهای امروز آن

زینت میرهاشمی

متن سخنرانی در چهامین سالگرد حماسه سیاهکل - کلن المان

خدمت همه شما دوستان سلام عرض می کنم و از حضورتان به ویژه دوستانی که از راهی دور آمدند تشکر می کنم. همچنین از رفقای عزیزم امیر معیری و سیداحمدی، سپاسگزارم. ۴۰ سال از حماسه سیاهکل گذشت. رویدادی که با عملیات مسلحانه در پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، آغاز مبارزه سیاسی نظامی، علیه دیکتاتوری رژیم سلطنتی و تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را اعلام نمود.

تولدی که محصول سالها بحث، جدل و کنکاش در جنبش کمونیستی و حاصل همکاری دو جریان سیاسی رفقا مسعود احمد زاده، و بیژن جزنی بود. عملیات سیاهکل، صرفاً یک ضربه به دشمن نبود، انفجار خشم فروخته در جامعه بود و نه بن بست تعدادی از جوانان. بلکه فعالیت متفکرانه کنشگران جستجویی بود که آگاه به مسائل جهانی و مسائل ایران بودند و از آن جایی که خود را در کانون تغییر و تحول جامعه و نیرویی مداخله گر و نه بی تفاوت می دانستند، در پاسخ به شرایط خاص ایران، مبارزه سیاسی، نظامی را پایه ریزی کردند.

عملیات سیاهکل تبلیغ به نفع مبارزه و مقاومت و به ضرر دیکتاتوری که خود را ضربه پذیر نمی دانست بود. در این مورد نوشته های رفقا مسعود احمد زاده و بیژن جزنی، در مورد رستاخیز سیاهکل به میزان زیادی برای شناخت این رویداد گویا است. همچنین نوشته رفیق حمید اشرف با عنوان یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه نشان می دهد که در آن شرایط خاص برای شروع چنین حرکتی به اندازه ای که مقدور بوده و اصل مبارزه را مخدوش نمی کرده، تعمق شده است.

این عملیات و تولد یک سازمان سیاسی نظامی جدی و مداخله گر، در تاریخ جنبش کمونیستی و چپ ایران در آن دوره چنان نقش برجسته ای جهت سازماندهی و تشکل یابی نیروهای پراکنده کمونیست بازی کرد که هیچ کس را در برابر خود بی تفاوت نگذاشت و کسی در برابر آن نتوانست بی تفاوت بگذرد.

فداکاری، جان گذستگی و ارزش گذاری مبارزه انقلابی رفقای دست اندر کار عملیات سیاهکل را پاس می داریم و تلاش می کنیم بنا به تواناییهایمان

این ارزشها و پرنسیپها را در زندگی سیاسیمان به کار گیریم.

ما خود را زاده این جریان نوین کمونیستی می دانیم و آرمان آنها را، راه و رسم خود می دانیم. تاکید می کنم ارزشهای انقلابی که رفقا در آن دوران آفریدند همیشه زنده و پایدار است.

نمونه ای از آن مثلاً سرود سراوود زمستون که سمبل شور و هیجان انقلابی جوانان فدایی بود که همان طور که در جریانش هستی دوباره بر زبانهاست.

گرامیداشت سیاهکل برای ما به عنوان نیرویی چپ، تحولگرا چه معنایی می تواند داشته باشد. صرفاً این که دور هم جمع شویم و یادی بکنیم و فردا دنبال راه و رسم خود برویم. آیا چون زاده این نیرو هستیم فقط وابستگیهای اخلاقی و عاطفی ما را دور هم جمع می کند.

خلاصه چه نگاهی به این رویداد داریم. نگاه ما به درسها و تجربیات حماسه سیاهکل از روزی که تدارک آن شروع شد، است.

نگاه سازندگان رستاخیز سیاهکل که ۴۵ روز پس از این رویداد اعدام شدند به این عملیات می تواند موضوع بحث جداگانه ای باشد.

اما مستقل از نگاه آن رفقا به این رویداد، و تلاش ادامه دهندگان آن راه در جهت ساختن یک سازمان سیاسی نظامی و تاثیرات بزرگ آن ..مساله این است که آیا جنبش فدایی فقط یک رویداد تاریخی تاثیر گذار برای آن زمان بوده و یا برای مبارزه امروز هم درسهای قابل توجهی دارد؟

سه خصلت هویتی جنبش فدایی که به نظرم رمز و راز پایداری و ماندگاری آنان شد و چنان مهر خود بر تحولات سیاسی تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ حک کرد که از چپ و راست، همه افراد و جریانهای سیاسی اجتماعی با گرایشهای گوناگون، نتوانستند در مقابل آن بی تفاوت باشند، مساله و درس امروز ما هم هست.

حجم مطالبی که طی ۴۰ سال در مورد جنبش پیشتاز فدایی نوشته شده است و هنوز هم ادامه دارد، فرصت کهنه شدن و یا به تاریخ سپرده شدن این رویداد را نمی دهد.

اما این سه ویژگی چیست.

رفقای ما معتقد به شریعت سازی تئوریک و ایدئولوژیک نبودند. نظرات رهبران برجسته جنبش جهانی کمونیستی برای رفقای ما یک شریعت جامد نبود. برای آنان مارکسیسم رهنمود عمل بود که در هر زمان و مکان راهبردهای مبارزاتی خود را می تواند داشته باشد.

آنها در حالی که جهانی فکر می کردند، برای عمل مبارزاتی به به شرایط داخلی توجه اکید داشتند.

آنها وعده دهندگان بهشتی خیالی نبودند بلکه برملاکننده واقعیت جهنم موجود بودند.

مبارزه را به عنوان یک الگویی از پیش ساخته شده قبول نداشتند که خود را در قالب آن تعریق کنند. خود را مارکسیست می دانستند، اما مارکسیسم را آیه های آسمانی نمی دانستند.

برای ساختن حزب و تامین رهبری طبقه کارگر مبارزه را تعطیل نمی کردند و در انتظار روز موعود بی عمل نمی شدند. آنها به سوسیالیسم به عنوان راه رهایی بشریت اعتقاد داشتند اما از مبارزه علیه دیکتاتوری غافل نماندند.

این خصلت اول، امروز هم درس مهمی برای جنبش ماست.

دومین خصلت استقلال از قطبهای جهانی کمونیستی موجود آن زمان بود. برای همین رفقای ما الگو برداری نکردند. امروز البته قطب های کمونیستی قدرتمند که جاذبه الگو برداری داشته باشند وجود ندارد. اما الگو برداری نکردن و کپی نکردن همچنان برای امروز ما یک درس است.

ما شاهد هستیم که امروزه از مبارزه مسالمت آمیز یک بت طلایی ساخته اند و بدون توجه به شرایط مشخص چنین قطبهای نظری تا جایی پیش می روند که قیام مردم را کاری بیهوده ارزیابی می کنند. یک روز قطب چین و یا شوروی برای فعالان سیاسی نسخه پیچی می کرد و امروز این یا آن نظریه پرداز جنبش چپ جهانی ...ما شاهد آن هستیم که متاسفانه در جریانهای چپ جهانی گرایشهای نیرومندی هستند که محمود احمدی نژاد را نماینده زحمتکشان و توده های محروم ایران ارزیابی می کنند و قیام و جنبش بی شماران را تلاش طبقه متوسط. همان

گونه که رفقای ما مستقل از زرادخانه تئوریک قطب های آن زمان عمل کردند، جنبش امروز ما نیز باید فاصله خود را با نظرات بسیار انحرافی در چپ موجود جهانی حفظ کند و این دومین درس از حماسه سیاهکل و حیات جنبش فدایی است.

خصلت سوم، جدی بودن حماسه سازان سیاهکل و جنبش چریکهای فدایی خلق بود. جدی بودن یعنی تطابق حرف با عمل. هیچ انقلابی با حرف و نظریه تعریف نمی شود. نظریه انقلابی بدون عمل انقلابی محکم ترین دلیل برای جدی نبودن است.

رفقای ما در آن سالهای سخت، کنشگرانی بودند که تلاش کردند تئوریا و آنچه را که بدان معتقد بودند، آنچه را که ادعا می کردند را در عمل نشان دهند.

رفیق بیژن جزنی وقتی می گوید: پیشاهنگ قادر نیست بدون آن که خود مشعل سوزان و مظهر فداکاری و پایداری باشد، توده ها را در راه انقلاب بسیج کند.» بر همین اصل تاکید می کند

رفیق امیرپرویز پویان وقتی می گوید: تاریخ توالی فصول نیست، مسیر چشم اندازهای بدون بازگشت است و در این مسیر انسان آگاهانه نقش آفرین است بر همین اصل تاکید می کند.

رفیق مسعود احمد زاده وقتی می گوید برای حل مسایل تئوریک باید جدی بود بر همین اصل تاکید می کند.

تلاش نظری رفقای فدایی از حماسه سیاهکل تا انقلاب بهمن برای رسیدن به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در محدوده حرف زندانی نشد. آنها برای تحقق این آرمانها، به سازماندهی نیروی پیشتاز انقلاب، تشکیل سازمانی برای کار جمعی و مداخله گرانه، حفظ سازمان، و سرانجام آگاه کردن توده ها برای تحول و برای ساختن دنیایی بهتر بود.

پس اگر بخواهم درسهای آن مبارزه برای امروز را خلاصه کنم بر سه اصل تاکید می کنم:

نفی شریعت سازی، مستقل و جدی بودن.

بقیه در صفحه ۲۰

## رستاخیز سیاهکل و درسهای امروز آن

## راهت ادامه دارد، ای رفیق آناهیتا اردوان

بقیه از صفحه ۱۹

برای همین هم سازمان ما همچنان که در منشور آن قید شده یک سازمان کمونیستی است که سوسیالیسم را امری جهانی و تنها الترناتیو جامعه سرمایه داری و راه نجات بشریت از جنگ و فقر می داند و در شرایط کنونی مساله محوری مبارزه را تحقق انقلاب دموکراتیک و دموکراتیزه کردن جامعه می داند. ما تضاد عمده را تضاد با دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران می دانیم و راه تغییر برای رسیدن به توسعه ای پایدار و دموکراتیک که عدالت اجتماعی را همراه داشته باشد در دایره حکومت نمی دانیم و هیچ جناحی از قدرت را در این امر صالح نمی دانیم. ما خود را برانداز و در جبهه محاربان خود را تعریف می کنیم.

ما خود را جزئی از مبارزه مردم علیه دیکتاتوری و پیشتازان جنبشهای دموکراتیک مانند زنان، دانشجویان، کارگران و معلمان می دانیم.

اینها آموزه هایی است که توسط رفقای بینانگازمان به ما رسیده است و می توانم به جرات بگویم نقطه پیوند سازمان ما با آنها نه وابستگی عاطفی و اخلاقی ما که به جای خود مهم است، بلکه وابستگی نظری ما و اعتقاد ما به سه اصلی هست که گفتیم.

برای پایان دادن به حرفهایم نیاز داشتم تا در فشرده ترین جمله نگاهم به رستاخیز سیاهکل و جنبش چریکهای فدایی خلق را بیان کنم. رفیق عزیزم منصور امان مرا با قطعه کوتاهی که برای چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل برای رادیو پیشگام نوشت یاری کرد. با یک جمله از این نوشته به صحبتهایم پایان می دهم:

گام اول صفایی، کلام آخر تاریخ طغیان آزادی و عدالت بین البرز و هرمز بود؛ آرزوهای بزرگ و انسانی که آرمان گرایان این مرز و بوم آنها را زیستند و می زیند و عین واقعیت امروز و اکنون شان است. پیروز باشید

تو از خدا گذشتی

به انسان رسیدی

تو از زن بودن افسانه نساختی

زیرا که حقیقت از آن تو بود

تو یکپارچه رفاقتی

عشقی

شجاعتی

از آگاهی سلاحی ساختی

همچون آتش

پرچم سرخ تکامل را به دوش گرفتی

همچون کوه

به میدان آمدی

آنکه که همه می گفتند «آری!!»

بر تارک تاریخ استوار ایستادی

و فریاد زدی «نه!!»

نه به استبداد، به سرمایه، به مردسالاری

تو با آتش گلوله هایت

که نماد عشق به رهاییست

تو با طنین فریادت

که نماد عشق به مردم است

علم و عمل را در هم آمیختی

و قصه هایت را با زندگیت نوشتی

پروانه ای، ای رفیق

محروران از بودند، صمیمیت و

مقاومتت

ترانه ها سروده اند

تو یک زنی، ای رفیق

زنی که زن بودن را از پله خاکستریش

بیرون کشید

زنی که هراس را از زهدان تارک دلان

بیرون کشید

از تو ترسیدند و هنوز نیز....

آنچنان که تو را مرد نامیدند!!

آری، آن نامردمان بر پیکر تو از ترس

آهسته گفتند: او مردی بود در لباس

زن!!

اما تو، نه مردانه، زنانه و انسانی

همچون «چریک فدایی خلق»

در میدان، در زندان، زیر شکنجه

از زن تصویر دیگری آفریدی

ستاره ای ای رفیق، خاموش نمی شوی

.....

و اکنون اما من می اندیشم

به راهت، به کارت

راهت ادامه دارد، ای رفیق

## رستاخیز سیاهکل

تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

و سرفصل مبارزه واقعی و رودررو با حاکمیت مستبد و جابرانه و جنایت پیشه

یکی از هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از تهران

### علت تاسیس یک سازمان چیست؟

دلیل پیدایش یک جریان فکری را از کدام نقطه و در کجا باید جستجو کرد؟ با یک بازنگری به گذشته تاریخی مبارزات سیاسی در ایران و جهان، میتوان به دلایل و ضرورت تشکیل جنبش مسلحانه در جامعه دست یافت، یعنی تمامی آن شرایطی که موجبات تاسیس جنبش فدایی را فراهم نموده، در بررسی فضای سیاسی دهه ۳۰ و ۴۰ قابل فهم است.

هر سازمان و جریانی، از دل یک ضرورت اساسی به وجود می آید و برای یافتن این ضرورت بایستی شرایط دورانی که آن جامعه و تاریخ، طی کرده است را شناسایی نمود. ضرورت بر اساس پاسخی است که به نیاز جامعه و راه حل مضللات ارائه می گردد. چنانچه پاسخ و راه حل ارائه شده، واقعی و عملی نباشد دیری نخواهد پایید که تز مطروحه یا نظر و پاسخ ارائه شده، از بین رفته و به فراموشی سپرده خواهد شد. به عنوان مثال، وقتی سوال و مشکلی مطرح می گردد، اگر جوابی که به سوال داده می شود پاسخ اساسی و درست و همه جانبه به آن سوال نباشد، مسلماً "نمره قبولی از آن سوال نخواهیم گرفت."

### حال از کجا بفهمیم که پاسخ درست است؟

میزان انطباق پاسخ با واقعیات، صحت و درستی آنرا تعیین می کند. پاسخهایی که در زندگی -در موارد مختلف اعم از تصمیم گیریها، دوستیها و دشمنیها، تحصیل و کار و برنامه ریزی برای آینده- به سوالات زندگیمان می دهیم و در هر نقطه ای که تصمیمی را اتخاذ می کنیم چنانچه تصمیم واقعی نباشد و بر اساس واقعیات و نیازها و امور عینی زندگی طرح و اجرا نشود، بازتاب اشتباه در این تصمیم گیریها و سیاستها به بی نتیجه ماندن، شکست و فرو ریختن تئوریهها و نظرات منجر خواهد گشت و ناچاریم تاوان اشتباه خود را در آن مقطع (و شاید مقاطع بعدی) پرداخت نماییم. زمانی که یک سازمان با خط فکری مشخصی شکل می گیرد، مبنای شکل

گیری آن برای پاسخ دادن به یکسری معضلات و مشکلات اجتماعی در آن جامعه است. اگر در جامعه به دنبال آزادی، برابری، سکولاریسم، رفاه و عدالت اجتماعی هستیم، اما فریاد آزادی ما با زندان و سرکوب و شکنجه روبرو می شود، اگر هر روش مسالمت آمیزی که فعالان سیاسی اعمال می کنند اما با خشونت و ترور مواجه می گردد، اگر استبداد و تبعیض و نابرابری و خفقان و سرکوب شدید مانع شنیده شدن فریادهای آزادی و برابری زنان و مردان روشنفکر و آزادیخواه می گردد، پس چاره چیست و چه راه حلی برای رفع نیازهای اساسی آزادیخواهان اعم از زنان و دانشجویان و روشنفکران می توان و باید جستجو کرد؟ برای خلاصی از این مشکلات از چه نظری باید پیروی کرد و چه پاسخی میتوان ارائه داد؟

از نظر تاریخی (و نه لحظه ای) باید راه حلی که برای مشکلات موجود ارائه می شود دارای بُرد اجتماعی و تاثیرگذاری باشد، در غیر این صورت در دراز مدت دچار ایزوله شدن و انزوا خواهد شد.

اگر پاسخ ما به سوالات مطروحه و ادعاهای ما برای رفع معضلات اجتماعی، تاثیرگذاری لازم و امکان فهم و اجرا نداشته باشد، یا بر اساس نیازهای پایه ای و واقعی جامعه نباشد، به جز یک مقطع گذرا و جذب تعدادی افراد اندک و سپس پراکنده شدن و خاموش گشتن سرانجامی نخواهد داشت. پس نتیجه می گیریم راه حلی که برای رفع معضلات سیاسی و اجتماعی پیشنهاد می شود، می بایست منطبق با شرایط موجود در جامعه و با توجه به سطح آگاهی مردم و سطح مناسبات اقتصادی حاکم بر آن جامعه ارائه گردد تا قابلیت جذب و بقا و رشد داشته باشد و این امر، بدون مطالعه و تحلیل و بررسی نقاط قوت و ضعفهای تاریخی و سیاسی امکانپذیر نیست. تحلیل و بررسی گذشته، سیاسی احزاب در مصادف با حکومتهای دیکتاتوری و نقد و تحلیل برخورد مردم با حاکمیت و واکنشهای فیمابین است که می تواند ما را به تئوری و تز منطقی و منطبق بر واقعیتها بقیه از صفحه ۲۱

## «سلخ»

اینک

در شعله های آبی زیستن

" کامل ترین انسان

در عصر خویشتمیم \*\*

که سیل وار

از خاکستر شبگیر تکثیر می شویم

برسقف بامهای شاد

ماه می ریزد

نازک و نرم

آن گونه که سادگی باران

بر جالیزار انگستان

تو

بوسه میزند

آذر ۸۹ - اشرف

\* ویکتور خارا

\*\* سارتر در تو صیف «ال چه»

## رستاخیز سیاهکل

بقیه از صفحه ۲۰

رهنمون شود. یعنی یافتن راه حلی اساسی، عینی و معقول که از دل واقعیت بیرون آمده باشد و در مراحل و مقاطع دیگری در جوامعی همسان، به بوتاه آزمایش گذاشته شده و نتیجه مثبت داده باشد و ریشه در تاریخ واقعی داشته، قابل اجرا باشد.

راز "حماسه سیاهکل" که نقطه تولد و سرفصل مبارزات واقعی و رو در رو با جابریت نظام دیکتاتوری شاه بوده، بر اساس پاسخ به همین سوالهایی است که به وسیله روشنفکران مطرح شد. حماسه سیاهکل نتیجه شرایطی است که جامعه و تاریخ در آن دهه ها رقم زده است و چه بسا الزام برای حمایت از آن تاکتیکها در دوره کنونی به شدت احساس می شود.

رفقایی همچون جزئی، احمدزاده، پویان، حمید اشرف، صفایی فراهانی و بسیاری دیگر از روشنفکران که هر یک در زیر سقف و در زیر پوست ایدئولوژی و احزایی دیگر درحال فعالیت و مبارزه سیاسی بودند، پس از شکست طرحهای

مبارزاتی مسالمت آمیز و به ویژه بعد از پروسه ای که حزب توده طی نمود که به شکست حزب توده در سال ۱۳۳۲ منجر گشت، به فکر راه چاره افتادند. آنها اندیشیدند که حال چه باید کرد؟ در یافتن پاسخ به "چه باید کرد" بود که در برخوردها و گفتگوها و مذاکرات به این نتیجه رسیدند که چون رژیم مستبد محمدرضا پهلوی، با هرگونه فعالیت سیاسی و با هر جریان فکری منتقد یا معترض، برخوردی به شدت سرکوبگرانه دارد و عوامل ساواک با دستگیری، زندان و شکنجه و ترور، مخالفان خود را قلع و قمع می کنند، و هیچ فضایی برای تنفس و مطرح کردن خواستههای اساسی جامعه وجود ندارد و هر فریاد آزادی و برابری با سرکوب مواجه می شود پس هیچ راهی به جز مبارزه مسلحانه وجود ندارد.

پیش از آن، رفقای مبارز و آزادیخواه، فعالیتها و مبارزاتشان بر محور مسالمت بود. آنها می خواستند صرفاً "آزادی فعالیت سیاسی و حق بیان و نوشتار داشته باشند و مبارزاتشان را از طریق سیاسی و تبلیغاتی و پارلمانی پیش ببرند اما چنین امکانی به روشنفکران ما داده نشد و شاه و عوامل جنایتکار ساواک هر جا که جنبش مردم شکل گرفته و می خواست رشد کند، با سرکوب و زندان و شکنجه و جزااله کردن بدن مبارزان با اتو برقی و روشهای کربه دیگر سعی می نمود تا مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم را در نطفه خفه کند و حاکمیتش را بر مدار ظلم و جنایت ادامه دهد.

همان گونه که اشاره شد، در راستای همین فعالیتها و کنش و واکنشها بود که روشنفکران آزادیخواه به این نتیجه رسیدند که هیچ راه و روش، و شیوه مسالمت آمیزی که بتوانند خواسته هایشان را مطرح و به وصول آن امیدوار باشند، وجود ندارد، چون با روش مسالمت آمیز، و با زبان خوش و معمولی نمی شود با حکومت ظلم و جور صحبت کرد، و به تدریج مبارزان و روشنفکران و منتقدان، به وسیله عمال و مزدوران حکومت وقت، یکی پس از دیگری دستگیر و شکنجه و قلع و قمع می شوند. با این حساب خط فکری پیشین شکست خورد و برای یافتن راه حلی دیگر، در یک جمع بندی به این نتیجه رسیدند که باید دست به مبارزه مسلحانه زد تا حاکمیت بفهمد که هرگونه خشونت و برخورد و سرکوب با پاسخ و مقاومت مسلحانه مردم روبرو خواهد شد.

رفقایی از خاطر نرفتگی و همیشه جاودان: بیژن جزئی، مسعود احمدزاده، امیر پرویز پویان، صفایی فراهانی و حمید اشرف و دیگر جاودانگان، اگر چه هر کدام در زمینه نقطه شروع آتش زنه، بر اساس تجربه و زمینه اجتماعی

ایران با دیگر کشورهایی که مبارزه مسلحانه به محک اجرا گذاشته شده و به نتیجه رسیده بود، نظری خاص ارائه دادند اما در امر مبارزه مسلحانه هیچ اختلافی وجود نداشت و از همین روی مقدمات اجرای عملیات فراهم و مقاومت و مبارزه علنی و عملی در پاسخ به خودکامگی رژیم جنایتکار آغاز گشت. بدین گونه بود که جنبش فدایی برخاسته از بطن جامعه و استمداد جسته از افکار آزادیخواهانه و برابری طلب، نقش "حماسه رستاخیز" را بر چهره تاریخ این سرزمین به تصویر کشید و "قیام سیاهکل" فصل تازه ای شد برای مبارزات سیاسی علیه حکومتهای جابرانه و دیکتاتورمنشانه ای که هر صدای حق طلبانه را با سانسور و ارباب و وحشت و کشتار خفه می کنند و هر فکر و اندیشه روشنی را می خواهند در سیاهی مدفون نمایند، غافل از آن که جنبشهای مردمی و قدرت خلق بر هر قدرت ددمنش و ظالم، چیره خواهد گشت.

"حماسه سیاهکل" گام نخست برای شکستن رعب و وحشتی بود که به وسیله حاکمیت ددمنش و خونریز در جامعه اعمال می شد. گامی برای از بین بردن سایه شوم ترس و هراسی که اقشار مختلف را در بر گرفته بود.

با همان گام سرخ و دلهای عاشق آزادیخواهان از قلب سبز جنگل سیاهکل، جنبش آزادیخواهی خلقهای تحت ستم در ایران، وارد مرحله ای جدید شد، مرحله ای که "سازمان چریکهای فدایی خلق" را از دل تاریخ و در رویارویی با حاکمیت استبداد و جنایت به وجود آورد.

حماسه ای که با توجه به بسیاری از تشابهات تاریخی زمان حاضر با دهه ۴۰ چهل، دیر و دور نیست که باز چهره عیان کند و طرحی دوباره بر دفتر تاریخ کشورمان بیافزیند.

آری می توانیم خودمان "بیژن جزئی"، "حمید اشرف"، "امیر پرویز پویان"، "احمدزاده" و دیگر رفقا باشیم!

می توانیم "رستاخیز سیاهکل" را در جای جای وطن اشغال شده، در زمان حاضر دوباره بیافرینیم!

چرا که برای کسب آزادی و برابری و عدالت اجتماعی و در مبارزه با حکومت چهل و خون و جنون آخوندی نیز، تمام روشهای مسالمت آمیز امتحان شده و دیگر شاید راهی به جز قیام مسلحانه باقی نمانده باشد.....

19 بهمن ۱۳۴۹، سالگرد تاسیس سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که همچون آفتابی بر بلندای قله تاریخ مبارزات سیاسی ایران تابیدن گرفته است، بر همه مبارزان و آزادیخواهان گرامی باد.

رضایی تعداد بازداشت شدگان را بیش از ۱۵۰۰ اعلام می کند. معلوم نیست این چه تظاهراتی است که عده دستگیر شدگان آن از تعداد شرکت کنندگانش چندین برابر بیشتر است!

از همه بدتر، روز بعد از آن رییس مجلس آخوندها، علی لاریجانی افسار گسیخته آنچنان در رد مردم معترض و فراخوان دهندگان پیراهن چاک داد که نمایندگان دست نشانده رژیم از خود بی خود شده و با عریه های وحشیانه سعی به تسلی رهبر و ولی فقیه خودباخته خود کردند.

پس از همه این بی شرمیها اما روز گذشته پیکر دو جوان به قتل رسیده به دست اوباش جنایتکار، توسط بسیجها و لباس شخصیها بر سر دست گردانده شد تا بلکه از این رهگذر بهانه ای برای نمایش مضحک ولی فقیه پسند ترتیب دهند. از عجایب روزگار است که این رجاله ها، جوانان مردم را به گلوله می بندند و به قتل می رسانند، سپس جنازه آنان را به دوش گرفته در شهر می گردانند. قاتلها مراسم جنازه گردانی برپا می کنند تا اوج بی شرمی و شقاوت رژیم ولایت فقیه را به چشم همگان بکشند.

در دانشگاه هنر، بسیج دانشگاه را اشغال می کند و جایی برای دانشجوی نیست. آن تعدادی که به چشم آمدند هم از ضرب چماق آنان بی نصیب نماندند زیرا "صانع ژاله"، دانشجوی کرد دانشگاه هنر بود. در نارمک، اوباش خیابان را اشغال کردند و پیکر محمد مختاری را تصاحب کرده، نمایش بی شرمی برپا کردند.

جلادان و دیوان و ددان وابسته به ولایت فقیه نمی توانند از مصدوره پیکر جوانان معترض که توسط خود آنان به قتل رسیده اند، طرفی ببندند. آنها تنها اثبات می کنند که در بی شرمی و وقاحت، در

ددمنش و جنایت دست همه جنایتکاران تاریخ را پشت بسته اند. مردم ایران در روز ۲۵ بهمن با شعارهای خود نشان داند که راس رژیم یعنی، ولی فقیه آن علی خامنه ای را دشمن خود و آزادی و ترقی مملکت می دانند. آنان به چیزی کمتر از برچیدن بساط جنازه گردانها راضی نمی شوند. قاتلها با به دوش کشیدن جنازه جوانان آزادیخواه بیش از گذشته خود را رسوا می کنند.



شهادت قیام ۲۵ بهمن ۱۳۸۹، زنده یاران محمد مختاری و صانع ژاله

## جنازه به دوشهای ولی فقیه

جعفر پویه

فراسوی خبر ۲۸ بهمن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در دجالگری و بی شرمی دست شیطان را نیز از پشت بسته است. جنایت پیشگان وابسته به رژیم ولایتی علی خامنه ای روز دو شنبه ۲۵ بهمن به روی تظاهر کنندگان آتش گشوده و تعداد نامعلومی را به قتل رسانده و عده ای را هم زخمی کردند. وحشت رژیم جنایت پیشگان از موج مردم معترض به حدی بود که تا آخرین ساعات روز همه راه های ارتباطی مردم را قطع کرده بودند.



اینترنت آنچنان کند بود که امکان دسترسی به امکانات مخابراتی گزارشات وجود نداشت، تلفنهای همراه با اشکال مواجه و در بسیاری از مواقع قطع بود، رادیو و تلویزیونها با امواج پارازیت کور شدند و رژیم سعی کرد تا پنهان از چشم جهانیان، امواج مردم معترض را به تعداد دلخواه ولی فقیه بکاهد. در حالیکه روزنامه کیهان، ارگان بازجوهای وزارت اطلاعات تعداد تظاهرکنندگان را ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر می داند و آنها با القابی که زبیده ولایت فقه خودشان است می نامد، سایت تابناک، وابسته به محسن

انتظار وصال فرزندش است وصف ناشدنی ست؟ امروزه صدها تن از این

فرزندان ملت تنهایشان با استخوانهای عریان شده ای این عشیره ی ناپاک دریده و نفس شان با پوست چروکیده از سیر تاج و تخت خونینشان گرفته شده و می شود. امروز تنها چند نفر خونین بخت نشده اند امروز خونین بختان دوباره به یادمان می آیند. آنقدر زمان به عقب رانده می شود که چه جنایاتی در سیر این زمان روی داده باشد به یادمان می آید و هر لحظه اشک و بغض چندچندان. در شرایطی به سر می بریم که دین و مسلک و هر آنچه جانمایه ی ملت است را به بازی گرفته اند و ملت را از ارزشها بوج کرده اند به نام عشیره ای ناپاک. خود را نماینده مردم خوانده و هر آنچه را که ارزشی داشته باشد به خود می آیند. چنین است رسم ناپاکان که نگزارند خونین روزانمان را با خونین تنانمان حتی بگذرانیم، باورشان کنیم، به یادشان آوریم، در پس افکارشان آرام گیریم و با مزارشان خلوت کنیم. این اشک لبریز باید بجایی بریزد، کم نیستند مادران لبریز از اشک .

ما به عنوان مادران صلح کردستان که سالهای مدیدی ست داغ عزیزان را با رنجها در خود پرورانده ایم و دیگر راهی برای تحمل هتک حرمت شهادی راه آزادی را نداریم، از تمامی مردم شریف ایران زمین خواستاریم تا روز دوشنبه مصادف با هفتمین روز شهادت دوتن از جوانان رشید این مرز و بوم (صانع ژاله و محمد مختاری) را تعطیل و فعالیت عادی روزانه خود را به حرمت تمامی شهادی راه آزادی متوقف نمایند و در روزهای بعد و بلکه ماههای در پی به عنوان ناراضیتی مدنی از پرداخت هرگونه قبض حکومتی خودداری نمایند .

باشد که ناپاکان به رنگ و بوی وطن صیقل یابند.

۲۸ بهمن ماه ۱۳۸۹ مادران صلح کردستان

## همبستگی با خانواده شهدای قیام ۲۵ بهمن و گرامیداشت خاطره زنده یاران محمد مختاری

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با ستایش از حماسه آفرینان قیام روز ۲۵ بهمن از فراخوان

به برگزاری تظاهرات روز یکشنبه اول اسفند در سراسر ایران و جهان حمایت کرده و از تمامی زنان و مردان آزادیخواه ایران دعوت می کند که در این روز به هر شکل که می توانند خشم و نفرت خود را به استبداد مذهبی حاکم بر ایران و به رژیم ولایت فقیه نشان دهند.

مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی

جمعه ۲۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۸ فوریه ۲۰۱۱

## بیانیه مادران صلح کردستان به مناسبت شهادت صانع ژاله

پنجشنبه، ۲۸ بهمن ۱۳۸۹ / ۱۷ فوریه ۲۰۱۱

مادران صلح کردستان به مناسبت شهادت صانع ژاله بیانیه ای دادند . متن کامل بیانیه به شرح زیر است :

امروز مادران صلح کردستان لبریز از بغض و اشک جوانان خونین مال وطن دیگر طاقت تحمل رنجش رو به افزون و داغدار شدن مادران دیگر را ندارد. مادرانی که هر لحظه ثمره عمرشان در گرو عشیره ای از ناپاکان به تاراج می رود. چگونه امکان دارد که چنان کسانی به خود جرات می دهند عزیزانمان را پیش چشم همگان با تمامی وقاحتشان به دار می آویزند، به گلوله می بندند و زیر شکنجه می کشند و ملت را نیز به سخره می گیرند .

آیا تاکنون فهمیده اید مادری که فرزندش را از دست می دهد چه بار گرانی بر دوش می کشد، آن گاه که حتی از دیدن فرزند بی جان هم دریغش می کنند و حتی کوچکترین یادگارش که مزارش باشد را از او سلب می کنند، می دانید درون مادری که در

## دستگاه کشتار ولی فقیه، جان دو زندانی سیاسی دیگر را گرفت

### زینت میرهائمی



فراسوی خبر ۵ بهمن

صبح روز دوشنبه ۴ بهمن، بار دیگر رژیم چهل و جنایت دو زندانی سیاسی به نامهای جعفر کاظمی و محمد علی حاج آقایی را به جرم ارتباط با سازمان مجاهدین خلق، شرکت در تظاهراتهای خیابانی سال گذشته و دیدار با فرزندانشان در اشرف اعدام نمود. این دو زندانی سیاسی با تحمل شکنجه های فراوان و با عدم پذیرش انجام مصاحبه به تبرک اعدام ولی فقیه گرفتار شدند. به پا دارندگان معبد ویرانه نظام ولایت فقیه، با جاری ساختن خون، مرگ، خشونت و وحشیگری و تلاش می کنند تا نفسهای سرکوبگری، تلاش می کنند تا نفسهای مخالفان خود را در سینه حبس کنند و هر جنبشی علیه خود را خفه سازند. همان طور که کشتار و قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ به فرمان خمینی نتوانست ریشه زندانی سیاسی در جایگاه سمبل مخالفت و مقاومت در برابر دیکتاتوری مذهبی را قطع کند، اقدامهای اخیر هرگز نخواهد توانست این مدال ریشه کنی زندانی سیاسی و مخالفان را بر گردن خامنه ای بیاندازد. جنبش بیشماران برآمد تداوم مبارزه و مقاومتی است که در دهه ۶۰، با فرمان خمینی قرار بود ریشه کن شود. خیزشهای خیابانی سال گذشته که ولی فقیه آن را فتنه نامیده است، واکنشی بود در برابر حکومتی که سه دهه پایه ظلم و استبداد خود را با استفاده از نیروهای الهی و دین حکومتی بر مردم تحمیل کرده بود. جنبش رنگین کمانی که لرنه بر اندام رژیم انداخت، تلبور خشم و نفرتی مردمی به خشونت‌های حکومتی بود که با فرمان قتل زندانیان توسط خمینی آغاز شد و همچنان ادامه دارد. ضرب المثل است که تا روزی که ظلم و ستم وجود دارد، مبارزه وجود دارد و تا روزی که اعدام و خشونت اعمال می شود بدون شک زندانی سیاسی و مقاومت وجود دارد.

شهادت زنده یاران، جعفر کاظمی و محمدعلی حاج آقایی را به خانواده آنها و به ویژه فرزندانشان در اشرف، به سازمان مجاهدین خلق ایران، به زندانیان سیاسی تسلیم می گوئیم.

## پیام تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن به مخالفان و مُعترضان

### منصور امان

فراسوی خبر ۲۴ بهمن

یک روز پس از نمایش کوتاه و بی رمق دولتی در اطراف میدان آزادی، دستگاه های سیاسی و تبلیغاتی حکومت برای دفن این اقتضاح زیر آوار تصویب‌های وارونه و دروغهای گزاف بسیج شده اند. اگرچه فرانسیسهای یکنواختی که چانه ی لق کارگزاران و بلندگوهای "نظام" به مُناسبت‌های این چنینی تولید می کند، ندارد اما در جدیدترین همه‌مه دسته جمعی، یک زیر دنگ نیز شنیده می شود که سرچشمه آن به سیاست روتین لاف درمانی برنمی گردد و زخمه اش را شرایط روز به ارتعاش درآورده است. ناتوانی حکومت حتی از تکرار نمایش رُسوی سال گذشته که به مدد اتوبوس و ساندیس و شوقهای نقدی و جنسی روی صحنه برد، می تواند برای آن پیامدهای وخیمی داشته باشد. این امر به ویژه از آن رو حساس تر می شود که "نظام" به گونه ناخواسته در برابر چالش بزرگ تظاهرات غیردولتی در ۲۵ بهمن قرار گرفته است. آنچه که آقای خامنه ای و دوستان با تبلیغات و تدارکات گسترده چند هفته ای و با هدف قدرت نمایی و نمایش ثبات در روز ۲۲ بهمن عرضه کردند، قوی ترین پیامی نیست که به آدرس مُعترضان و مخالفان ارسال شد تا آنها را از مبارزه جویی پرهیز دهد.

اکنون رژیم ولایت فقیه تلاش می کند این کمبود در پهنه حقیقی را در عرصه مجازی جبران کند؛ ماموریتی که بُنگاه های رنگرزی اخبار و مطونان همیشگی، اجرای آن را به عهده گرفته اند تا مُمكن ناپذیر بودنش را در عمل به آزمون بگذارند. چه، مُشکل اصلی "نظام" در ایجاد اقتدار ذهنی، درجا زدن آن در زمین متند و ابزارهای بدون تغییر و مُستعملی است که تقریباً به طور روزانه برای باز تعریف و آرایش زوایای گوناگون فعالیت عادی خود به کار می گیرد و جامعه و شهروندان به طور روزانه نا راستی آن را تجربه می کنند.

رژیم ولایت فقیه به صورت داوطلبانه در سالگرد قیام ضد سلطنتی دو واقعیت پیرامون خود را در میدان آزادی به تماشا و داوری همگانی گذاشت:

نخست، در حالی که از داشتن پایگاه اجتماعی محروم است، قدرت بسیج و استخدام سیاهی لشکر آن نیز در حال آب رفتن می باشد.

سپس، باند آقای خامنه ای به گونه یک پایه روی دستگاه سرکوب ایستاده است، بدون هیچ پُشتوانه ای که در یک درگیری سخت همراه با استهلاک و فرسایش نیروهایش بتواند به آن به مثابه منبع ذخیره مُراجعه کند.

## از "لباس شخصی" در ایران تا "شتر شخصی" در مصر

### جعفر پویه

فراسوی خبر ادینه ۱۵ بهمن  
اتفاقات در کشورهای خاورمیانه و عربی، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و اصلاحگران آنها را به هذیان گویی انداخته است. در روزهای گذشته امواج وسیعی از مردم به جان آمده از زورگوییهای رهبران مادام العمر کشورهای تونس، مصر، اردن و یمن به خیابان آمدند و علیه رژیمهای خودکامه و مستبد اعتراض کردند. تعداد بسیار زیاد جمعیت شرکت کننده در این اعتراضات توسط شبکه های خبری بین المللی به اقصا نقاط جهان مخاپره می شود و همگان چشم به این اعتراضات و خواسته های مردم دوخته اند.

منهای حضور تشکیلاتی قدرتمند بعضی از احزاب اسلامی برای استفاده از این اوضاع و موج سواری که حمایت بعضی از شبکه های خبری را نیز به همراه دارد اما رهبران و پایوران رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی نیز که هنوز از قداره های سرکوب جنبش مردم توسط آنان خون می چکد و بسیاری از جوانان معترض در خیابانهای کشور در زندانها تحت شکنجه شان قرار دارند، خود را همراه جنبش منطقه ای دانسته و وقیحانه از اعتراضات آنان حمایت می کنند.

علی اکبر صالحی، وزیر امور خارجه تازه گماشته شده رئیس جمهور منفور و برگزیده ولی فقیه رژیم در مورد اعتراضات مردم مصر می گوید: "ما نیز به سهم خود همراه با آزادیخواهان جهان از نهضت ملت بزرگ مصر حمایت می کنیم."

اینکه از چه موقع تا حالا این رجاله های آدمکش و سرکوبگر همراه آزادیخواهان جهان شده اند بماند، اما او وقیحانه ادامه می دهد: "با شناختی که از مردم بزرگ، انقلابی و تاریخ ساز مصر داریم، مطمئن هستیم که آنان نقش خود را در ایجاد خاورمیانه‌ای اسلامی که متعلق به تمامی احاد مردم آزاده، عدالتخواه و استقلال طلب منطقه است، به خوبی ایفا خواهند کرد."

و اینگونه صالحی اعتراضات مردم مصر را رویای رژیم خونخوار خمینی یعنی، خاورمیانه اسلامی قلمداد می کند. این همان خواستی است که واحد قدس سپاه پاسداران سالهاست برای رسیدن به آن ارتکاب هیچ جنایتی فروگذاری نکرده و با ترور و قتل و دخالت در امور دیگر کشورها به دنبال آن است.

از سوی دیگر، رامین میهمان پرست، سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم، اعتراضات مردم مصر را "بیداری

اسلامی" توصیف کرده و گفت: "نباید همچون کشورهای غربی عنوان "اغتشاش" را برای این "این موج بیداری اسلامی" به کار برد. این درحالی است که از رهبر تا پادوهای دست چنم او مردم ایران را که علیه ظلم و ستم رژیم ولایت فقیه به خیابانها آمده بودند، "میکروب"، "خس و خاشاک"، "بزغاله"، "اغتشاش گر" و "فتنه گر" نامیده و با فجیع ترین شکل ممکن آنان را سرکوب کردند. عمده اکره ولی فقیه نه تنها جوانان مردم کشور را به القاب فوق نامیده، بلکه بساط داغ و درفش را علنی کرده و با تجاوز جنسی و کشتاندن دستگیرشدگان به تلویزیون و ... روی همه دیکتاتورها و مستبدین تاریخ را سفید کردند.

همچنین علی لاریجانی، رئیس مجلس آخوندها در مورد اعتراضات مصر گفت: "دولت آمریکا در امور مصر دخالت نکند، زیرا مردم مصر دموکراسی شتری نمی خواهند."

این نمک پرانی در حالی از سوی لاریجانی انجام می شود که جوانان ایرانی شترسواران سرکوبگر مصری را با تشبیه به لباس شخصیهای ولی فقیه، "شتر شخصی" نام نهاده اند. معلوم نیست اگر مردم مصر دموکراسی شتری نمی خواهند، چرا مردم ایران باید دموکراسی "تجاوز گری جنسی" بخواهند؟

لاریجانی در ادامه حرفهایش همچنین می گوید: "جوانان امروز از مسایل سیاسی مطلع هستند و با قطع اینترنت و شبکه ها دردی دوا نمی شود."

این درحالی است که رژیم ولایت فقیه در اعتراضات مردم ایران نه تنها اینترنت را قطع بلکه، شبکه تلفنهای همراه را نیز از کار انداخت تا جلو خبر رسانی جوانان ایرانی را بگیرد.

اما منهای حرفهای دار و دسته قلدران در قدرت، موسوی و کروبی نیز دیداری با یکدیگر داشته و با انتشار بیانیه ای می گویند: "ما معتقدیم اگر در ایران نیز به معترضین پس از انتخابات اجازه راهپیمایی داده شود مشخص خواهد شد کدام جریان از پایگاه اجتماعی و مردمی برخوردار است."

بعید است که موسوی و کروبی ندانند که طبق قانون اساسی رژیم ولایت فقیه، تجمع و اعتراضات در حالی که با اسلحه نباشد، آزاد است و نیاز به مجوز ندارد. منهای آن، مگر مردم مصر و اردن و تونس از دولتهای خود اجازه راهپیمایی گرفته اند که این دو کاندیدای ریاست جمهوری گذشته رژیم بست نشسته و با التماس خواهان اجازه راهپیمایی از سرکوبگران شده اند؟

امواج اعتراضات مردم در منطقه، پایوران و سردمداران رژیم را به وحشت انداخته و آنان با فرار به جلو و بیان همراهی سعی دارند تا ترس خود از به میدان آمدن مردم ایران را بپوشانند.

## رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

عدالت به سبک بورژوازی  
مانند تور ماهیگیری می ماند که  
نهنگها به دام نمی افتند اما  
ماهیهای ریز در آن گیر می کنند  
(روزا لوکزامبورگ (۱۸۷۰) -  
۱۹۱۹)، انقلابی و رهبر  
سوسیالیست و کمونیست آلمانی  
و لهستانی تبار)

هر کسی بخواهد پرواز کند،  
باید اول روی پا بایستد، راه  
برود، بدود، از کوه بالا برود و  
برقصد. نمی شود یکباره پرواز  
کرد (فردریش ویلهلم نیچه (۱۵  
اکتبر ۱۸۴۴ - ۲۵ اوت ۱۹۰۰)  
فیلسوف آلمانی)

سینما

در جشنواره فیکا، امین فرج پور  
جایزه خود را به جعفر پناهی و  
محمد رسول اف اهدا کرد



در تمام مدت فستیوال، پیش از نمایش  
فیلمهای هر سانس، در مورد حکم  
محکومیت این دو سینماگر ایرانی به  
تماشاگران توضیح داده می شد و سپس  
به احترام آنها، تماشاگران از جا  
برخاسته و یک دقیقه سکوت می  
کردند.

خودداری سینماگر مشهور ترک  
از پذیرش جایزه جشنواره فجر



سمیح کاپلان اوغلو، فیلمساز نامدار  
ترکیه‌ای، جایزه جشنواره فیلم فجر  
برای فیلم "عسل" را به نشانه اعتراض  
به وضعیت سینماگران در ایران  
نپذیرفت. اوغلو از جمله کسانی است  
که پیش از این نیز نسبت به زندانی  
بودن سینماگران ایرانی، محمد رسول  
اف و جعفر پناهی اعتراض کرده بود.

کاپلان اوغلو گفت که فیلم وی توسط  
توزیع کننده بین المللی به ایران  
فروخته شده بود. وی افزود: "اطلاع  
یافتیم جایزه بهترین سناریو در  
جشنواره فجر به فیلم "عسل"  
اختصاص داده شده است. ما به واسطه  
همین جایزه بود که باخبر شدیم فیلم  
در جشنواره شرکت کرده است. توسط  
توزیع کننده بین المللی فیلم نیز اعلام  
کرده‌ایم که به عنوان اعتراض، جایزه  
را نخواهیم گرفت."

"عسل"، ساخته سمیح کاپلان اوغلو از  
مجموعه سه گانه این فیلمساز خلاق،  
سینمای ترکیه است که بر اساس  
خاطرات زندگی شخصی او ساخته  
شده و دو قسمت دیگر این تریلوژی  
یعنی، "تخم مرغ" و "شیر" نیز قبلاً  
در جشنواره های جهانی، درخشیده‌اند.

هفت جایزه بفتا به فیلم

'سخنرانی پادشاه' رسید

مراسم شصت و چهارمین جایزه "بفتا"  
در "رویال ایرا هاوس" در "کاونت  
گاردن" لندن برگزار شد و فیلم  
"سخنرانی پادشاه" به کارگردانی "تام  
هویر" توانست جایزه بهترین فیلم  
سال، بهترین فیلم بریتانیایی، بهترین  
بازیگر نقش اول و مکمل مرد، بهترین  
بازیگر نقش مکمل زن، بهترین  
فیلمنامه تالیفی و بهترین موسیقی متن  
را از آن خود کند.  
"سخنرانی پادشاه"، نامزد بیشترین  
جوایز اسکار امسال نیز هست.

جایزه "بفتا" برای بهترین بازیگر زن، و  
مرد نقش اول به ترتیب به "ناتالی  
پورتمن" برای بازی در فیلم "قوی  
سیاه" و "کالین فرث" برای ایفای  
نقش در فیلم "سخنرانی پادشاه" رسید.  
همچنین "دیوید فینچر"، کارگردان  
آمریکایی، جایزه بهترین کارگردانی را  
برای فیلم "شبکه اجتماعی" به دست  
آورد و داستان "اسباب بازی ۳" برنده  
بهترین انیمیشن سال شد.

از سمیح کاپلان اوغلو تا مسعود

کیمیایی

در حالیکه سمیح کاپلان اوغلو، سینماگر  
نامی ترک از دریافت جایزه معرکه فجر  
خودداری کرد و بسیاری از هنرمندان  
صاحب نام به نشانه اعتراض در آن  
شرکت نکردند، مسعود کیمیایی پس از  
۳۰ سال بی اعتنایی به هنری که تحت  
سانسور رژیم است، در آن حضور یافت.  
وی در مراسم بزرگداشتی که ستاد  
برگزاری جشنواره برایش ترتیب داده  
بود، روی صحنه حاضر شد و در ابتدا از  
اینکه بعد از سی سال جشنواره به یاد او  
افتاده، ابراز خرسندی کرد. کیمیایی که  
امسال آخرین فیلم‌اش، "جرم" را در  
جشنواره شرکت داده، با اشاره به  
"هفتاد سال کار و زندگی در این  
سرزمین" از تشکیلات قوه قضاییه در  
خواست کرد تا در حکم جعفر پناهی  
تجدیدنظر کند.

فرج الله سلحشور، کارگردان سریال  
"یوسف پیامبر" سخنان مسعود  
کیمیایی در مراسم افتتاحیه جشنواره  
فیلم فجر درباره جعفر پناهی را "دفاع  
از یک خائن" دانست و گفت که ۹۰٪  
درصد فیلمهای مسعود کیمیایی در  
سطح آبگوشتی است."

ارتباط "بیداری ملتها" و

تحریم جشنواره دولتی از سوی

مردم

مدیرکل فرهنگ و ارشاد خراسان  
جنوبی پس از آنکه اذعان داشت "به  
دلیل عدم استقبال مردم از جشنواره  
فیلم فجر امسال این جشنواره را  
نخواهیم داشت"، گفت: "انقلاب  
اسلامی موجب بیداری ملتها شده و  
انقلابهایی که ما امروزه شاهد آن  
هستیم، تحت تاثیر انقلاب اسلامی  
ایران است."

وی ادامه داد: یکی از مهمترین  
مساله‌هایی که امروزه مطرح می‌شود،  
مقابله با جنگ نرم از طریق خلق آثار  
فرهنگی هنری و بسترسازی مناسب  
برای آشنایی جوانان با دستاوردها  
انقلاب است.

مطهری فر از افزایش کانون مساجد از  
۲۵ کانون به ۲۰۰ کانون در مدت ۴  
سال و موسسات قرآنی از ۱۲ موسسه  
به ۲۴ موسسه تا پایان سال خبر داد.

موسیقی

جشنواره موسیقی فجر از سوی

استادان موسیقی تحریم شد

بیست و ششمین جشنواره موسیقی  
فجر که از دوم تا هشتم اسفندماه در  
تهران برگزار می‌شود، از سوی بسیاری  
از استادان موسیقی ایرانی تحریم شده  
است. حسین علیزاده، آهنگساز و  
نوازنده تار در گفتگو با رسانه‌ها عدم  
حضور هنرمندان صاحب نام موسیقی  
در جشنواره موسیقی را یادآور شده و  
گفت: "به نظرمی رسد آثاری که در  
جشنواره حضور دارد، اغلب سفارشی  
است و ایده و دیدگاه هنرمند در آن  
مطرح نمی‌شود."

وی افزود که از همین رو معتقد است:  
"جشنواره موسیقی فجر یک رویداد  
صرفاً هنری نیست و بار سیاسی بودن  
این رویداد بیش از هر عنوان دیگری  
مطرح است."

این آهنگساز برجسته ایرانی افزود:  
"تنها روش اعتراض هنرمندان حوزه  
موسیقی به وضعیت موجود این است  
که در جشنواره فجر شرکت نکنند."

وی همچنین تلاش کارورزان موسیقی  
ایرانی در خارج کشور را ستوده گفت:  
"درست است که ما در کشور با  
مشکلاتی مواجه بوده‌ایم اما همین هنر  
ایرانی در خارج از کشور رشد  
چشمگیری داشته است و هنرمندان  
ایرانی بسیاری امکان کار و اجرا  
داشته‌اند."

ساخت انیمیشن فارابی متوقف

شد

عباس جهانگیریان، از متوقف شدن  
پروژه‌ی ساخت انیمیشن "فارابی" در  
مرکز پویانمایی "صبا" خبر داد و  
افزود: "مسولان از من خواستند تا در  
این فیلمنامه تنها به جنبه‌ی فلسفی  
این اندیشمند پرداخته شود. البته نظر  
مدیران موسسه صبا این نیست اما آنها  
این اثر را همسو با سیاست‌گذاریهای  
صدا و سیما ندانسته‌اند."

وی گفت: "به اعتقاد من نمی‌شود در  
یک انیمیشن، به تنهایی "فلسفه" را به  
تصویر کشید و از طرفی حذف وجهه‌ی  
موسیقی از زندگینامه‌ی فارابی برایم  
قابل قبول نیست. بنابراین تصمیم  
گرفتم این فیلمنامه را از صبا پس  
موکول کنم."

جهانگیریان در توضیح جایگاه فارابی  
اظهار داشت: "فارابی به جز جایگاهش  
در فلسفه که منجر شد از سوی ابن  
سینا پس از ارسطو به عنوان معلم ثانی  
معرفی و به رسمیت شناخته شود،  
نخستین و شاید بزرگترین تیورسین  
بقیه در صفحه ۲۵



## رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۴

**خاطرات دونالد رامسفلد،  
"دانسته ها و نادانسته ها"  
منتشر شد**

دونالد رامسفلد، وزیر دفاع سابق



آمریکا، کتاب خاطرات خود را با عنوان "دانسته ها و نادانسته ها" (Known and unknown) در ۸۳۲ صفحه منتشر کرد.

آقای رامسفلد در این کتاب، جزئیات زیادی از حدود نیم قرن فعالیت سیاسی و نظامی خود را بازگو کرده و به موضوعات مختلفی، از جنگ عراق گرفته تا زندان گوانتانامو، اشاره کرده است.

او که از جنجال، ترین چهره های دولت جورج بوش بوده، معتقد است: "وقتی، زیاد مورد انتقاد قرار نمی گیری، یعنی که کار چندان، انجام نمی دهی." این کتاب در بریتانیا توسط انتشارات پنگوئن منتشر شده است.

**طنز از هادی خرسندی**

**رباعی رفع نحوست**

حیف است که بی سر و صدا دک بشوید  
ساقط ز تظاهرات اندک بشوید  
هرچند که غرقه در نحوست شده  
اید  
خواهم که یکی، یکی، مبارک بشوید!

**رباعی نه خیر**

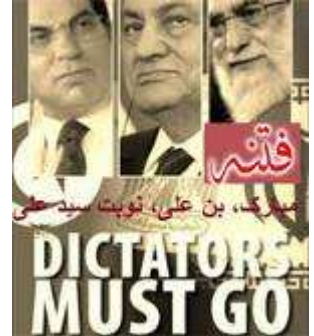
آنان که به تعبیر شما تندرو اند  
در تونس، و مصر طالب نظم نو اند  
گویند سی و دوسال هستند عقب؟  
نه خیر! یکی دو سال از ما جلو اند

مسئولان داسرای اوین برای خانواده های تجمع کرده جلوی زندان اوین خوانده شد. البته سوختگی این شگنجه گر معروف قابل درک است. چرا که او هم مثل خامنه ای و احمدی نژاد بارها از کور شدن چشم فتنه دم زده بود و اکنون در بهت و حیرت شاهد آن شده که آزادیخواهان ایران علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوبگر نظامی، امنیتی و اراد و اوباش لباس شخصی به خیابانها آمدند و با شعار «مبارک، بن علی، نوبی سید علی» هم از انقلابهای تونس و مصر حمایت کردند و هم نقطه کانونی نظام را مورد حمله قرار دادند. یک دروغگوی دیگر به نام احمد رضا رادان، جانشین سرکرده نیروی انتظامی، به شهادت رساندن جوانان دلیر، محمد مختاری و صانع ژاله را کار «عوامل نفاق» اعلام کرد و بعضی از سایت های اطلاعاتی کوشش کردند تا زنده یاد صانع ژاله را بسیجی و حزب الهی معرفی کنند. هنوز چند ساعتی از پخش این خبر ردیالنه نگذشته بود که دهها خبر و گزارش در مورد بی پایه بودن این ادعای مسخره بر روی شبکه اینترنت منتشر شد.

پیام شهدای قیام، صانع ژاله و محمد مختاری و پیام زنان، مردان و جوانانی که در شهرهای تهران، شیراز، اصفهان، مشهد، کرمانشاه و ... قیام ۲۵ بهمن را آفریدند و هشیارانه شعار «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای» را سر دادند پیام تغییر و انقلاب بود. البته این پیام در روز ۶ دی ماه سال قبل (عاشورا) هم از جانب مردم آزادیخواه ایران اعلام شده بود که بعضی از نیروها و شخصیت های سیاسی که هنوز در فکر احیای «دوران خمینی» و اجرای «بدون تنازل قانون اساسی» هستند آن را نادیده گرفتند و در حقیقت خود را فریب دادند. اکنون

## مبارک، بن علی، نوبت سید علی

زینت میرهائمی



فراسوی خبر ۲۷ بهمن

یک روز بعد از قیام دلبرانه روز دوشنبه ۲۵ بهمن، چند روزنامه حکومتی با وقاحت بی حد و مرز، دروغ های مبتذل تحویل خوانندگان خود دادند.

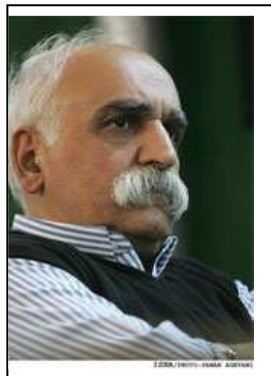
حسین شریعتمداری در روزنامه کیهان سه شنبه ۲۶ بهمن، با ادبیات خاص بازجوها و شکنجه گران به جای «میکرب» و «خس و خاشاک» واژه «اشغال» را در مورد قیام کنندگان ۲۵ بهمن به کار برده و همزمان به طور ابلهانه ای تعداد شرکت کنندگان در این خیزش مردمی را ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفر اعلام کرد.

این در حالی است که خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران که فرماندهی سرکوب جنبش مردم را به عهده دارد در خبری از قول صاحب نظران «تعداد نیروها در این تجمعات را بسیار کمتر از تجمعات ۱۳ آبان و روز عاشورا» ارزیابی

کرد. همین مقایسه با قیام میلیونی روز عاشورا بیان کننده ابعاد عظیم خیزش روز ۲۵ بهمن است. علاوه بر این به حسین شریعتمداری که حساب جمع و تفریق را می داند باید یادآوری کرد که در شامگاه روز ۲۵ بهمن لیستی مرکب از ۱۵۰۰ تن از بازداشت شدگان همان روز از سوی

## کتاب

**محمود معتقدی در میان  
کتاب های چاپ نشده اش**



معتقدی می گوید که این کتاب را دو سال پیش به "نشر ثالث" سپرده است.

"میان پنجره و دیدن" نام کتاب منتشر نشده دیگری است که به بررسی ده شعر از ده شاعر معاصر اختصاص دارد. معتقدی توضیح داد: "این کتاب شامل مقالاتی درباره ی ده شعر از شاعرانی همچون، شاملو، سیمین بهبهانی، منوچهر آتشی، م. آزاد، فروغ فرخزاد، حافظ موسوی، ضیا موحد و سیدعلی صالحی است.

در این مقالات کوشیده ام شعرهایی را انتخاب کنم که به نظرم کار درخشانی بوده اند و گمان می کنم در ادبیات فارسی بمانند."



پیام قیام کنندگان روز ۲۵ بهمن که به سرعت در تمامی رسانه های جمعی بازتاب پیدا کرده یک پیام روشن را اعلام کرد: انقلابی دیگر با سرنگونی دیکتاتور

## زنان در مسیر رهایی

ناهیتا اردوان

### زنان بازنشسته انگلیسی کتر از مردان، حقوق دریافت می کنند

دیلی تلگراف، ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ - تحقیقات در بخش کار و بازنشستگی انگلیس آشکار ساخت که میزان حقوق بازنشستگی که از سوی دولت به زنان تعلق می گیرد، تا ده سال آینده ۴۰ پوند در هفته کمتر از مردان خواهد بود. بر اساس قوانین فعلی، میزان حقوق بازنشستگی براساس مدت خدمت تعیین می شود. معمولاً زنان به دلیل ساعتهایی که مجبورند کار نکنند تا از کودکان خود پرستاری کنند، در مساله واجد شرایط بودن شکست می خورند. در مقابل، مردان حقوق بازنشستگی بیشتری می گیرند زیرا ساعتهای بیشتری بیرون از خانه کار می کنند و دستمزد بالاتری نسبت به همکاران زن خود دریافت می کنند.

تحقیقات شعبه کار و بازنشستگی انگلیس نشان می دهد که مردان بازنشسته بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ قادرند مزایای کامل و تمام حقوق بازنشستگی خود را از دولت دریافت کنند که به این به معنای دریافت ۱۸۰ پوند در هفته در مقابل فقط ۱۲۰ پوند برای زنان است. مخالفان تلاش می کنند تا دولت را به یک تغییر همه جانبه در این رابطه مجبور سازند زیرا آنان اعتقاد دارند که قوانین دریافت بازنشستگی دولت نسبت به زنان ظالمانه عمل می کند. شرطهای دریافت حقوق بازنشستگی آنچنان تبعیض آمیزند که حتی اگر سالیانه کار زنان برای دریافت کامل حقوق بازنشستگی از ۳۹ سال کار به ۳۰ سال هم کاهش یابد، برابری جنسیتی در این رابطه حاصل نخواهد شد. برآورد می شود که چهل درصد از زنان در سن ۵۰ سالگی هیچ پس انداز و یا تدارکات بازنشستگی خصوصی ندارند. این مساله آنان را کاملاً به مزایای بازنشستگی دولتی وابسته می سازد.

بعضی از مسوولان شعبه کار و بازنشستگی نیز اعتقاد دارند که زنان از قوانین بازنشستگی دولت سالیانه متمادی رنج برده اند. آنان اضافه می کنند که اگرچه گامهایی برای رفع این مشکل برداشته شده اما دریافت برابر حقوق بازنشستگی دولتی بین زنان و مردان تا سالهای ۲۰۳۰ یا حتی ۲۰۴۰ امکان پذیر نخواهد بود.

### نقش برابر زنان با مردان در انقلاب تونس

اسوشیتدپرس، ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ - صدای زنان در تحصنها و راهپیماییهایی که در تونس اتورپته ریاست جمهوری، زین العابدین بن علی را شکست، کاملاً واضح بود. زنان در مراحل سنی مختلف با پوششهای متفاوت به خیابانها آمدند و خواستار پایان سیستم دیکتاتوری شدند. یکی از زنان ابراز می دارد که شرایط زنان تونس نسبت به زنان کشورهای همسایه بهتر است، "ما خود را آزاد تر می دانیم. به عنوان مثال اصلاً احتیاج نداریم که پوشش به خصوصی داشته باشیم. در کشور لیبی زنان مجبور به رعایت حجاب اسلامی هستند و حتی قادر نیستند با مردان صحبت کنند که این مساله یک فاجعه است".

یک سوم قاضیهای تونس، زن هستند. زنان تونس همانند مردان حق طلاق دارند و چند همسری در این کشور ممنوع است. زنان تونس از سال ۱۹۶۲ حق استفاده از داروهای ضد حاملگی و از سال ۱۹۶۵ یعنی، هشت سال قبل از این که کورتاژ در آمریکا آزاد شد، حق سقط جنین را دریافت کردند.

یک فمینیست ابراز می دارد: "بن علی وانمود می کند که طرفدار حقوق زنان است فقط به خاطر این که نپای غرب را خشنود سازد. اگرچه ما از قدرت گرفتن گروههای مذهبی در تونس هراس داریم اما هوشیار باقی خواهیم ماند."

او اضافه می کند که فمینیستهای تونسی تا زمانی که اطمینان حاصل کنند که مذهب از سیاست جدا خواهد بود و سکولاریزم اعمال قدرت می کند، از مبارزه دست نخواهند کشید، "شرکت برابر زنان با مردان در جنبشی که خواستار تغییر در تونس هستند، کاملاً نشان می دهد که زنان اجازه نخواهند داد کسی آنان را از آزادی محروم کند".

### زنان در اعتراضات مصر

پی آر ای، ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ - "روحیه"، یک دانشجوی ۲۱ ساله است که صدها مایل را طی کرده و خود را به میدان تحریر رسانده است. او ابراز می دارد که مبارک ثروت زیادی دارد، در صورتی که مردم در فقر به سر می برند. "روحیه" اضافه می کند که خواستار دموکراسی است و حاضر است برای آن جان خود را فدا کند، "من نمی توانم در خانه بمانم و بگویم خواهان آزادی هستم".

زنان در مصر در انقلاب ۱۹۱۹ این کشور، درست قبل از این که مصر توانست استقلال خود را به دست آورد، در مبارزه علیه انگلیس در صف اول قرار داشتند. زنان مصری حتی در مبارزه علیه اشغال فرانسه نقش غالب نسبت به مردان داشتند. بنابراین شرکت زنان در جنبش کنونی مساله تازه ای نیست زیرا که آنان سالهایتمادی در مبارزات مردم مصر حضور داشته اند. اما دولت مصر در ۶۰ سال اخیر تلاش کرده است، مبارزه زنان را در تشکلهای مختلف کنترل کند و اعمال تبعیض جنسیتی و استعمار زنان همواره تداوم داشته است. زنان را از فعالیت سیاسی ترسانده اند و از مشارکت آنان در تصمیم گیریها پیرامون سرنوشت خود جلوگیری شده است. اکنون نیز این زنان هستند که در اعتراضهای خیابانی مورد آزار و اذیت جنسی قرار می گیرند، تحقیر می شوند و لباس آنان پاره می شود. اما زنان مصر که به طور تاریخی در مبارزات نقش فعالی داشتند، اکنون نیز از پای ننشسته اند. به عنوان نمونه "اسامه محفوظ" که

یک دختر جوان است، با فرستادن فیلم ویدویی به یوتیوب از مردم مصر مصرانه خواست تا در اعتراضات علیه مبارک شرکت کنند. او خطاب به مردم در فیلم خود گفت: "هر کسی در کشور مصر می گوید "مرد" است، از خانه بیرون بیاید و در اعتراضات شرکت کند. هر کسی می گفت زنان نباید در تظاهرات شرکت کنند زیرا آنان مورد آزار و اذیت قرار می گیرند، حالا مردانگی خود را نشان دهد و از خانه بیرون برود زیرا اگر ما به مطالبه مان نرسیم، گناه شماست." زنان مصری بیش از نیمی از جمعیت مصر را تشکیل می دهند. آنها در رسانه های خبری فعالند و شمار قابل توجهی از بیرون از خانه مشغول به کار هستند اما به ندرت پستهای بالا در حکومت و یا تجارت به زنان تعلق دارد. هنوز مهمترین وظیفه زن در جامعه، تشکیل خانواده است. خانه نشینی زنان از روی اجبار و انتظار با حیا رفتار کردن آنان از سوی جامعه با رشد گرایشها و حرکتهای مذهبی و سنتی در مصر رابطه ای تنگاتنگ داشته است.

یک پرفسور دانشگاه زن که در خیزشهای خیابانی از آغاز آن شرکت کرده است، ابراز می دارد که امروز زنان مصر با شرکت آزادانه در تظاهرات و فدای جانشان بار دیگر دریافته اند که برای دستیابی به حقوق کامل شهروندی خود احتیاج به اجازه کسی ندارند.

### اعمال خشونت علیه زنان در اوگاندا و اقدام دولت نروژ علیه آن

خبرگزاری نروژ، ۱۰ فوریه ۲۰۱۱ - دولت نروژ ده میلیون و هشتصد هزار دلار آمریکا به سازمان ملل داده است تا

علیه اعمال خشونت علیه زنان در اوگاندا مبارزه کند.

موقعیت زنان در اوگاندا، به ویژه شمال این کشور بسیار سخت است. زنان موقعیت بسیار پایینی دارند و در بسیاری مواقع ملک مردان محسوب می شوند. افزوده بر این، بسیاری از مردان در جنگ مجروح شده اند و بدین وسیله زنان را مورد حمله قرار می دهند. نروژ به پروژه ای کمک می کند که زنان و مردان در اوگاندا را به حقوق شان آگاه و آشنا می سازد. بسیاری از زنان و مردان اوگاندایی از شرکت کردن در این برنامه های آموزش ابراز خشنودی کرده و اعتقاد دارند که این مساله، خشونت طلیی آنان را کاهش داده است.

دولت نروژ با امضای توافقی با سازمان ملل می بایست میزان ده میلیون و هشتصد هزار دلار سرمایه در مدت سه سال به این پروژه کمک کند. این سرمایه جهت مبارزه با اعمال خشونت علیه زنان، اصلاح موقعیت زنان و فراهم کردن امکانات پزشکی برای زنان قربانی خشونت استفاده خواهد شد.

### سازمان ملل به خشونت خانگی در اجتماعات سرخپوستهای آمریکایی رسیدگی کند

شبکه زنان، ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ - بر اساس گزارش اولیای امور آمریکا، اعمال خشونت خانگی به ویژه در میان اجتماعات سرخپوستهای آمریکایی، جایی که زنان دو و نیم برابر بیشتر نسبت به زنان در قسمتهای دیگر کشور آمریکا در خطر این عمل وقیحانه قرار دارند، ابعاد فجیعی یافته است. مخالفان معضل خشونت خانگی از سازمان ملل خواسته اند که در این رابطه میان سرخپوستهای آمریکایی تحقیق کند و متهمان را به سزای اعمال خود برساند. بر اساس آمار، ۳۴ درصد از زنان سرخپوست آمریکایی و آثانی که ساکن آلاسکا هستند، حداقل یک بار در طول دوران زندگی خود مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند. این مساله زمانی رنگ و روی غیر انسانی تری به خود می گیرد که ضوابط و مقررات قضایی، موافی بر سر راه دادگاه های اجتماعات سرخپوستهای آمریکایی می گذارد که متهمان غیر سرخپوست را تحت پیگرد قانونی قرار ندهند. به همین دلیل مدافعان حقوق زنان و حقوق بشر از سازمان ملل می خواهند که به طور جهانی متهمان را مورد پیگرد قانونی قرار دهند.

### فقر در جهان چهره ای زنانه دارد

اسوشیتدپرس، ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ - میشل بچلت، مدیر اجرایی بخش جدید زنان سازمان ملل برای تقویت برابری بقیه در صفحه ۲۷

## وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، چرا صالحی؟

### لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۱۱ بهمن  
پیرامون گماردن علی اکبر صالحی به منصب وزارت امور خارجه، سخنان زیادی گفته شده. بارز ترین این اظهار نظرات که اوضاع آشفته قوه مجریه و قضاییه را توصیف می کند را نمایندگان رژیم در مجلس ارتجاع در قالب موافق یا مخالف با وزارت وی بیان کرده اند. نتیجه گیری اما باز هم نشان از این امر دارد که سیاست و سیاستمداری، اداره کشور و روابط بین المللی تحت حکومت ولی فقیه همه و همه اموری هستند که واکنشهای تهاجمی و بحران زا را زیر بنا دارند و با هدف فرسوده سازی طرف مقابل تنظیم می شوند؛ امری که در نهایت همه وادار به پیشگیری از آن می شوند.

در صحنه داخلی در حالی که قایق یک پاروی خامنه ای به گل نشسته است، واکنش در برابر جامعه معترض، سرکوب و اعدام است. در سیاست خارجی نیز با فشار تحریمهای اقتصادی و بویژه تنگنای تحریمهای سیاسی، واکنشهای تهاجمی به امید فرسوده کردن طرفهای غربی افزایش پیدا می کند. تازه ترین آنها انتخاب آقای صالحی است؛ شخصی که نام او در لیست سیاه ۲۷ کشور اروپایی قرار گرفته و این اقدام نه تنها به خاطر موقعیت حقوقی او به عنوان رییس سازمان انرژی هسته ای بلکه، همچنین به دلیل شخصیت حقیقی وی صورت گرفته است.

از سوی دیگر، حمایت صالحی در گذشته از موسویان که رژیم او را "سرسپرده" و "جاسوس" معرفی کرده و اکنون هم هنوز در میدان بازی است، برق دو روی خوب و بد سکه را به چشم غربیها خواهد زد.

جمهوری اسلامی با گماردن صالحی می تواند دو حرف زده باشد. اول اینکه پر اهمیت ترین بخش سیاست خارجی جمهوری اسلامی موضوع هسته ای است و همه روابط تحت الشعاع آن قرار دارد و در عین حال اینکه به تحریمها اهمیت نمی دهد. دوم آنکه اکنون دیگر غرب با یک طرف واحد و یک نقطه نظر واحد طرف است که هم می تواند با آنها کنار بیاید هم نیاید.

بی جهت نیست که زهره الهیان، نماینده رژیم از تهران در مجلس ارتجاع گفت که به دلیل "حوادث حقوق بشر و قطعنامه ها"، مجلس باید "رای بالا" به او داده و وی را حمایت کند.

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۶

جنسیتی، در یک کنفرانس مطبوعاتی از آماری پرده برداشت که نشان از بهره کشی خشن زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان دارد. این آمار لکه ننگی بر پیشانی جهانی ست که خود را مدرن و متمدن می داند.

بر اساس گفته های وی، ۷۵ درصد از زنان و دختران در جهان حداقل یک بار در طول زندگی خود مورد آزار و اذیت فیزیکی - روحی و جنسی، قرار می گیرند. از ۱۹۲ عضو سازمان ملل فقط ۱۹ تن از رهبران دولتها زن هستند. با وجود این که زنان صد درصد از کودکان جهان را به دنیا می آورند، ۷۰ درصد از مواد غذایی جهان را تولید می کنند و ۶۰ درصد از نیروی کار جهان به آنان تعلق دارد اما تنها کمتر از ۱۰ درصد از ثروت جهان به آنان تعلق دارد.

### تمکین نکنی، حق طلاق نداری!

خبرگزاری هرانا، ۱۰ بهمن ۱۳۸۹ - بر اساس رای وحدت رویه دیوان عالی کشور، حق طلاق زنان در صورت اثبات عدم تمکین از زن گرفته می شود.

طبق این رای که برای تمامی دادگاهها لازم الاجراست، زن تنها در صورتی می تواند از حق طلاق که در قباله ازدواجش ثبت کرده استفاده کند که مرد نتواند عدم تمکین او را ثابت کند؛ بنابراین از این پس اگر مردی توانست این عدم تمکین را به دادگاه ثابت کند، حتی اگر همسرش در ابتدای ازدواج حق طلاق را هم گرفته باشد، حقی برای طلاق نخواهد داشت.

### زنان در ایران فقط ۱۳ درصد فرصت های شغلی را در اختیار دارند

خبرگزاری مهر، ۶ بهمن ۱۳۸۹ - بررسی وضعیت اشتغال زنان در کشور نشان می دهد که تا پایان سال گذشته ۳،۸ میلیون زن در بخشهای مختلف اشتغال داشته اند که بیشترین تعداد آنها در تهران و کمترین نیز در کهگیلویه و بویراحمد بوده است.

بررسی آمار کلی و وضعیت اشتغال زنان در کشور در سال ۸۸ نشان می دهد که از کل ۲۱ میلیون شاغل کشور در این سال، بیش از ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر آن زن بوده اند. آمار اشتغال مردان در این بخش رقمی بیشتر از ۱۷،۳ میلیون نفر بود.

### زهره بهرامی، شهروند ایرانی - هلندی اعدام شد

زهره بهرامی، فرزند علی از دستگیر شدگان اعتراضات ۶ دی ماه سال ۸۸ بود که مسوولان به اتهام "قاچاق مواد مخدر" برای وی حکم اعدام صادر کرده بودند.

حکم اعدام خانم بهرامی روز یکشنبه ۱۲ دی ماه توسط قاضی صلواتی، رییس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به وکیل این شهروند ایرانی - هلندی، خانم ژینوس شریف رازی ابلاغ شده بود.

ماه سال جاری انقلاب تهران در محاکمه قرار



وی در شانزدهم آذر در شعبه ۱۵ بیدادگاه همین زمینه مورد گرفت.

در حالی حکم اعدام ایرانی - هلندی به طور در آمده است که رامین سخنگوی وزارت اظهارنظری در مورد

بود: "جرم این فرد در دادگاه در حال رسیدگی است."

شایان ذکر است که در پی افزایش موج اعدامها در ایران، بسیاری از زندانیان سیاسی محکوم به اعدام نظیر حسین خضری، علی صامی، جعفر کاظمی و محمدعلی حاج آقایی تاکنون اعدام شدند.

## نبرد خلق

### ارگان سازمان چریکهای فدایی

### خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید  
بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو

اروپا معادل ۲۴ یورو

آمریکا و کانادا ۳۶ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

### آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای

روز ایران و جهان، تحلیل مسائل

روز، دیدگاهها

بخش شنبرداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

# NABARD - E - KHALGH

No : 308 20 feb. 2011 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION



## مردم مُصمم و مُتحد شکست ناپذیرند منصور امان

### شهادت فدایی

### اسفند ماه

رفقا: رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سوالانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوئی - بهمن اژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلانتر نیناسانی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجه شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوریان - جلیل خواری نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.

حُسنی مُبارک و علی خامنه ای یعنی، سرکوب در برابر جامعه به میدان آمده، مُتحد و مُصمم را رعدآسا اعلام می کند. تمام حقارت و درماندگی رژیم مصر نه در فرار رییس آن پس از روانه شدن سیل توده ها به سوی قصر او بلکه، در تلاش وحشیانه و ناکام برای سد کردن این سیل شاخص می شود. این نکتت را آیت الله خامنه ای با پیش انداختن گله های موتور سوار و چاقوکش، با همتای مصری اش تقسیم می کند.

مردم مصر نشان دادند که با ایستادگی و به موازات آن تعرض می توان دستگاه سرکوبی که ۳۰ سال برای مونپتاژ شدن فرصت داشته را خرد کرد. انقلاب مصر یکبار دیگر به اثبات رساند که هر گاه مردم با ابتکار خود، به طور مُستقل و بدون داشتن چشم امید به وعده های دروغین حُکومت یا وابستگان آن به میدان بیایند، چشم انداز دست یافتن به خواسته هایشان نزدیک تر و روشن تر خواهد بود.

رژیم ولایت فقیه نمی تواند نسبت به "اسقاط نظام" در مصر اندیشناک نباشد، نه فقط به دلیل مُشاهده شکست هراسناک والا قدرت سرکوب در این کشور بلکه، همچنین به خاطر تأثیرات خیزش پیروز مصر بر جامعه مُعترض ایران که پس از یک دوره تهاجم، به کمین نشسته است. برخلاف تبلیغات دلداری دهنده رهبران جمهوری اسلامی، همچنان که یک فعال مصری گفته است، آنچه که صادر می شود نه "انقلاب اسلامی" به مصر بلکه، انقلاب مصر به ایران است.

فراسوی خبر... ۲۳ بهمن رژیم حُسنی مُبارک سرنگون شد و جالب آنکه این خبر به هیچ عنوان برای یکی از دشمنان سُنتی حُکومت مصر، رژیم جمهوری اسلامی خبر خوبی به حساب نمی آید.

هشت سال پیش هنگامی که رژیم صدام حُسنین از قدرت برکنار گردید، حاکمان ایران نیازی به نگران شدن پیرامون تأثیرات اجتماعی این رویداد در داخل نداشتند زیرا این امر به دست یک ارتش خارجی و بدون دخالت مُستقیم جامعه عراق صورت گرفته بود. اکنون اما رژیم آقای مُبارک زیر فشار خیابان و خیزش سراسری میلیونها مُعترض درهم کوبیده شده است؛ این همان نیرویی است که آقای خامنه ای و همدستانش از بیش از یک سال پیش در جنگ بی وقفه با آن بسر می برند و آن را اصلی ترین تهدید بقای خود می شمارند.

پیروزی خیزش مصر، شکست راهکاری است که رژیم مصر همچون حُکومت جمهوری اسلامی برای خاموش کردن اعتراضها و راندن نیروی مزبور از منطقه قرمز خود پیشه کرده بود. تفاوت تکنولوژیک میان موتورهای آقای خامنه ای و شترهای آقای مُبارک، نمی تواند استراتژی یکسانی که این ابزارها را علیه جامعه هندل می زند یا هی می کند، پنهان سازد. سرکوب دایمی و خشونت بار، همان آب حیاتی است که آقایان خامنه ای و مُبارک به حلق می ریزند تا ریاست یا ولایت خود را مادام العُمر و جاودان سازند.

فُریادهای شادمانه ای که شب گذشته میدان التحریر را در بر گرفت، غریبوی است که ناتوانی موثرترین ابزار حفظ قدرت

## پاینده باد انقلاب مصر، درود بیکران بر مردم دلیر مصر

### اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرانجام قیام ۱۸ روزه زنان و مردان مصر اولین پیروزی خود را به دست آورد و امروز جمعه ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ برابر با ۱۱ فوریه ۲۰۱۱،

مردم مصر توانستند

حُسنی مبارک را که یک روز قبل بر باقی ماندن



در مقام خود تاکید کرد، به زیر کشند. این پیروزی بر دیکتاتوری را به زنان و مردان دلیر مصر شادباش می گوئیم. آرزو می کنیم که مردم مصر بتوانند خواسته های برحق خود را که در ۱۸ روز قیام بیان کردند کسب کنند.

قیام مردم مصر که شعله های سرکش آن در شهرهای قاهره، اسکندریه و سوئز چشم جهانیان را خیره کرده بود و پایداری قیام کنندگان در میدان آزادی (التحریر) اکنون و در گام اول به یک پیروزی دست یافته است. اما این پیروزی فقط گام اول است. مردم مصر در میان آزادی خطاب به رژیم مصر اعلام کرده بودند که ما قانون اساسی شما را قبول نداریم و خودمان قانون اساسی را خواهیم نوشت. اکنون این مردم هستند که باید برای آینده تصمیم بگیرند و با پایداری و ادامه قیام خود، «شورای عالی نیروهای مسلح» را وادار کنند که برای تشکیل مجلس مؤسسان مهلت تعیین کرده و شرایط را برای برگزاری انتخاب آزاد فراهم کند.

مردم مصر که در قیام ۱۸ روزه خود اعلام کردند؛ یا با شرافت زندگی می کنیم و یا همین جا می میریم، اکنون که مرحله اول انقلابشان به پیروزی دست یافته، حق دارند که سرنوشتشان را خودشان تعیین کنند.

پیروزی انقلاب یاسمین در تونس و پیروزی قیام مردم مصر، یک بار دیگر گفتمان انقلاب را به مساله روز دنیای سیاست تبدیل کرد و بدون تردید شرکت گروههای متنوع اجتماعی و سیاسی در این حرکت عظیم می تواند خوابهای پنبه دانی خامنه ای که برای مصادره انقلاب مصر دست به کار شده است را به کابوس تبدیل کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با شادباش مجدد به مردم مصر همبستگی خود را با انقلاب و نیروهای ترقیخواه مصر اعلام می کند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

جمعه ۲۲ بهمن ۱۳۸۹ - ۱۱ فوریه ۲۰۱۱

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم